



از خونخواهی امام شهید تا بهار اقتدار ایران





### نویسندگان:

محمد زینی، علی صداقت پور

### نویسندگان همکار:

امیرحسین غفاریان، امیرحسین حاجیان،

امیرحسین نواب، جواد هاشمی

ناظر علمی: محمد کربلایی

مدیر هنری: امیرحسین نواب

صفحه آرا: علی عبادی فرد

گرافیسٹ: سید محمد موسوی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۱۰۱-۲۹-۶

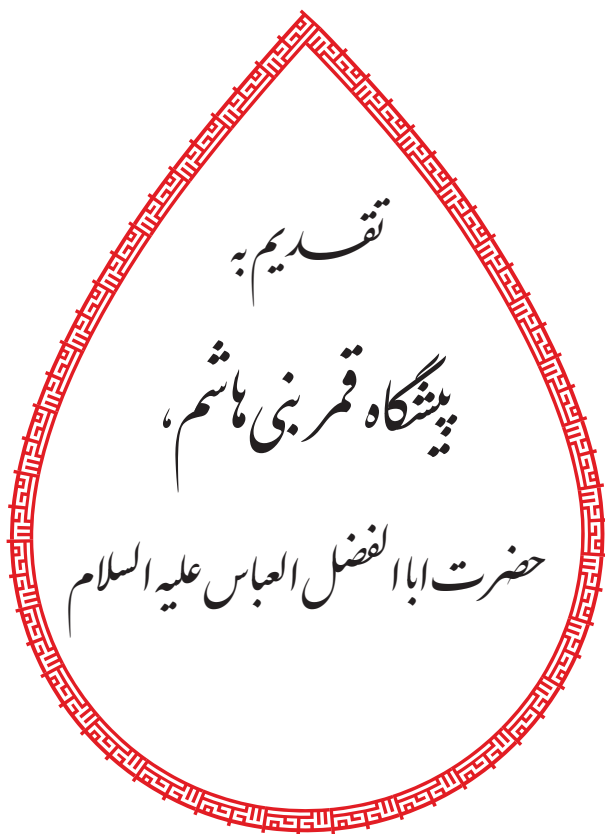
انتشارات: تلاوت

سال و نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۵

تیراژ: ۱۰۰۰ | چاپخانه: اطلس



از خون خواهی امام شهید تا بهار اقتدار ایران



تقدیم بہ

پیشگاہ قمر بنی ہاشم،

حضرت ابا الفضل العباس علیہ السلام

## فهرست

- مقدمه ..... ۹
- منزل اول: ورود به ماه حزن و ماتم..... ۱۳**
- زمان ها، منازل سلوک الی الله ..... ۱۵
- تفاوت اشک صادقانه و حرکت آفرین با اشک بی اثر و منافقانه ..... ۱۶
- عزاداری زنده و فعال؛ سنت پیامبران در بیزاری و لعن قاتلان ..... ۱۸
- شناخت جبهه امروز حق و باطل و اینکه محبت بدون برائت دروغ است ..... ۲۱
- خونخواهی سیدالشهداء و اینکه خون امام مایه حیات اسلام است ..... ۲۳
- دو نشانه اصلی برای ارزیابی واقعی بودن عزاداری ما ..... ۲۴
- گریه و روضه پایانی (روضه حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام) ..... ۲۵
- منزل دوم: خون بهای سیدالشهداء علیه السلام، اقامه قسط و ازاله طاغوت در عالم ..... ۲۷**
- تفاوت میان قصاص و خونخواهی ..... ۳۰
- امام حسین علیه السلام، وارث و ادامه دهنده رسالت تمام پیامبران ..... ۳۲
- امر به معروف و نهی از منکر؛ زمینه ساز برپایی عدالت و نابودی طاغوت ..... ۳۵
- اقامه عدل، خون بهای حقیقی ثارالله ..... ۳۶
- روضه ورود کاروان به زمین کربلا ..... ۳۷

**منزل سوم: جایگاه خون خواهی فعالانه در مکتب عاشورا و دعای سیدالشهدا علیه السلام ... ۳۹**

- نقش کلیدی قیام و همراهی مردم در تحقق عدالت و سیره حسینی ..... ۴۳
- عواقب شوم ترک یاری ولی خدا و اعجاز خون شهید در بیداری جامعه ..... ۴۶
- خون خواهی؛ موتور پیشران مکتب و محور انسجام و وحدت امت اسلامی ..... ۴۸
- روضه پایانی؛ مصیبت حضرت رقیه علیها السلام ..... ۵۱

**منزل چهارم: امام زمان علیه السلام؛ صاحب اصلی و ولی دم حقیقی خون حسین علیه السلام . ۵۳**

- اوصاف یاران امام زمان علیه السلام و شعار حماسی آنان در خونخواهی ..... ۵۶
- چرا فرزندان قاتلان کربلا در زمان ظهور مجازات می شوند؟ ..... ۵۹
- جریان شناسی تبار اموی و مهدوی در داستان عبرت آموز سعد الخیر ..... ۶۰
- تکلیف امروز جامعه ایمانی در فرآیند خونخواهی و صیانت از بعثت مردم ..... ۶۳
- اتصال خونخواهی به فصلی نو در افق تمدنی ایران و منطقه ..... ۶۵
- روضه طفلان حضرت زینب علیها السلام ..... ۶۵

**منزل پنجم: فرآیند خون خواهی سیدالشهداء و لزوم شناخت جریان باطل امروز ..... ۶۷**

- نامه نگاری معاویه و تلاش جریان باطل برای سوء استفاده از مفهوم خون خواهی .... ۷۰
- تحلیل سیاست مکارانه معاویه در ماجرای قتل عثمان برای رسیدن به حکومت .. ۷۳
- پاسخ قاطع امیرالمؤمنین علیه السلام به شبهات اموی درباره نفی امامت و حاکمیت دین ۷۴
- تفکر سکولار اموی و برجسب عدم کارآمدی به دین داران در اداره جامعه ..... ۷۷
- انقلاب اسلامی ایران به عنوان گامی عملی در مسیر خون خواهی سیدالشهداء ..... ۷۹
- نتیجه گیری و افق آینده در تقابل همیشگی جریان حق و باطل ..... ۸۴
- گریز به روضه حضرت عبدالله بن حسن علیه السلام ..... ۸۵

**منزل ششم: عزاداری فعال، موتور محرک بعثت مردمی و خونخواهی سیدالشهدا برای****برپایی عدالت ..... ۸۷**

- نقش رهبران انقلاب اسلامی در احیای حاکمیت دینی و شکستن انحصار تمدن  
غرب ..... ۹۰
- زنده بودن خون شهید و برانگیختگی جامعه برای رسالت بزرگ زمینه سازی ظهور . ۹۲
- جریان شناسی قرآنی و روایی قومی که پیش از ظهور برای یاری خون امام حسین  
برمی خیزند ..... ۹۳
- تطبیق روایات بندگان سرسخت خدا بر مردم ایران و اهل قم ..... ۹۵
- خلاصه مباحث و رسالت امروز ما در جبهه تمدن سازی مهدوی ..... ۹۸

- روضه یادگار غریب مدینه حضرت قاسم بن الحسن ..... ۹۹
- منزل هفتم: مقدمه و تبیین هویت هیئت به عنوان پادگان خون خواهی ..... ۱۰۱
- معرفی چهار گروه عامل جنایت کربلا در زیارت عاشورا ..... ۱۰۵
- بررسی نقش ممه‌دین و زمینه‌سازان جنایت علیه جبهه حق ..... ۱۰۶
- بررسی نقش قتله و لزوم انتقام بازدارنده از مباشران جنایت ..... ۱۰۷
- فرمان قرآنی و علوی برای قتال عینی با دشمن و شفای دل‌های مؤمنان ..... ۱۰۹
- هدف نهایی خون خواهی؛ اخراج کامل نظامی آمریکا از منطقه ..... ۱۱۱
- روضه جانسوز باب الحوائج حضرت علی اصغر علیه السلام ..... ۱۱۲

### منزل هشتم: خونخواهی از چهار گروه عاملان عاشورا؛ معنای حقیقی هیئت ..... ۱۱۳

- ریشه‌یابی جنایت کربلا؛ نقش خطرناک تمدن‌سازان و فرهنگ‌سازان باطل ..... ۱۱۷
- شباهت‌های تمدن بنی‌امیه و غرب؛ اصالت قدرت، ثروت و خفقان رسانه‌ای ..... ۱۱۹
- خونخواهی نرم‌افزاری؛ رسالت مادران و جوانان در غلبه بر هیمنه استکبار ..... ۱۲۲
- تقابل تمدن حق و باطل در سنجش قرآن و کلام امیرالمؤمنین علیه السلام ..... ۱۲۳
- مبارزه با ساختارهای غیرمردمی؛ اصلاح نظام مدیریتی در لایه دوم خونخواهی ..... ۱۲۶
- نتیجه‌گیری منبر؛ انزوای شیفتگان تمدن غرب و ریشه‌کنی جریان نفاق ..... ۱۲۷
- روضه شهادت پرچمدار جوان تمدن توحیدی، حضرت علی اکبر علیه السلام ..... ۱۲۷

### منزل نهم: خونخواهی امام حسین علیه السلام؛ از نابودی تمدن طاغوت تا ساختن ایران قوی ..... ۱۲۹

- چرا حکومت اسلامی باید هم‌زمان در پی قدرت بازدارنده و رفاه اقتصادی باشد؟ ..... ۱۳۲
- گواهی تاریخی حضرت زهرا علیها السلام بر مهارت جامع امیرالمؤمنین در اداره دین و دنیای مردم ..... ۱۳۴
- ریشه‌شناسی کینه دشمنان از عدالت علی علیه السلام و ترسیم جامعه آرمانی و پربرکت او ..... ۱۳۶
- ضرورت دستیابی به اقتدار علمی و برتری زیرساختی برای به زانو درآوردن مستکبران جهان ..... ۱۳۷
- امان‌نامه‌های مدرن؛ آزمون بصیرت و عقلانیت سیاسی امت مبعوث ..... ۱۴۰
- روضه حضرت قمر بنی‌هاشم ابوالفضل العباس علیه السلام ..... ۱۴۲

### منزل دهم: چرا تمدن قوی اسلامی فقط با ابزار و تکنولوژی ساخته نمی‌شود؟ سوره

### فجر و حقیقت نفس مطمئنه ..... ۱۴۵

- عاقبت دردناک کشورهای پیشرفته اما بدون خدا در سوره فجر؛ تکنولوژی بدون اخلاق مایه طغیان است ..... ۱۵۰

- تفاوت زندگی مادی و پراز استرس غربی با زندگی پاک و همدلانه اسلامی..... ۱۵۲
- تا مردم ظلم را با تمام وجود درک نکنند، امام زمان ظهور نمی‌کند؛ لزوم ساختن یک  
الگوی موفق قبل از ظهور..... ۱۵۵
- جامعه مهدوی چگونه است؟ ویژگی‌های روابط انسانی در بهشت و عصر ظهور. ۱۵۶
- روضه شب عاشورا..... ۱۵۸

## مقدمه

اهل بیت علیهم السلام تحقق امر ولایت و حاکمیت ظاهری را با عاشورا و خون سیدالشهدا علیه السلام گره زده‌اند؛ خون سیدالشهدا علیه السلام حیات بخش امر ولایت و مسیر تحقق حاکمیت ایشان بوده و در ارتباط وثیق با مهدویت و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌باشد تا آنجا که حضرت پرچم یا لثارات الحسین برافراشته و حضرت به سیدالشهداء شناخته می‌شوند، چراکه خون بهای ترسیم شده برای حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام تحقق هدف قیام ایشان یعنی ازاله طاغوت و اقامه قسط در عالم می‌باشد که غایت این امر مهم صرفاً در زمان ظهور حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه رقم می‌خورد. لذا درخواست مشارکت در خون خواهی سیدالشهدا علیه السلام در بسیاری از ادعیه و زیارت‌نامه‌ها گنجانده شده است. درخواست‌های متعدد در زیارت عاشورا تا دستور امام صادق علیه السلام برای تعزیت دادن به یکدیگر با عبارت «عَظَّمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُضَابِنَا بِالْحُسَيْنِ علیه السلام وَ جَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ بِثَأْرِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام» گویای همین مسئله است. خون مطهر سیدالشهداء و خون خواهی ایشان اهداف عالی اسلام در رگ‌های شیعیان جاری ساخت و شیعه را به تکاپو و تلاش برای تحقق آن اهداف واداشت.

در طول تاریخ، افراد زیادی در مسیر خون خواهی سیدالشهدا علیه السلام حرکت کردند، اما از بزرگ ترین خون خواهان سیدالشهدا علیه السلام پس از اهل بیت علیهم السلام، امام راحل و امام شهید بودند. امام راحل با تحقق اسلام و عدالت در قالب یک کشور و حکومت و اخراج استکبار از ایران یعنی آمریکا به عنوان ساختاری که در برابر عدل علم شده بود، گامی بسیار مهم در خون خواهی سیدالشهدا علیه السلام برداشتند و امام شهید نیز با تلاش برای ساخت ایران قوی و تمدن اسلامی و همچنین اخراج آمریکا از منطقه، گام های بعدی و بسیار مهمی را برای تحقق خون بهای امام حسین علیه السلام و زمینه سازی ظهور برداشتند.

پرونده خون خواهی سیدالشهداء علیهم السلام امروز از مسیر خون خواهی امام شهید می گذرد. از مهم ترین اموری که امروز فراموش شده است، ترسیم خون بهای امام شهید است؛ ایشان خون بهای حاج قاسم را اخراج آمریکا از منطقه ترسیم کردند، اما خون بهایی برای خود ایشان بیان نشده است و خون خواهی ایشان در اذهان مردم حاضر در خیابان، امر پرننگی نیست، برخی از سهل انگاری هایی که درباره شروط ایران در مذاکرات صورت میگیرد ناشی از همین نگاه است که خون خواهی ایشان در اذهان مورد غفلت واقع شده است، در واقع به این شروط به مثابه خون بهای مقدمه تحقق خون بها ایشان نگاه نمی شود که اگر اینطور نگاه بشود، دیگر این امور در اذهان مذاکره شدنی نبودند. مطابق زیارت عاشورا کرامت جامعه به خون خواه بودن آن جامعه است و خون خواهی امام شهید تا ستاندن خون بهای ایشان «پیشران» تحقق فصل نوین و خلق یک جامعه با کرامت خواهد بود، امروز به واسطه برکت خون امام شهید در طلیعه ورود به فصل نوین از قدرت گیری و جلوه گیری جبهه حق هستیم که گام نهایی را به سوی زمینه سازی ظهور و تحقق خون بهای حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام برداریم و در این مسیر به وجود نازنین سیدالشهداء و امام شهیدمان عرض می کنیم که **إِنِّي سَلَّمْتُ لِمَنْ سَأَلَكُمْ، وَحَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ**

تا آن زمان که کسانی در جنگ با شما باشند نبرد ما با آن ها ادامه دارد، تا تحقق وعده حق یعنی حاکمیت مستضعفین این نبرد تمام ناشدنی است.

## درباره این اثر

اثر حاضر پس از یک سال و نیم مطالعه و پژوهش درباره خون خواهی سیدالشهدا علیه السلام و زیارت عاشورا، و همچنین مباحثه های مستمر طلاب حوزه علمیه مشکات درباره انگاره های موقعیت ساز در جنگ شناختی اخیر، و با بهره مندی و مطالعه آثار اساتیدی همچون استاد عابدینی، قاسمیان، قنبریان و پناهیان نگاشته شده است.

این اثر به دنبال بیان و تقریر چیستی خون بهای سیدالشهدا علیه السلام و چگونگی و قواعد خون خواهی این وجود نازنین است و همچنین به نسبت خون خواهی رهبر شهید با سیدالشهدا علیه السلام، خون بهای امام شهید حضرت آیت الله خامنه ای و نقش خون خواهی ایشان در فصل نوین ایران اسلامی می پردازد. این نوشته در ۱۰ منزل و متناسب با سخنرانی های دهه اول ماه محرم تنظیم شده است.

دو کیوارکد در این اثر قرار دارد؛ کیوارکد اول، ارائه کاملی از سیر بحث این ده منزل و نسخه مختصر آن است که توصیه می شود پیش از مطالعه کتاب، این ارائه مشاهده شود. کیوارکد دوم نیز مشتمل بر اشعار، سروده ها و دودمه های مرتبط با این محتوا است.

در پایان، از حجت الاسلام والمسلمین استاد کربلایی بابت نظارت علمی و وقتی که برای تصحیح این اثر گذاشتند، حجت الاسلام والمسلمین تقی زاده رییس محترم سازمان دارالقرآن و حجت الاسلام والمسلمین محمودخانی بابت کمک های بسیار شایان ایشان در تهیه و انتشار این اثر و از آقایان غفاریان، نواب، هاشمی و حاجیان بابت همفکری در مراحل نگارش این اثر، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

محمد زینی - علی صداقت



امان از ذلت و خواری      نخواهم شد دمی عاجز  
ز جان و تن گذر آری      ز خون پاک تو هرگز

برای دسترسی به اشعار محرمی مرتبط با  
خون خواهی این کیو آر کد را اسکن کنید



برای مشاهده‌ی ارائه‌ی کامل سیر محتوایی کتاب  
به صورت خلاصه این کیو آر کد را اسکن کنید.

**منزل اول**

**ورود به ماه  
حزن و ماتم**





ورود به این ماه حزن و ماتم را به محضر صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و شما دلسوختگان تسلیت عرض می‌کنم. چه خوب است که ما شیعیان، همان طور که امام باقر علیه السلام به ما تعلیم داده‌اند، در این ایام وقتی به یکدیگر می‌رسیم، این کلام نورانی را مایه تحیت و تسلیت خود قرار دهیم که حضرت فرمود این گونه بگویید: «عَظَّمَ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ علیه السلام وَ جَعَلْنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ بِتَأْرِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله»<sup>۱</sup> ببینید امام در همین مطلع تسلیت، جهت‌گیری و افق عزاداری را مشخص می‌کند؛ عزاداری یعنی حرکت به سمت خونخواهی در رکاب امام منصور.

### ❖ زمان‌ها، منازل سلوک الی الله

ما اهل هیئت و عزاداران سیدالشهداء علیه السلام، قدم به منزلی گذاشته‌ایم که قطعه‌ای از بهشت روی زمین است. زمان‌ها و روزها، موقف‌ها و منازل سلوک الی الله هستند یعنی هر زمان در سیر انسان به سوی خداوند متعال اثری خاص دارد و در میان تمام ایام سال، ماه محرم و صفر، ویژه‌ترین زمان برای پیوند قلبی، عاطفی و وجودی با ارباب بی‌کفن، حضرت اباعبدالله

الحسین علیه السلام است. اما در این شب اول، خوب است در خلوت خودمان به این مسئله مهم فکر کنیم که ما چقدر فرصت داریم؟ عمر ما چقدر ارزش دارد؟ چرا باید به این سوال فکر کنیم؟ چرا که در روایتی بسیار مهم، سید الشهداء علیه السلام حقیقتِ زمان و عمر ما را این‌گونه ترسیم می‌فرمایند: «يَا ابْنَ آدَمَ اِنَّمَا اَنْتَ اَيُّامٌ كَلَّمَا مَضَى يَوْمٌ ذَهَبَ بَعْضُكَ» (ای فرزند آدم! تو در واقع همان روزگاران و ایام هستی. هر روزی که می‌گذرد، در واقع بخشی از وجود تو از بین می‌رود.) خوب در این کلام دقیق بشویم؛ امام نمی‌فرمایند با گذشت زمان عمرت کم می‌شود، بلکه می‌فرمایند «بخشی از وجودت» می‌رود! یعنی من و شما، یک ظرفِ پر از روزهای محدود هستیم. هر طلوع و غروب خورشید، یک تکه از وجود و هستی ماست که ذوب می‌شود و دیگر هرگز باز نمی‌گردد. ما هر روز داریم خرج می‌شویم. مسئله اصلی این است که این تکه‌های گران‌بهای وجودمان را کجا و برای چه کسی هزینه می‌کنیم؟ آیا این روزها و بخش‌های وجودی ما، در مسیر قرب به خدا و امام حسین علیه السلام صرف می‌شوند؟ آیا در راه دفاع از حق، عدالت و حقیقت خرج می‌شوند؟ یا خدای ناکرده در غفلت و بطالت، در سرگرمی‌های بیهوده و در تعقیب اهداف مادی و زودگذر هدر می‌روند؟ محرم، بزرگ‌ترین فرصت است تا این سرمایه در حال ذوب را در عالی‌ترین بازار جهان سودا کنیم. گرچه در تمام لحظات سال، توصیه شده‌ایم به یاد ابا عبدالله باشیم، اما محرم فصلی است که این ارتباط و هزینه کردن وجود در آستان حسینی، به اوج و شدت خود می‌رسد تا جان ما را احیا کند.

### ❖ تفاوت اشک صادقانه و حرکت آفرین با اشک بی‌اثر و منافقانه

وقتی سرمایه وجود را به آستان محرم آوردیم، اولین جلوه این حضور، حزن

عمیق شکل گرفته در وجود ما، مصیبت، عزاداری و جاری شدن اشک برای حضرت است. امام رضا علیه السلام درباره عظمت این ایام و اثربخشی اشک بر سیدالشهداء می فرماید: **إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَفْرَحَ جُفُونَنَا**

«همانا روز [مصیبت] حسین، پلک های ما را زخمی و مجروح کرد؛»  
وَأَسْبَلُ دُمُوعَنَا

«و اشک های ما را [سرازیر و] روان ساخت؛»

وَأَذَلَّ عَزِيزَنَا بِأَرْضِ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ

«و عزیز ما را در سرزمین رنج و بلا، [در ظاهر و در میان دشمنان]

غریب و بی یاور کرد؛»

أَوْرَثْنَا الْكَرْبَ وَ الْبَلَاءَ إِلَى يَوْمِ الْإِنْقِضَاءِ

«[سرزمینی که] اندوه و بلارا تا روز پایان دنیا (قیامت) برای ما به ارث

گذاشت؛»

فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ

«پس گریه کنندگان باید بر کسی چون حسین بگریند؛»

فَإِنَّ الْبُكَاءَ عَلَيْهِ يَحُطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ<sup>۱</sup>

«چراکه به راستی گریه بر او، گناهان بزرگ را فرومی ریزد [و پاک می کند].»

این پاداش عظیم نابودی گناهان کبیره، شوخی نیست یک امر بسیار عظیم است؛ اما یک شرط اساسی دارد: این اشک باید از عمق جان و برخاسته از صدق باشد، نه صرفاً یک حال احساسی زودگذر. در طول تاریخ، برای سیدالشهداء اشک های متفاوتی ریخته شده است. عمر سعد ملعون هم برای حضرت اشک ریخت! امام زمان علیه السلام هم هر روز و هر شب برای جدشان اشک می ریزند! آیا این دو اشک یکی است؟ آیا اشک عمر سعد هم گناهان را پاک می کند؟ در مقاتل آمده است که

۱. مناقب آل أبي طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۸۶

حضرت زینب کبری علیها السلام در عصر عاشورا، وقتی دیدند شمر ملعون روی سینه مطهر نشست، رو به عمر سعد کردند و فریاد زدند: «يَا عُمَرُ بْنَ سَعْدٍ، أَيَقْتُلُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَأَنْتَ تَنْظُرُ إِلَيْهِ؟!» آیا اباعبدالله کشته می‌شود و تو [ایستاده‌ای و] به او نگاه می‌کنی؟» راوی می‌گوید: «وَدُمُوعُ عُمَرَ تَسِيلُ عَلَى خَدَّيْهِ وَلِحْيَتَيْهِ، وَهُوَ يَصْرِفُ وَجْهَهُ عَنْهَا!»؛ اشک‌های عمر سعد بر گونه‌ها و ریشش جاری شد، اما روی برگرداند و هیچ اقدامی برای جلوگیری از این فاجعه انجام نداد! این اشک، اشک کاذب و بی‌اثر است؛ اشکی است که با بی‌تفاوتی و خیانت همراه است. اشک صادقانه آن است که پشتوانه‌اش تعهد، مسئولیت‌پذیری و حرکت باشد. اشک واقعی به انسان موضع و کنش اجتماعی و سیاسی می‌دهد؛ نه اینکه انسان گریه کند و بعد به زندگی روزمره و ظلم‌پذیری خود برگردد تا مظلومان جهان و شیعیان حضرت همچون وجود نازنین امام حسین به مقتل کشیده شوند! اشک صادقانه، ما را به حقیقت عاشورا یعنی تبری و برائت فعالانه از دشمنان امام سوق می‌دهد.

### ❖ عزاداری زنده و فعال؛ سنت پیامبران در بیزاری و لعن قاتلان

یک عزاداری حقیقی، هرگز در حزن و مصیبت صرف خلاصه نمی‌شود؛ بلکه ما را به موضع‌گیری صریح و حداقل لعن مسببان این جنایت می‌کشاند. این سیره و سنت تمام انبیای الهی است. پیامبران خدا، قرن‌ها پیش از حادثه کربلا، وقتی از مصیبت سیدالشهداء باخبر می‌شدند، همگام با اشک، قاتلان او را لعن می‌کردند. در روایات آمده است هنگامی که حضرت آدم علیه السلام به زمین هبوط کرد و به دنبال حوا می‌گشت، مسیرش به کربلا افتاد. حضرت آدم بدون سبب دلش گرفت، سینه‌اش تنگ شد،

پایش لغزید و زمین خورد، تا جایی که خون از پایش جاری شد. حضرت آدم سرش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! آیا گناه دیگری از من سر زده که مرا به آن مجازات کردی؟ چرا که من تمام زمین را گشتم و هیچ گزند مانند آنچه در این سرزمین به من رسید، به من نرسیده بود! خداوند به او وحی فرمود: ای آدم! گناهی از تو سر نزنده است، ولیکن فرزندان حسین در این زمین مظلومانه کشته می‌شود، و خون تو به نشانه‌ی موافقت و هم‌دردی با خون او جاری شد. فَقَالَ آدَمُ يَا رَبِّ أَيْكُونُ الْحُسَيْنُ نَبِيًّا

پس آدم عرض کرد: پروردگارا! آیا حسین پیامبر است؟

قَالَ لَا وَ لَكِنَّهُ سَبْطُ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ

[خداوند] فرمود: خیر، ولیکن او نواده‌ی پیامبر [خاتم] محمد ﷺ است.

فَقَالَ وَمَنْ الْقَاتِلُ لَهُ

[آدم] عرض کرد: و چه کسی قاتل اوست؟

قَالَ قَاتِلُهُ يَزِيدُ لِعَيْنِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

فرمود: قاتلش یزید است؛ همان که ملعون و رانده شده‌ی اهل

آسمان‌ها و زمین است.

فَقَالَ آدَمُ فَأَيُّ شَيْءٍ أَضْعُ يَا جَبْرِيْلُ

پس آدم [رو به جبرئیل کرد و] گفت: ای جبرئیل! [در این موقعیت]

چه کاری انجام دهم؟

فَقَالَ الْعَنَةُ يَا آدَمُ

[جبرئیل] پاسخ داد: ای آدم، او را لعنت کن!

فَلَعْنَةُ أَرْبَعِ مَرَّاتٍ

پس آدم چهار مرتبه او را لعنت کرد،

وَمَشَى خُطْوَاتٍ إِلَى جَبَلِ عَرْفَاتٍ فَوَجَدَ حَوَاءَ هُنَاكَ<sup>۱</sup>

و [سپس] گام‌هایی به سوی کوه عرفات برداشت و [سرانجام] حوّا را در آنجا یافت.

این روایت به ما می‌آموزد که مصیبت‌زدگیِ فعال، انسان را به لعن و بیزاری از جبهه باطل می‌کشاند. لعن، یک دشنام ساده نیست؛ یک مرزبندی حقیقی است. لعن یعنی من با نگاه، فرهنگ و جریانِ ستم‌پیشه یزیدی در هیچ زمان و مکانی آشتی نخواهم کرد. اینجاست که مؤمن، تمام روابط، دوستی‌ها، دشمنی‌ها و مواضع اجتماعی خود را بر مبنای وجود نازنین امام تنظیم می‌کند تا مصداق حقیقی این فراز باشد: «إِنِّي سَلِّمٌ لِّمَنْ سَأَلَكُمْ وَ حَرْبٌ لِّمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ». ملاک دوستی و دشمنی ما با کل دنیا حضرت سیدالشهداء است.

این مرزبندی صریح و بیزاری از ظالمان، حرف امروز و دیروز نیست؛ این خط مشترکی است که تمام پیامبران خدا را به هم وصل می‌کند. در مکتب توحید، عبور از ستمگران همیشه اولین شرط ایمان بوده است. اوج این داستان را می‌توان در زندگی حضرت ابراهیم علیه السلام که ابوالانبیاء دانسته می‌شود دید. خدا در آیه ۴ سوره ممتحنه، حضرت ابراهیم و یارانش را به عنوان یک الگوی همیشگی برای همه انسان‌ها معرفی می‌کند؛ «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ...» (مسلماناً برای شما در ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست، آن‌گاه که به قوم خود گفتند:...) و نکته این الگو شدن را دقیقاً در همین خط‌کشی و موضع‌گیری صریح آن‌ها می‌داند؛ آنجا که به قوم مشرک خود گفتند: «إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ» (ما از شما و از آنچه غیر از خدا می‌پرستید بیزاریم؛ ما به شما کافریم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی آشکار شده است، مگر اینکه به خدای یگانه ایمان

بیاورید). همین اعلام برائتِ بی‌پروا و مرزبندی روشن با دشمن بود که ابراهیم علیه السلام را برای جهان اسوه کرد.

تعبیر **﴿كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا﴾** و اعلام دشمنی آشکار، در واقع همان معنای حقیقی «لعن» و بیزاری است. حضرت ابراهیم علیه السلام به ما یاد می‌دهد که مؤمن نمی‌تواند با ظالم سازش کند یا وسط میدان بایستد. البته این دشمنی، یک لجاجتِ الکی و کورکورانه نیست؛ این مرزبندی دقیقاً تا جایی ادامه دارد که طرف مقابل دست از ظلم و کفر بردارد و به حق سر تسلیم فرود بیاورد، **﴿حَتَّى تُؤْمِنُوا﴾**. پس الگوشدن در قرآن، مدیون همین صراحت در دشمن‌شناسی و باج ندادن به جریان باطل است؛ یعنی همان روحی که در عاشورای حسینی به اوج خود رسید. اصلاً این روندِ برائت و دوری از طاغوت، وظیفه و مأموریت اصلی تمام پیامبران تاریخ بوده است. خدا در آیه ۳۶ سوره نحل خیلی واضح فرموده: **﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾** (و به یقین در هر امتی پیامبری برانگیختیم که [بگوید] خدا را پرستید و از طاغوت دوری کنید). این سنتِ همیشگی به ما نشان می‌دهد که «خداپرستی» بدون «بیزاری از طاغوتِ زمانه» اصلاً ممکن نیست. همان‌طور که پیامبران با نفی طاغوت‌های عصر خودشان راه حق را باز کردند، مؤمن عاشورایی هم امروز با لعنِ یزیدیان و برائت از مستکبران، ادامه‌دهنده همین راه و احیاکننده سنت تمام انبیای خداست.

## ❦ شناخت جبهه امروز حق و باطل و اینکه محبت بدون برائت

### دروغ است

اکنون این سؤال اساسی پیش می‌آید: آیا این لعن و بیزاری، تاریخ گذشته است یعنی هیچ نسبتی با امروز ندارد آیا ما داریم افرادی را لعن می‌کنیم که

۱۴۰۰ سال پیش مردند و خاک شدند؟ زیارت عاشورا به ما یاد می‌دهد که این لعن‌ها باید به امروز کشیده شود! ما در این زیارت عظیم، بعد از لعن آن چهار دسته یعنی فَلَاعَنَ اللهُ أُمَّةً أَسَسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجُورِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّبِيتِ، وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَن مَّقَامِكُمْ وَأَزَالَتْكُمْ عَن مَّرَاتِبِكُمُ اللَّيْلِ رَبِّبِكُمُ اللهُ فِيهَا، وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَلَعَنَ اللهُ الْمَمَّهْدِينَ لَهُمْ بِالْتَّمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ که در شب‌های بعد مفصل به توضیح آن خواهیم پرداخت، اینطور به محضر حضرت عرضه می‌داریم که: «بَرَأْتُ إِلَى اللهِ وَاللَّيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَاتِّبَاعِهِمْ وَأَوْلِيَائِهِمْ» ما از امتداد امروزی آن‌ها، از پیروانشان یعنی کسانی که مروج فرهنگ آنان هستند از کسانی که از آن‌ها تبعیت می‌کنند و از دوستدارانشان اعلام برائت می‌کنیم. مصیبت سید الشهداء تاریخ گذشته و کهنه نیست؛ چون کربلا یک جریان زنده و مستمر است. اگر می‌بینید پس از قرن‌ها، هنوز اشک‌های ما خشک نشده و داغ حسین علیه السلام تازه است، به این علت است که امتداد آن ملعون‌ها، امروز هم در جهان مادی حضور دارند و دارند همان جنایات را در حق بشریت و مستضعفان تکرار می‌کنند. ملاک اصلی اینکه ما چقدر حقیقتاً مصیبت زده و عزادار امام هستیم، این است که چقدر خود را درگیر چالش با یزیدیان زمانه می‌دانیم؟ چقدر از ظالمان امروزی جهان برائت می‌جوئیم؟ ملاک صحت و سلامت محبت، برائت است. محبتی که در آن برائت و موضع‌گیری علیه دشمن نباشد، توخالی و دروغین است. شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: فلانی شما را دوست دارد، اما در امر برائت از دشمنان شما ضعیف است و سستی می‌کند. حضرت فرمودند: «هَيْهَاتَ كَذَبَ مَنْ ادَّعَى مَحَبَّتَنَا وَ لَمْ يَتَّبِعْهُ مِنْ عَدُوِّنَا.» (هی‌هات! دروغ می‌گوید کسی که ادعای محبت ما را دارد ولی از دشمن ما برائت نمی‌جوید.) بنابراین، عزاداری واقعی تلازم

ناگسستی محبت و برائت است. ما نمی توانیم در مجلس حسین علیه السلام گریه کنیم، اما با دشمنان حسین و مستکبران عالم و فرهنگ استعماری و ظالمانه آن‌ها دستِ اخوت و سازش بدهیم.

## ❖ خونخواهی سیدالشهداء و اینکه خون امام مایه حیات اسلام است

اما مرتبه بالاتر و ملاک عمیق تری برای تشخیص میزان مصیبت نهادینه شده در وجود ما نیز وجود دارد. در زیارت عاشورا، زائر پس از آنکه به اوج مصیبت میرسد و عواطفش لبریز می شود، می گوید: «بِأَبِي أُنْتُ وَأُمِّي لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ؛ حسین جان پدر و مادرم به فدای تو، چقدر مصیبت تو سنگین و بزرگ است سپس بلافاصله در پی این مصیبت عظیم زائر می گوید فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ... أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ نَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ» ببینید، اوج مصیبت زدگی، زائر را از موضع صرفا عزاداری، به صحنه قیام برای خونخواهی حضرت می کشاند. وقتی مصیبت چنان عمیق می شود که انسان می گوید پدر و مادرم فدای تو باد، دیگر نمی تواند آرام بنشیند؛ او می خواهد خونخواهی کند. چرا؟ چون حسین بن علی علیه السلام «نارالله» است. «نار» در لغت عرب، یعنی آن خون به ناحق ریخته شده ای که هنوز انتقامش گرفته نشده و ولی دم دارد. این خون، خونی معمولی نیست؛ خونی جوشان، حرکت آفرین و حیات بخش است. همان طور که عامل حیات بدن انسان، خون جاری در رگ هاست، خون سیدالشهداء نیز مایه حیات و استمرار اسلام ناب محمدی است. امام خمینی رحمته الله علیه چه دقیق فرمودند که: «این محرم و صفر است که اسلام رازنده نگه داشته است». این زنده ماندن به برکت همان خون جوشانی است که در کالبد جامعه اسلامی تزریق شده و تا زمانی که انتقام نهایی آن گرفته نشود و عدالت مطلق بر جهان حاکم نگردد، آرام نخواهد گرفت. عزادار

حقیقی حسین علیه السلام، باگریه بر مصیبت، شعله خونخواهی را در دلش روشن نگه می‌دارد تا خود را برای حضور در سپاه ولی دم اصلی آماده کند.

### ♦♦ دو نشانه اصلی برای ارزیابی واقعی بودن عزاداری ما

به عنوان جمع‌بندی بحث شب اول، اگر امروز می‌خواهیم عیار اشک، حزن و عزاداری خود را بسنجیم و بدانیم چقدر در ادعای خود صادق هستیم، باید به دو ملاک حقیقی توجه کنیم: اول میزان برائت و بی‌زاری عملی ما از دشمنان امام و امتداد امروزی جبهه باطل، و دوم میزان آمادگی و حضور ما در صحنه مجاهدت برای خونخواهی سیدالشهداء. حقیقتاً امام حسین علیه السلام مصداق تام و اکمل آیه شریفه قرآن است که خداوند برای او ولی و خونخواه قرار داده است. از امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه سؤال شد که خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» (اسراء/۳۳) حضرت در تفسیر این آیه فرمودند:

«او [که در آیه به عنوان منصور یاد شده] همان قائم آل محمد علیهم السلام است؛ خروج می‌کند و به خاطر [خون خواهی] خون حسین علیه السلام [جبهه باطل را] به قتل می‌رساند؛»

فَلَوْ قَتَلَ أَهْلَ الْأَرْضِ لَمْ يَكُنْ مُسْرِفًا...

«پس اگر [در این مسیر] تمام اهل زمین را هم بکشد، اسراف‌کار (تجاوزکننده از حد عدالت) نخواهد بود...»

ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: يَقْتُلُ وَاللَّهِ ذَرَارِيَّ قَتَلَةِ الْحُسَيْنِ علیه السلام بِفَعَالِ آبَائِهَا  
«سپس امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا سوگند، او فرزندان و نسل قاتلان حسین علیه السلام را به خاطر کردار پدرانشان خواهد کشت [چرا که به آن کار راضی هستند].»

این روایت صریح نشان می‌دهد جبهه باطل یک ریشه مستمر دارد و کسانی که امروز به فعلِ ظالمان کربلا راضی باشند، در همان جبهه‌اند. این دو مورد، یعنی برائتِ از دشمنان حضرت که در امروز زندگی می‌کنند و شوقِ خونخواهی در رکاب حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَام، ملاک حقیقی عزاداری ماست. ان شاء الله در شب‌های آینده، درباره ابعاد این خونخواهی و تکالیف خودمان بیشتر گفتگو خواهیم کرد.

### ♦ گر به روضه پایانی (روضه حضرت مسلم بن عقیل رضی الله عنه)

مردم کوفه هم ادعای محبت داشتند اما این محبت همراه بعضی به دشمن و برائت نبود لذا در وقت مهم همراهی مسلم، روی برگرداندند و اباعبدالله را تنها گذاشتند. امشب شب اول محرم است؛ شب سفیر دلسوخته کربلا، حضرت مسلم بن عقیل. مسلم کسی بود که ۱۸ هزار نفر با او بیعت کردند، اما وقتی ابن زیاد تهدید و تطمیع را شروع کرد، نماز مغرب را که خواند، تنهایی مسلم در کوفه آشکار شد. از مسجد آمد بیرون، دید هیچ‌کس پشت سرش نیست... «فَمَضَى عَلَى وَجْهِهِ فِي كُوَيْبِ التَّدَايِيرِ حَتَّى انْتَهَى إِلَى زُقَاقِقٍ...»؛ در کوچه‌های کوفه غریب و تنها، تکیه به دیوار غریبی داد. زنی آمد گفت: آقا چرا اینجا ایستاده‌ای؟ فرمود: «يَا أُمَّةَ اللَّهِ، لَيْسَ لِي فِي هَذَا الْبَلَدِ مَنْزِلٌ وَلَا عَشِيرَةٌ»؛ غریبم، خانه‌ای ندارم، کسی را ندارم... زن صاحب‌خانه به داخل راهش داد، اما پسر صاحب‌خانه خیانت کرد و مکان مسلم را به دشمن گفت. فردا تیراندازها و نیزه‌دارها خانه را محاصره کردند. مسلم مثل عموی خودش امیرالمومنین سلحشورانه جنگید، اما با حيله و نیرنگ او را به بند کشیدند. وقتی او را به دارالاماره بردند، دیدند اشک‌های مسلم جاری است. عبیدالله ملعون طعنه زد: کسی که می‌خواست حکومت را بگیرد چرا گریه می‌کند؟ مسلم فرمود: «وَاللَّهِ مَا لِنَفْسِي بِكَيْثٌ... وَلَكِنْ أَبْكِي لِأَهْلِي الْمُؤْمِلِينَ إِلَيَّ، أَبْكِي لِلْحُسَيْنِ وَآلِ الْحُسَيْنِ»؛

به خدا سوگند برای خودم گریه نمی‌کنم، اشک من برای آن آقایی است که با زن و بچه به سمت این شهر بی‌وفا می‌آید... او را بردند بالای بام دارالاماره. سر مطهرش را جدا کردند، پیکر نازنینش را از بالای بام به زمین انداختند... اما یا حسین! مسلم را از بالای بام انداختند، ولی دیگر کسی با اسب بر بدنش نتاخت... کسی پیراهنش را غارت نکرد... *اللعنة الله على القوم الظالمين و سيعلم الذين ظلموا اي منقلب ينقلبون.*

منزل دوم

خون بهای

سیدالشهداء علیه السلام،

اقامه قسط و ازاله

طاغوت در عالم





بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند متعال را شاکریم که بار دیگر توفیق درک ماه محرم و اقامه عزای سیدالشهداء علیه السلام را به ما عنایت فرمود. شب گذشته عرض کردیم در روایات ما تاکید شده است که مؤمنان در این روزها وقتی به یکدیگر می‌رسند، مصیبت حضرت را این‌گونه به هم تسلیت بگویند؛ همان‌طور که امام باقر علیه السلام فرمودند این‌طور بگویید و ما ان شاء الله این‌طور به هم تعزیت می‌دهیم که

«عَظَّمَ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ بِنَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»

در مباحث شب گذشته به‌طور مفصل عرض کردیم که ملاک اصلی برای سنجش میزان نهادینه شدن عزای سیدالشهداء در وجود ما، بغض و برائت از دشمنان ایشان است. اگر می‌خواهیم بدانیم چقدر حق این عزارا ادا کرده‌ایم، باید به قلب و عمل خود رجوع کنیم و ببینیم چقدر از دشمنان امام حسین علیه السلام بیزار می‌جوئیم و چقدر در مقام «خونخواهی» آن حضرت قرار گرفته‌ایم. محبت به امام حسین علیه السلام بدون برائت از دشمنان ایشان، محبتی ناقص و بی‌اثر است. ما نمی‌توانیم مدعی عشق به اباعبدالله باشیم اما نسبت به جبهه مقابل او بی‌تفاوت بمانیم.

این برائت نباید در تاریخ متوقف شود؛ بلکه برائت از دشمنان سیدالشهداء باید امتداد امروزی داشته باشد تا بتواند مصیبت حضرت را در جان ما عمیق تر و زنده تر کند. شناخت دشمنان امروز حضرت همان امتداد حقیقی برائت است. بر همین اساس، ما با دو نوع مواجهه با مصیبت روبه رو هستیم: مصیبت منفعلانه و مصیبت فعالانه. مصیبت منفعلانه مثل سازمان ملل می ماند که فقط اظهار تاسف می کند و اقدامی نمی کند یعنی فقط گریه کردن بدون اینکه حرکتی در انسان ایجاد شود. اما مصیبت فعالانه، مصیبتی است که انسان را از بستر سستی بلند کرده و به قیام برای خونخواهی حضرت می کشاند. چنین مصیبتی است که انسان ساز و جامعه ساز است. با این نگاه، هیئت صرفاً یک مجلس سوگواری نیست، بلکه کانون کادرسازی و پایگاه اصلی خونخواهی سیدالشهداء است. ما به هیئت می آییم تا داغمان تازه شود، پافشاری مان بر حق بیشتر شود و برای نبرد با طاغوت های زمان آماده شویم.

### ❖ تفاوت میان قصاص و خونخواهی

وقتی سخن از خونخواهی سیدالشهداء به میان می آید، یک سؤال اساسی در ذهن شکل می گیرد: خونخواهی به چه معناست و خون بهای حضرت چیست؟ ما در زیارت عاشورا خطاب به ایشان عرض می کنیم:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نَارَ اللَّهِ» سلام بر تو ای خونی که خدا خون خواه

توست «وَ ابْنِ ثَارِهِ» و فرزند کسی که خدا خون خواه اوست.

عبارت «ثارالله» یعنی خونی که به ناحق ریخته شده و ولی دم و خون خواه آن، خود خداوند متعال است. نکته بسیار دقیق اینجاست که وقتی می گوئیم «وابن ثاره»، یعنی امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز ثارالله هستند. این یعنی طبق بیان صریح زیارت عاشورا، امیرالمؤمنین هم هنوز خونخواهی

نشده‌اند! شاید پیرسید چطور چنین چیزی ممکن است؟ ما در تاریخ می‌خوانیم که امام حسن مجتبی علیه السلام با ضربه شمشیری بر فرق ابن ملجم ملعون، او را به هلاکت رساندند و قصاص کردند. پس چرا می‌گوییم حضرت علی علیه السلام هنوز خونخواهی نشده است؟

علت اصلی این است که حقیقت «خونخواهی» با مسأله «قصاص» متفاوت است. قصاص یعنی عاملین، آمرین و مباشرین یک جنایت را به سزای اعمال ننگینشان رساندن؛ این کار بسیار لازم و مهم است. امام مجتبی علیه السلام قاتل پدر را قصاص کرد، جناب مختار ثقفی و قیام‌های بعد از عاشورا نیز قاتلین کربلا را به درک واصل و قصاص کردند؛ اما خونخواهی یعنی به دست آوردن کامل «خون بها»! خون بها یعنی چه؟ یعنی چیزی که از نظر ارزش و رتبه، هم سنگ و هم وزن آن خون به ناحق ریخته شده باشد. حالا شما قضاوت کنید؛ آیا خون نجس و پست ابن ملجم یا شمر و یزید، هم وزن خون مطهر و الهی مولا و سیدالشهداء است؟ هرگز! جان تمام فرومایگان زمین ذره‌ای با خون خدا برابری نمی‌کند. پس خون بهای این بزرگواران چیست؟ تنها چیزی که هم وزن خون مولا و سیدالشهداء است، اقامه کامل اهداف والای آن‌ها در سراسر عالم است؛ یعنی همان هدفی که این دو عزیز در طول عمر شریف خود برای آن مجاهدت کردند و سرانجام جانشان را در همان مسیر فدا ساختند.

برای تقریب به ذهن، به نمونه‌های عصر خودمان نگاه کنید؛ وقتی شهید بزرگوار ما، حاج قاسم سلیمانی به شهادت رسید، امام شهید ما، خون بهای حقیقی حاج قاسم را اخراج کامل آمریکا از منطقه نامیدند. چرا؟ چون حاج قاسم در طول عمر خود در نیروی قدس به دنبال قطع دست استکبار و اخراج آمریکا بود. سید حسن نصرالله عزیز نیز در سخنرانی خود فرمود ارزش کفش حاج قاسم از سر ترامپ بیشتر است! یعنی با کشتن

ترامپ خون‌بهای حاج قاسم ادا نمی‌شود؛ خون‌بهای هر شهید، احیا و تحقق همان آرمانی است که شهید برای آن جان داده است.

### ❖ امام حسین علیه السلام، وارث و ادامه‌دهنده رسالت تمام پیامبران

حال باید به این موضوع پردازیم که خون‌بهای اصلی سیدالشهداء چیست؟ برای یافتن پاسخ این پرسش، باید بینیم آرمان و هدف امام حسین علیه السلام چه بود. در زیارت شریف وارث، ما امام حسین علیه السلام را وارث تمام انبیاء بزرگ الهی می‌نامیم و عرض می‌کنیم:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ» سلام بر تو ای وارث آدم، برگزیده خدا «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ نُوحِ نَبِيِّ اللَّهِ» سلام بر تو ای وارث نوح، پیامبر خدا «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ» سلام بر تو ای وارث ابراهیم، دوست صمیمی خدا «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ» سلام بر تو ای وارث موسی، هم‌سخن خدا «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ» سلام بر تو ای وارث عیسی، روح خدا «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ» سلام بر تو ای وارث محمد، محبوب خدا «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلِيِّ اللَّهِ» سلام بر تو ای وارث امیرالمؤمنین، ولی و سرپرست الهی.

ارث در فرهنگ اهل بیت، ارث مادی و مالی نیست؛ بلکه وارث بودن سیدالشهداء به معنای ارث بردن خط رسالت، اهداف والا و ادامه دادن راه تمام انبیاست. قرآن کریم خط کلی و علت اصلی بعثت همه رسولان را در یک جمله خلاصه کرده و می‌فرماید:

«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا» و به راستی در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم «أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ» که خدا را پرستید و بندگی کنید «وَأَجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» و از طاغوت و بت‌ها دوری جوید.

همانطور که در شب قبل هم اشاره شد در منظومه حرکت انبیاء الهی، میتوان سیر تکاملی بشر را اینطور با بیان تمثیل گفت که این سیر از دوران طفولیت آغاز می شود؛ جایی که حضرت آدم علیه السلام با مجموعه ای از «مواعظ» آمد و خلقت با همان تذکرات اولیه امورات خود را پیش برد. پس از آن، در زمان حضرت نوح علیه السلام «شریعت» نازل شد تا اینکه با رشد و بلوغ بشریت، این مسیر به حضرت ابراهیم علیه السلام رسید. از زمان ایشان که «أب الانبیاء» بودند، پروژه ارسال رسل از مرحله اندرز به پروژه «اقامه دین و مبارزه حاد با بت ها و طاغوت» ارتقا یافت؛ چرا که بشریت همچون انسان بالغی شده بود که توانایی به سرانجام رساندن اقدامات بزرگ را داشت. همانطور عرض شد، این رویکرد برائت قاطع از کفار، به عنوان الگویی جاودان در آیه ۴ سوره ممتحنه معرفی شده است: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ» (قطعاً برای شما در پیروی از ابراهیم و کسانی که با او بودند سرمشقی نیکوست، آن گاه که به قوم خود گفتند: ما از شما و از آنچه به جای خدا می پرستید بیزاریم، به شما کافر شدیم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده است تا وقتی که فقط به خدای یگانه ایمان بیاورید).

این ایستادگی محکم و مبارزه شدید در برابر بت پرستان، در کلام خود حضرت ابراهیم علیه السلام در سوره انبیاء هم دیده می شود؛ آنجا که می فرماید: «وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ» (انبیاء: ۵۷) (و به خدا سوگند، پس از آنکه پشت کردید و رفتید، قطعاً برای نابودی بت هایتان نقشه ای خواهم کشید). بعد از این تلاش بزرگ و زمانی که ایشان را به آتش انداختند، یاری و فرمان خدا آمد که: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى

﴿إِبْرَاهِيمَ﴾ (انبیاء: ۶۹) گفتیم: ای آتش! برای ابراهیم سرد و بی خطر باش) و به این ترتیب معجزه آرامش آتش اتفاق افتاد.

بنابراین، رسالت همیشگی انبیاء دو رکن اساسی دارد: رساندن جامعه به توحید و بندگی خدا، و نابودی و ازاله طاغوت. هر دوی این اهداف بلند، به وضوح در بیانات و خطبه‌های امام حسین علیه السلام در مسیر کربلا آشکار است. برای نمونه، در مسیر کربلا وقتی حضرت با فرزدق شاعر ملاقات می‌کنند، اوضاع جامعه آن روز را این‌گونه توصیف می‌فرمایند:

«يَا فِرْدُوقُ إِنَّ هَوْلَاءِ قَوْمٌ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ» ای فرزدق! همانا اینان گروهی هستند که ملازم فرمانبری از شیطان شدند «و تَرَكُوا طَاعَةَ الرَّحْمَانِ» و اطاعت خداوند رحمان را رها کردند «و أَظْهَرُوا الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ» و فساد را در زمین آشکار ساختند «و أَبْطَلُوا الْحُدُودَ» و حدود الهی را باطل نمودند «و شَرِبُوا الْخُمُورَ» و شراب‌ها نوشیدند «و انْتَأَثَرُوا فِي أَمْوَالِ الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ» و اموال فقیران و مستمندان را به انحصار خود درآوردند «وَأَنَا أُولَى مَنْ قَامَ بِنُصْرَةِ دِينِ اللَّهِ» و من سزاوارترین کسی هستم که برای یاری دین خدا قیام کند «وَإِعْزَازِ شَرْعِهِ» و به شریعت او عزت بخشد «و الْجِهَادِ فِي سَبِيلِهِ» و در راه او جهاد کند «لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا» تا اینکه کلمه و فرمان خدا، بالاترین فرمان باشد.

بینید حضرت چقدر دقیق ریشه مشکل را دست اندازی طاغوت بر جامعه می‌دانند. امام حسین علیه السلام قیام کردند تا کلمه الله در جامعه جاری شود و مردم ذیل ولایت الهی قرار بگیرند، نه ذیل حکومت و ولایت طاغوت! این هدف بزرگ، دقیقاً همان اقامه قسط و عدل در جامعه است؛ چرا که عدالت واقعی و پایدار، فقط و فقط ذیل سایه ولایت خدا رقم می‌خورد و هر جا پای طاغوت باز شود، ظلم و فساد جامعه را ویران خواهد کرد.

## ❦ امر به معروف و نهی از منکر؛ زمینه‌ساز برپایی عدالت و نابودی طاغوت

امام حسین علیه السلام در وصیت معروف خود به برادرشان محمد بن حنفیه، بستر و روش دستیابی به این هدف بزرگ را معرفی کرده و می‌فرماید:

«وَأِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي» و من برنخاستم و خروج نکردم مگر برای طلب اصلاح در امت جدم «أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ» می‌خواهم امر به معروف کنم «وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ»<sup>۱</sup> و از منکر نهی نمایم. حضرت آشکارا می‌فرمایند که ابزار من برای این اصلاح‌گری، فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. اما باید دید ثمره و خروجی نهایی این امر به معروف چیست؟ آیا فقط منحصر در تذکرات جزئی فردی است؟ خیر! ثمره اصیل امر به معروف و نهی از منکر در نگاه حضرت، برپایی عدالت، اقامه قسط و برچیدن بساط طاغوت است. امام حسین علیه السلام سال‌ها قبل از عاشورا، در خطبه حماسی منا، حقیقت و کارکرد اصلی این فریضه را این‌گونه تشریح فرموده‌اند:

«فَبَدَأَ اللَّهُ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّهْيِیِ عَنِ الْمُنْكَرِ» پس خداوند سخن خود را از امر به معروف و نهی از منکر آغاز کرد «فَرِيضَةٌ مِنْهُ» به عنوان فریضه و واجبی از سوی خودش «لِعَلِّمَهُ بِأَنَّهَا إِذَا أُدِّيَتْ وَأُقِيمَتْ» چرا که می‌دانست اگر این فریضه ادا و برپا شود «استقامت الفرائض كُلُّهَا هَيِّنُهَا وَصَعْبُهَا» همه واجبات دیگر پابرجا می‌شوند، چه آسان آن‌ها و چه دشوارشان «وَذَلِكَ أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّهْيِیِ عَنِ الْمُنْكَرِ» و این به خاطر آن است که امر به معروف و نهی از منکر «دَعَاءٌ إِلَى الْإِسْلَامِ» دعوتی است به سوی اسلام «مَعَ رَدِّ الْمَظَالِمِ» به همراه بازگرداندن حقوق ستم‌دیدگان «وَمُخَالَفَةِ الظَّالِمِ» و مخالفت و ایستادگی در برابر ظالم «وَقِسْمَةٌ الْفَيْئِیِءِ وَ الْغَنَائِمِ» و تقسیم

عادلانہ بیت المال و غنایم «وَأَخَذِ الصَّدَقَاتِ مِنْ مَوَاضِعِهَا» و گرفتن زکات و صدقات از جایگاه درست آن «وَوَضِعِهَا فِي حَقِّهَا»<sup>۱</sup> و مصرف کردن آن در مصارف برحقش.

حضرت می فرماید امر به معروف و نهی از منکر، کلید استواری تمام احکام دین است. وقتی این فریضه در سطح کلان جامعه زنده باشد، ظلم عقب می راند، دست ظالم کوتاه می شود، بیت المال به عدالت توزیع می گردد و فقر ریشه کن می شود. پس امر به معروف در مکتب عاشورا، یک حرکت تمدن ساز برای عدالت گستری و مبارزه با ساختارهای ظالمانه طاغوت است، نه یک مسأله سطحی و کم اهمیت.

### ❖ اقامه عدل، خون بهای حقیقی ثارالله

باکنار هم قرار دادن این مباحث، به این نتیجه قطعی و روشن می رسیم که هدف اساسی سیدالشهداء علیه السلام به عنوان وارث انبیاء و امیرالمؤمنین علیه السلام، طبق بیان صریح قرآن و بیانات خود حضرت، اقامه قسط و عدل و نابودی طاغوت در سراسر عالم است. بنابراین، خون بهای حقیقی امام حسین علیه السلام که هم وزن خون مطهر و شریف ایشان باشد نیز، چیزی جز اقامه قسط و عدل در کل جهان نیست. در زیارت نامه حضرت، این پیوند ظریف میان عدالت و ثارالله بودن به زیبایی بیان شده است؛ آنجا که خطاب به ایشان عرض می کنیم:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمَرْتَ بِالْقِسْطِ وَالْعَدْلِ» شهادت می دهم که تو به قسط و عدل فرمان دادی «وَدَعَوْتَ إِلَيْهِمَا» و مردم را به سوی آن دو دعوت کردی «وَأَنَّكَ ثَارُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ» و شهادت می دهم که تو خون خدا در زمین هستی «حَتَّى يَسْتَثِيرَ لَكَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِهِ»<sup>۲</sup> تا آن زمان

۱. تُحْفُ الْعُقُولِ عَنْ آلِ الرَّسُولِ علیهم السلام، ص ۲۳۷

۲. کامل الزیارات، ص ۲۲۹

که خداوند خون بهای تو را از همه آفریدگانش بستاند.

ببینید چطور در این فراز، بلافاصله بعد از گواهی به دعوت حضرت به قسط و عدل، شهادت می دهیم که او «ثارالله» است! این تقارن یک معنای مهم دارد: تا زمانی که قسط و عدل مد نظر امام حسین علیه السلام در جهان برپا نشود، ایشان همچنان ثارالله و خونخواهی نشده باقی می ماند. خونخواه حقیقی این خون، خود خداوند است و او سرانجام این خون بهار را با ظهور مصلح حقیقی، حضرت مهدی علیه السلام از تمام خلق خواهد ستاند.

باید همواره به یاد داشته باشیم که قیام سیدالشهداء، قیامی برای عدالت و کرامت انسان و ازاله طاغوت بود. امام حسین علیه السلام برای رفاه، عزت، رشد معنوی و بندگی حقیقی ما قیام کرد؛ او جان داد تا ما زیر بار ذلت طاغوت نرویم و برای تحقق همین آرمان بزرگ بود که قدم در راه کربلا گذاشت. این دو مورد (بیزاری از طاغوت و تلاش برای اقامه عدل)، ملاک و ترازوی حقیقی برای سنجش عزاداری ماست. ان شاء الله در شب های آینده بیشتر درباره ابعاد این خونخواهی و وظایف خودمان گفتگو خواهیم کرد.

### ❦ روضه ورود کاروان به زمین کربلا

امشب شب دوم محرم است؛ دل ها را روانه کنیم به آن روزی که کاروان اباعبدالله الحسین علیه السلام به زمین کربلا رسید. کاروانی که مایه عزت و شرف عالم بود. می نویسند روز دوم محرم سال شصت و یک هجری بود؛ کاروان حرکت می کرد که ناگهان اسب حضرت متوقف شد و دیگر قدم از قدم برنداشت. حضرت سوار بر اسب دیگری شدند، اما آن هم حرکت نکرد. چندین اسب عوض کردند، اما زمین کربلا دامن حسین را چسبیده بود... گویا زمین می گفت ای پسر فاطمه، منزل تو همین جاست... حضرت رو کردند به اصحاب و اهل کاروان، فرمودند: نام این زمین

چیست؟

یکی عرض کرد: یا بن رسول الله، به این زمین «عقر» می گویند. حضرت فرمودند: نام دیگری دارد؟ عرض کردند: به آن «نینوا» هم می گویند. باز فرمودند: آیا نام دیگری هم دارد؟ در این هنگام بود که پیرمردی جلو آمد و عرض کرد: یا حسین، به این زمین «کربلا» می گویند...

تا نام کربلا را شنید، دلِ اهل کاروان لرزید... آهی از نهاد مبارک حضرت بلند شد؛ اشک در چشمانش حلقه زد... نگاهی به خواهرش زینب کرد، نگاهی به علی اصغر و علی اکبر کرد... فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَرْبِ وَالْبَلَاءِ»؛ خدایا از اندوه و بلا به تو پناه می برم... سپس فرمود: پیاده شوید! «هَهُنَا مَنَاخُ رِكَابِنَا» به خدا قسم اینجا محل خواباندن شترهای ماست، «وَهُنَا تَسْفِكُ دِمَاءَنَا» و اینجا محل ریخته شدن خون های ماست... اینجا جایی است که حرمت ما را می شکنند... اینجا جایی است که جوانانم را ارباً اربا می کنند...

بمیرم برای دل زینب... تا صدای حسین را شنید، لرزه بر اندامش افتاد... عباسش را صدا زد، برادرانش را صدا زد... اما این روز اول همه محارم دور زینب را گرفتند، عباس زیر بغل خواهر را گرفت، علی اکبر رکاب گرفت تا بانو پیاده شود... اما بمیرم برای روز یازدهم... زینب آمد وسط میدان، نگاه کرد دید بدنی بی سر... ناله زد؛ وا اخواه... وا حسیناه... خواهرت زینب با نامحرمان همسفر شده است... برادر جان... تو قافله سالار من بودی... حالا باید قافله سالاری شمر را ببینم... برادر جان... اسارت را تحمل می کنم... بگو با مجلس شراب چه کنم... الا لعنه الله علی القوم الظالمین...

منزل سوم

جایگاه خون خواهی

فعالانه در مکتب

عاشورا و دعای

سیدالشهدا علیه السلام





بسم الله الرحمن الرحيم. در ابتدای سخن، عرض تسلیت و تعزیت داریم به همه شما عزیزان و عزاداران حسینی؛ در این ایام غم و اندوه، امام باقر علیه السلام به ما آموختند که وقتی به هم می‌رسید، این‌گونه به یکدیگر تعزیت بگویید: «عَظَّمَ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» یعنی خداوند پاداش و اجر ما را در مصیبت حسین علیه السلام بزرگ گرداند، «وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ بِنَارِهِ» و ما و شما را از خون خواهان و طلب‌کنندگان خون او قرار دهد، «مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» در رکاب ولی‌اش امام مهدی از خاندان محمد صلی الله علیه و آله.

این بیان نورانی ما را متوجه می‌کند که مصیبت ما در عزای سیدالشهدا یک مصیبت فعال، پویا و حرکت‌آفرین است. این ماتم بزرگ، هرگز منجر به انزوا، گوشه‌گیری و افسردگی نمی‌شود؛ بلکه برعکس، مطابق نص صریح زیارت عاشورا، شیعه را مستقیماً به وسط صحنه خون‌خواهی سیدالشهداء می‌کشانند. ما باید تلاش کنیم که در این شب و روزها، مصیبت و محبت خود را با حرکت در مسیر خون‌خواهی حقیقی امام حسین علیه السلام بارور کنیم تا بتوانیم نور چشم حضرت باشیم.

چنانچه خود ابا عبد الله علیه السلام در فرازهای دعای عرفه به زیبایی

می فرماید: «وَأَجْعَلَ سَمْعِي وَبَصَرِي الْوَارِثَيْنِ مِنِّي» یعنی پروردگارا! گوش و چشم مرا وارثان من قرار بده، «وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي» و مرا بر کسی که به من ستم روا داشته است یاری فرما، «وَأَرِنِي فِيهِ نَارِي وَمَا يَبِي» و انتقام و خون خواهی و اهداف مرا در نابودی دشمن به من نشان ده، «وَأَقْرَبِ ذَلِكَ عَيْنِي» و با این امر، چشمان مرا روشن و مسرور بگردان!

بینید حضرت چه افق بلندی را نشان می دهد! امروز سیدالشهداء از ملکوت از عند ملیک المقتدر به ما نگاه می کند تا ببیند آیا ما در مسیر روشن کردن چشم حضرت قدم برمی داریم؟ آیا خون بهای والای ایشان را در جامعه محقق می کنیم؟ همه ما در این شب ها دلمان لبریز از این آرزوست که دل حضرت را شاد کنیم؛ بدانید که راه شاد کردن دل امام، ایستادن در صف خون خواهان اوست. خون بهای حضرت سیدالشهدا، چیزی جز اقامه قسط، برچیدن بساط ظلم و ازاله طاغوت در سراسر عالم نیست؛ همان هدف اساسی که همه انبیاء عظام برای آن مبعوث شدند و امام حسین علیه السلام وارث حقیقی همه آن ها است. با درک این خون بهای عظیم است که متوجه می شویم چرا ادبیات خون خواهی در آیات و روایات ما این قدر پررنگ و محوری است. ما در زیارت عاشورا، نه یک بار، بلکه دو مرتبه از خداوند این توفیق و رزق عظیم را طلب می کنیم؛ یک بار در فراز «فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ، وَأَكْرَمَنِي [بِكَ]، أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.» و بار دیگر در فراز «وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِي مَعَ إِمَامٍ هُدًى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ» که نشان می دهد این خواسته، در هندسه ولایت و حاکمیت اهل بیت بسیار مهم است. علاوه بر این، وصف «ثار الله» که در تمام زیارت نامه های حضرت تکرار شده، به ما یادآوری می کند این خون هرگز سرد نمی شود و تا روز قیام مولایمان امام زمان علیه السلام، پرچم انتقام و اقامه عدل برافراشته خواهد

ماند. از طرفی معرفی صاحب الزمان نیز به خونخواهی سیدالشهداء موید پررنگ بودن امر خونخواهی حضرت است

امروز به وضوح می بینیم که جبهه استکبار و طاغوت های مدرن جهان از همین روحیه حماسی و ادبیات خون خواهی شیعه به شدت هراسانند. دستگاه های رسانه ای غرب و غرب گرایان تلاش می کنند با تزریق تفکر «اسلام سکولار» و «عزاداری بی خاصیت»، گریه بر امام حسین علیه السلام را در حد یک مجلس ختم نگه دارند و آن را منقطع از مسائل روز بگردانند. آن ها می خواهند چشمان ما بر جنایات فرعون های امروز جهان، یعنی دولت مستکبر آمریکا و رژیم کودک کش صهیونیستی بسته بماند. اما منطق منبر حسینی و دعای امام باقر علیه السلام به ما یادآوری می کند که اشک بر مصائب کربلا، بن مایه و سوخت موتور محرک جبهه مقاومت است. این گریه ها زمانی حقیقی است که به پیوند ما با ولی زمان، حضرت مهدی علیه السلام منجر شود و ما را در صف مبارزه با ستمگران امروز عالم قرار دهد. مجالسی که جریان شیعیان انگلیسی برگزار می کنند مصداق همین مورد است که صرفا سوگواری و عزاداری است بدون هیچ نسبتی با امروز و دشمنان سیدالشهداء!

## ❖ نقش کلیدی قیام و همراهی مردم در تحقق عدالت و سیره

### حسینی

حال باید از خود پرسیم که نقش ادبیات خون خواهی در تحقق این هدف والا، یعنی اقامه قسط در عالم و ازاله طاغوت چیست؟ پاسخ این است که اقامه قسط در سنت الهی، هرگز با اعجاز محض یا به صورت فردی رقم نمی خورد، بلکه منوط به حرکت و قیام خود مردم است. پروردگار متعال در قرآن کریم، در سوره حدید آیه ۲۵، این سنت قطعی را تبیین کرده و می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ» همانا ما فرستادگان خود را با نشانه ها و معجزات روشن فرستادیم، «وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ» و با

آن‌ها کتاب و ترازوی سنجش حق از باطل را نازل کردیم، ﴿لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ تا خود مردم برای برپا داشتن عدالت قیام کنند.

آیه شریفه تصریح دارد که هدف بعثت انبیاء این است که توده مردم آگاه شوند و خودشان آستین همت را برای برپایی قسط بالا بزنند. امام حسین علیه السلام نیز به عنوان وارث حرکت انبیاء، به دنبال همین قیام مردمی برای اقامه عدل بود. در حرکت به سمت کوفه نیز مبنا همین بود؛ انبوه نامه‌های دعوت مردم کوفه، در ظاهر نشان‌دهنده آمادگی جدی جامعه برای همراهی با ولی خدا در مسیر مبارزه با ظلم بود.

جریان حق و باطل در طول تاریخ به ما نشان می‌دهد که بدون اراده، خواست و حضور فعال مردم، هیچ حرکت الهی به سرانجام نمی‌رسد؛ چرا که در سنت الهی، مردم پایگاه اصلی قدرت هستند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در خطبه شقشقیه به همین سنت قطعی اشاره کرده و می‌فرماید: «لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَقِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ... لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا»؛ یعنی اگر حضور توده‌های مردم و اتمام حجت با وجود یاران نبود، مهار حکومت را رها می‌کردم. این کلام صریح نشان می‌دهد که حتی امام معصوم نیز بدون پایگاه مردمی اقدام به تشکیل حکومت نمی‌کند و جامعه باید خودش پای کار ولی خدا بایستد.

به همین جهت، وقتی سیدالشهدا علیه السلام سفیر خود، حضرت مسلم بن عقیل را به کوفه اعزام می‌فرمایند، در دستورالعمل خویش به او این‌گونه تاکید می‌کنند: «وَ اذْعُ النَّاسَ إِلَى طَاعَتِي» و مردم را به فرمانبرداری و پیروی از من فراخوان، «وَأُخَذُوا لَهُمْ عَنْ آلِ أَبِي سُفْيَانَ» و آنان را از حمایت و یاری رساندن به خاندان ابوسفیان بازدار، «فَإِنْ رَأَيْتَ النَّاسَ مُجْتَمِعِينَ عَلَى بَيْعَتِي» پس اگر دیدی که مردم بر بیعت با من یک‌دل و مجتمع هستند، «فَعَجِّلْ لِي بِالْخَبْرِ» در فرستادن خبر برای من شتاب کن، «حَتَّى

أَعْمَلَ عَلَى حَسَبِ ذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى»<sup>۱</sup> تا من بر اساس آن آمادگی و اجتماع مردم اقدام کنم، اگر خدا بخواهد.

امام معصوم بدون پایگاه مردمی و حضور فعال مردم، اقدام به تشکیل حکومت عدل نمی‌کند. جامعه باید تشنه عدالت باشد و پای کار ولی خدا بایستد. اقامه قسط تنها در سایه همراهی همه جانبه مردم با ولی خدا رقم می‌خورد. اگر مردم با تمام وجود پشت سر ولی جامعه بایستند، نصرت الهی قطعی است و عدل برپا می‌شود؛ اما اگر مردم سستی کنند، ولی خدا را تنها بگذارند و به عافیت طلبی رویاوارند، تاریخ مسیر تلخ و دردناکی را طی خواهد کرد که جبران آن قرن‌ها به طول می‌انجامد.

همین ضرورت حضور مردم را در عصر خودمان نیز به وضوح می‌بینیم؛ امام خمینی علیه السلام در سال ۱۳۲۳ (یعنی ۳۴ سال قبل از پیروزی انقلاب ۵۷) در نامه ای تاریخی، با استناد به آیه شریفه «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ»، دستور به قیام لله دادند، اما ۳۴ سال طول کشید و ایستادند تا خود مردم آگاه شوند و پای کار بیایند. این نامه که به دست خط خود امام در موزه وزیری یزد نگهداری می‌شود، به عنوان اولین سند مبارزاتی ایشان و نخستین پیام امام در صحیفه نور ثبت شده است و تبیین می‌کند که علت تمام بدبختی ملت‌ها، «ترک قیام برای خدا» و روی آوردن به منافع شخصی است.

انقلاب اسلامی در سال ۵۷ نشان داد که اگر مردم پای کار باشند و قیام برای تحقق عدالت بکنند قطعاً موفق می‌شوند و می‌توانند طاغوت و استکبار را از کشور خودشان بیرون کنند، امروز نیز اگر ما برای خونخواهی حضرت قیام کنیم و همه پای کار بیاییم میتوانیم طاغوت را از منطقه خودمان اخراج کنیم. در اسفند ۱۴۰۴، پس از شهادت رهبر عزیزمان، این ملت به

پاخاست و مبعوث شد؛ درست مانند بعثت تاریخی مردم در انقلاب ۵۷ که به اخراج طاغوت از ایران انجامید. رهبر شهیدمان با اطمینان به همین ظرفیتِ عظیم، نوید داده بودند: «اگر چنانچه حادثه‌ای برای کشور پیش بیاید، خدای متعال این مردم را مبعوث خواهد کرد برای مقابله‌ی با حوادث، و کار را مردم تمام خواهند کرد.» (۱۴۰۴/۱۱/۱۲) امروز نشانه‌های این قیام و بعثت فراگیر کاملاً آشکار است: حضور بی‌درنگ در خیابان‌ها در همان لحظات نخست، خالی نکردن پایتخت در اوج تهدیدها، تنوع اقدار و رجزخوانی حماسی خانواده‌های شهدا. این حضور پرشور و چندماهه در میدان، گواهی بر اوج این حماسه است؛ تا آنجا که به فرموده رهبر عزیز انقلاب پس از شهادت رهبرمان: «این شما مردم بودید که کشور را رهبری و اقتدار آن را ضمانت کردید.» (۱۴۰۴/۱۱/۲۱) امروز این حضور و ایستادگی مردم نشان می‌دهد که ما مثل مردم آن زمان نیستیم که امام را با نامه‌هایمان دعوت کنیم و بعد تنه‌ایش بگذاریم؛ ما با ادامه دادن این راه، نمی‌گذاریم تنه‌ایی و مظلومیت امام حسین علیه السلام در کربلای سال ۶۱ هجری تکرار شود. هدف ما این است که باز بین بردن ظالمان امروز، آن آرزوی دیرینه برای برپایی عدالت را این بار در کنار امام زمان علیه السلام به واقعیت تبدیل کنیم.

## ❖ عواقب شوم ترک یاری ولی خدا و اعجاز خون شهید در بیداری جامعه

سیدالشهداء علیه السلام پیش از رسیدن به کربلا، بارها نسبت به پیامدهای شوم عاقبت طلبی و عدم یاری ولی خدا به مردم هشدار دادند. حضرت در خطبه‌ای که از امیرالمومنین آن را نقل کرده اند، در مناجات با خدای متعال اینگونه می‌فرمایند که: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَأْكَانَ مِنَّا تَنَافُسًا فِي سُلْطَانٍ» بار خدا! تو خود می‌دانی که آنچه از جانب ما صورت گرفت،

برای رقابت در به دست گرفتن قدرت و پادشاهی نبود، «وَلَا الْيَتِمَّاساً مِنْ فُضُولِ الْحُطَّامِ» و نه برای جست و جوی چیزی از مال و متاع ناچیز و زیاده دنیا؛ «وَلَكِنْ لِيُرِيَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ» بلکه برای آن بود که نشانه ها و پرچم های دینت را به جایگاه اصلی اش بازگردانیم، «وَتُظْهِرَ الْإِضْلَاحَ فِي بِلَادِكَ» و اصلاح و دگرگونی مثبت را در سرزمین های آشکار سازیم، «وَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ» تا بندگان ستم دیده ات از چنگال ظالمان امنیت یابند، «وَيُعْمَلَ بِفَرَائِضِكَ وَ سُنَّتِكَ وَأَحْكَامِكَ»<sup>۱</sup> و به واجبات، سنت ها و احکام تو عمل شود.

حضرت در این فراز، علت غایی قیام را اقامه قسط و امنیت مظلومان معرفی می کنند؛ اما بلافاصله در ادامه خطبه، به مردم هشدار جدی می دهند که تحقق این اهداف، منوط به غیرت و همراهی شماست: «فَإِنْ لَمْ تَنْصُرُونَا وَ تَنْصِفُونَا» پس ای مردم! اگر شما ما را یاری ندهید و در حق ما انصاف به خرج ندهید، «قَوِي الظُّلْمَةَ عَلَيكُمْ» ستمگران بر شما چیره و قوی می شوند، «وَعَمَلُوا فِي إِطْفَاءِ نُورِ نَبِيِّكُمْ» و در راه خاموش کردن نور پیامبران تلاش خواهند کرد، «وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا» و خدا ما را بس است، بر او توکل کرده ایم، «وَالِيهِ أُنَبِّئْنَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ» و به سوی او روی آورده ایم و بازگشت همگان به سوی اوست.

ببینید حضرت چقدر صریح آینده را پیش بینی می کند! نتیجه تلخ و حتمی سکوت و عدم همراهی با ولی خدا، به مسلخ رفتن حق و چیره شدن ستمگران جنایتکار بر مقدرات جامعه است. وقتی مردم کوفه و مدینه امام را یاری نکردند، نتیجه اش فاجعه عظیم کربلا شد. اما در این معرکه ظاهراً شکست خورده، سنت دیگری از خداوند جاری می شود؛ خون شهید و ثارالله، عامل حیات مجدد آرمان های فراموش شده در رگ های جامعه

۱. تُحْفُ الْعُقُولِ عَنْ آلِ الرَّسُولِ علیهم السلام، ص ۲۳۹

می شود. وقتی ولی خدا به شهادت می رسد، شهادت او روح تازه ای به پیروان واقعی اش می بخشد و اهداف بزرگ او را در دل جامعه زنده می کند. به همین دلیل است که درست بعد از حادثه کربلا، آن سکوت و ناامیدی مردم شکست، جامعه بیدار شد و قیام های متعددی مثل قیام توابعین و مختار برای خون خواهی حضرت شکل گرفت که در نهایت حکومت بنی امیه را نابود کرد.

در صحنه سیاست بین الملل، سکوت، سازش و بی طرفی در برابر ستمگران هرگز امنیت آور نبوده است. برخی از دولت های اسلامی تصور می کردند با عادی سازی روابط و تن دادن به خواسته های آمریکا و رژیم صهیونیستی می توانند رفاه و امنیت خود را تضمین کنند؛ اما دیدیم که هزینه سازش به مراتب سنگین تر از هزینه مقاومت است. انفعال امت اسلام در برابر ظلم، گرگ های صهیونیست را جسورتر کرد تا جایی که جلوی چشم میلیاردها انسان، وحشیانه ترین نسل کشی تاریخ معاصر را رقم زدند. اما دقیقاً در اوج غربت حق، معجزه خون شهید کالبد مرده جامعه را بیدار می کند. همان طور که در عصر خودمان دیدیم شهادت امام شهید، برخلاف محاسبات دشمن، نه تنها جریان حق را متوقف نکرد، بلکه بعثت مردم را رقم زد که ان شاء الله این اهداف را به سرانجام برسانند.

## ❖ خون خواهی؛ موتور پیشران مکتب و محور انسجام و وحدت امت اسلامی

بنابر آنچه گفته شد، خون خواهی، موتور محرک و پیشران تحقق اهداف مکتب اهل بیت علیهم السلام و عامل استمرار بیداری و بعثت مردم است. این سنت خون خواهی است که اجازه نمی دهد خون شهید در خاک فراموشی بمیرد، بلکه آن را در شریان های نسل های بعدی به جریان می اندازد تا آرمان ها زنده بمانند و مردم حرکتی فعالانه به سمت تمدن اسلامی

داشته باشند. لذا است که امام خمینی علیه السلام فرمود این محرم و صفر است که اسلام رازنده نگه داشته است. خونخواهی فرآیند رسیدن به اهداف شهید را تسریع می‌کند و آن اهداف را در جامعه تثبیت می‌کند در نظام تربیتی اسلام، آن عاملی که اقشار مختلف مردم را با وجود تفاوت‌های ظاهری گرد هم می‌آورد و به حرکت آن‌ها جهت و انسجام می‌دهد، عنصر بی‌بدیل «حب و بغض» است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «إِنَّمَا يَجْمَعُ النَّاسَ الرِّضَا وَالسَّخَطُ»<sup>۱</sup> همانا مردم را خشنودی و خشم (بر یک امر واحد) گرد هم می‌آورد و منسجم می‌کند. در سوره آل عمران در ذیل آیه شریفه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» که تمسک به حبل الله عامل وحدت جامعه است، در روایاتی آمده است که: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لِأَصْحَابِهِ أَيُّ عُرَى الْإِيمَانِ أَوْتَقُّ رسول خدا صلى الله عليه وآله به اصحاب خود فرمود: «کدام یک از دستگیره‌های

ایمان محکم‌تر است؟»

فَقَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ

پس [اصحاب] گفتند: خدا و رسول او داناترند.

وَقَالَ بَعْضُهُمُ الصَّلَاةُ

و برخی از آنان گفتند: نماز؛

وَقَالَ بَعْضُهُمُ الزَّكَاةُ

و برخی دیگر گفتند: زکات؛

وَقَالَ بَعْضُهُمُ الصَّوْمُ

و بعضی گفتند: روزه؛

وَقَالَ بَعْضُهُمُ الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ

و بعضی گفتند: حج و عمره؛

وَ قَالَ بَعْضُهُمُ الْجِهَادُ

و برخی نیز گفتند: جهاد.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِكُلِّ مَا قُلْتُمْ فَضْلٌ وَ لَيْسَ بِهِ

پس رسول خدا ﷺ فرمود: «برای هر آنچه گفتید فضیلتی است، اما

پاسخ [مورد نظر] من این نیست؛

وَ لَكِنْ أَوْثَقُ عَزَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ

بلکه محکم‌ترین دستگیره ایمان، دوست داشتن برای خدا و دشمنی

داشتن برای خداست،

وَ تَوَالِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ التَّبَرُّي مِنَ أَعْدَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ<sup>۱</sup>.

و هم‌پیمانی (دوستی) با اولیای خدا، و بیزاری جستن از دشمنان

خدای عزوجل.»

حب و بغض است که عامل وحدت جامعه می‌باشد بر این اساس، فرهنگ خون خواهی، نهایت تبلور و تجسم اوج حب و بغض در جامعه است. خون خواهی یعنی محبت عمیق به ولی خدا، ذوب شدن در اهداف او و تلاش برای تحقق حکومت عدل او؛ و از سوی دیگر، بغض، نفرت و برائت شدید نسبت به دشمنان و ظالمانی که او را به شهادت رساندند و مسیر هدایت بشر را مسدود کردند. لذا جامعه اسلامی باید همواره پرچم خون خواهی ولی الهی را برافراشته نگه دارد و حول این محور به انسجام برسد. محور اعتصام، بقا و وحدت ما در طول تاریخ تشیع، همین خشم و انزجار مشترک علیه قاتلان کربلا و رضایت و دل‌دادگی مشترک بر حاکمیت آل محمد ﷺ بوده است. این همان حقیقت خون خواهی است که شیعه را در طول قرن‌ها، با وجود تمام سرکوب‌ها، منسجم و

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۲۵

پویانگه داشته است. امروز نیز حماسه با شکوه اربعین حسینی، تجسم عینی و بی نظیر این وحدت عظیم و جهانی در امت اسلامی حول محور خون‌خواهی سیدالشهدا و آماده شدن برای یاری منتقم حقیقی، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه است.

### ❦ روضه پایانی: مصیبت حضرت رقیه رضی الله عنها

وقتی جامعه ولی خدا را تنها بگذارد، وقتی مردم به موقع پای کار اقامه قسط نایستند، همه جامعه نتیجه این اشتباه را می بینند. حتی کودکان معصوم و ضعیف هم گرفتار مصیبت می شوند. نتیجه عهدشکنی امت، خرابه شام است؛ نتیجه اش غربت دختری سه ساله است که در رگ های مطهرش، خون ثارالله جاری بود. امشب شب سوم محرم است؛ شب دختری که گریه های غریبانه اش در ویرانه شام، از سخت ترین مصیبت های کربلا بود. او با دست های کوچکش پرچم مظلومیت پدر را بلند کرد و پایه های کاخ یزید را به لرزه درآورد.

دلش لک زده بود برای بابا... هی سراغ بابا را می گرفت. اما یزیدیان با او چه کردند؟ چه تسلاهی به این دل شکسته دادند؟ آمدند یک طبق را جلو آوردند، روی آن پارچه ای انداخته بودند. دخترک جلو آمد، پارچه را کنار زد... «فَلَمَّا رَأَتْ رَأْسَ أَبِيهَا» همین که چشمش افتاد به سر بریده و خونین پدر... داد زد: «يَا أَبَتَاهُ مَنْ ذَا الَّذِي خَضَبَكَ بِدِمَائِكَ؟» بابا! چه کسی محاسنت را به خونت خضاب کرد؟ «يَا أَبَتَاهُ مَنْ ذَا الَّذِي قَطَعَ وَرِيدَكَ؟» بابا! چه کسی رگ های گلویت را برید؟

سر بابا را به سینه چسباند... بالب های کوچکش لب های قاری قرآن را بوسید... شروع کرد با بابا درد دل کردن: بابا! بعد از تو من رنج‌ها کشیدم، بابا تازیه‌ها خوردم... بابا نگاه کن چقدر گوشه های چشم

کبود شده... اما بابا، غصه نخور، من در اسارت هم پرچم خون خواهی تو  
 رازمین نگذاشتم... آن قدر گریه کرد، آن قدر ناله زد و صورت بر صورت بابا  
 گذاشت... «و شَهَقَتْ شَهَقَةً مَاتَتْ فِيهَا» یک وقت دیدند صدای دخترک  
 قطع شد... آرام گوشه خرابه افتاد... ال لعنة الله على القوم الظالمين...

منزل چہارم

امام زمان عجل اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف؛

صاحب اصلی و

ولی دم حقیقی خون

امام حسین علیہ السلام





تسلیت و تعزیت عرض می‌کنیم به همه عزیزان و دلدادگان حسینی،  
به بیان نورانی امام باقر علیه السلام که فرمودند در این روزها این‌گونه به یکدیگر  
تعزیت بگویید:

«عَظَّمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

خداوند اجرها و پاداش‌های ما را در مصیبت شهادت حسین علیه السلام  
بزرگ گرداند،

«وَجَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ بِنَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ  
مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»

و ما و شما را از خونخواهان و طلب‌کنندگان خون او، در رکاب  
ولی‌اش امام مهدی از خاندان محمد علیه السلام قرار دهد.

در شب‌های گذشته به تفصیل عرض کردیم که مصیبت عاشورا یک  
اندوه منفعل و گوشه‌گیرانه نیست؛ بلکه یک مصیبت فعالانه و حرکت‌آفرین  
است. این‌گریه‌ها و دسته‌های عزا، ما را به صحنه خونخواهی می‌کشد؛ ما  
را به نقطه‌ای می‌رساند که در برابر ظلم آرام نگیریم و برای اقامه قسط و داد و  
ازاله طاغوت در عالم به پا خیزیم. خونخواهی سیدالشهداء، محور اصلی  
وحدت جامعه ایمانی است؛ چرا که تبلور یک حب و بغض مشترک و

الهی است. این خونخواهی، موتور محرک و عامل تسریع‌کننده همان اقامه قسطی است که انبیا به خاطر آن آمدند. خونخواهی است که خون شهید را از بستر تاریخ برمی دارد و در رگ‌های امروز جامعه جاری می‌کند!

در ادبیات روایی ما، خونخواه حقیقی و ولی دم واقعی سیدالشهداء، وجود مقدس حضرت بقیه‌الله الاعظم علیه السلام است. حقیقت این است که خون‌بهای کامل امام حسین علیه السلام تنها در زمان ظهور به دست می‌آید؛ چرا که اقامه قسطِ سرتاسری و ریشه‌کن کردن ستم در کل جهان، فقط و فقط در دولت کریمه مهدوی رقم می‌خورد. ما هر صبح جمعه در دعای ندبه، حضرت را این‌گونه صدا می‌کنیم که: «أَيْنَ الظَّالِمِ بِدُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ أَيْنَ الظَّالِمِ بِدَمِ الْمُقْتُولِ بِكَرْبَلَاءِ»؛ کجاست آن آقای که طلب‌کننده خون شهید مظلوم کربلاست؟ حتی در فرازهای زیارت عاشورا نیز، این توفیقِ عظیم خونخواهی را در معیت و رکاب امام زمان از خدا طلب می‌کنیم؛ آنجا که می‌خوانیم: «أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ تَارِكِ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ». پس منبر محرم و روضه حسین علیه السلام، جدا از مسیر مهدویت و آمادگی برای ظهور نیست؛ حسین علیه السلام شهید شد تا مسیر حق گم نشود و مهدی علیه السلام می‌آید تا آرمان‌های زمین‌مانده جدش را در کل هستی محقق سازد.

## ❖ اوصاف یاران امام زمان علیه السلام و شعار حماسی آنان در

### خونخواهی

برای اینکه بدانیم جریان خونخواهی چگونه به نتیجه می‌رسد، باید به اوصاف کسانی نگاه کنیم که فرار است در رکاب ولی دم حقیقی شمشیر بزنند. در کتاب شریف بحار الانوار، روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که ویژگی‌های اصحاب حضرت بقیه‌الله را این‌گونه ترسیم می‌فرمایند:

«رُهْبَانُ بِاللَّيْلِ لُيُوثُ بِالنَّهَارِ»

آنان پارسایان و شب‌زنده‌داران شب، و شیران ژیان میدان در روز هستند.

«هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنْ الْأَمَّةِ لِسَيْدِهَا»

فرمانبرداری و اطاعت آنان از امامشان، از فرمانبرداری یک کنیز در

برابر مولایش بیشتر، دقیق‌تر و عاشقانه‌تر است.

«كَالْمَصَابِيحِ كَأَنَّ قُلُوبَهُمُ الْقَنَادِيلُ»

آنان همچون چراغ‌های روشن‌گر جامعه هستند و گویی دل‌هایشان

از شدت نور ایمان، قندیل‌های تابان نور است.

«وَهُمْ مِنْ حَشِيَّةِ اللَّهِ مُشْفِقُونَ»

و آنان از خدا ترسی و خشیت الهی، لرزان و نگرانند؛ یعنی از هیچ

قدرت مادی باک ندارند و تنها از عظمت خدا خائفند.

«يَدْعُونَ بِالشَّهَادَةِ وَيَتَمَنُّونَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»

همواره دعای کلامی و خواهش قلبی‌شان طلب شهادت است و

آرزو می‌کنند که در راه خدا کشته شوند.

«شِعَارُهُمْ يَا لَثَارَاتِ الْحُسَيْنِ»

شعار حماسی آنان این است: "ای خون‌خواهان حسین! به پا خیزید".

«إِذَا سَارُوا يَسِيرُ الرَّعْبُ أَمَامَهُمْ مَسِيرَةَ شَهْرٍ»

هرگاه به سوی جبهه حق حرکت کنند، رعب و وحشت در دل دشمنان،

به اندازه‌ی مسافت یک ماه پیاده‌روی، پیشاپیش آنان حرکت می‌کند و دل

مستکبران را می‌لرزاند. این‌ها رعب و وحشت را در دل آنان می‌اندازند.

«يَمُشُونَ إِلَى الْمَوْلَى إِذْ سَالًا»

شتابان و گروه‌گروه و بی‌وقفه به سوی مولای خود، امام زمان، رهسپار

می‌شوند.

«بِهِمْ يَنْصُرُ اللَّهُ إِمَامَ الْحَقِّ»<sup>۱</sup>

و خداوند متعال به وسیله‌ی دست‌های توانمند آنان، امام حق را یاری و پیروز می‌گرداند.

امروز اگر بخواهیم تبلور عینی این اوصاف را در عالم واقع پیدا کنیم، باید به چهره‌های درخشان و مجاهدان جبهه مقاومت نگاه کنیم. وقتی امام صادق علیه السلام تعبیر «لیوث بالنهار» یعنی شیران میدان در روز را به کار می‌برند، ذهن ما ناخودآگاه به یاد فرماندهان دلاوری همچون شهید حاج قاسم سلیمانی، شهید سید حسن نصرالله و دیگر شهدای والامقام این مسیر می‌افتد که شجاعت نظامی آنان خواب را از چشم ارتش‌های گرگ صفت و تا بن دندان مسلح ربوده بود. تعبیر «قلوبهم كالقنادیل» یعنی دل‌هایی که مانند قندیل‌های نور سفت و محکم است، ارزش خود را امروز در پایداری و استقامت بی‌نظیر جوانان غیور ایران، غزه، لبنان، یمن نشان می‌دهد؛ جوانانی که زیر شدیدترین محاصره‌های اقتصادی، تسلیحاتی و بمباران‌های وحشیانه، حتی یک قدم از آرمان‌های اسلامی خود عقب ننشسته‌اند و ایمانشان متزلزل نشده است. رعب و وحشتی که پیشاپیش این جبهه حرکت می‌کند و دل صهیونیسم بین‌الملل را می‌لرزاند، همان رعب مهدوی است که ناشی از عدم ترس از مرگ و عشق به شهادت است؛ ویژگی ممتازی که دشمن مادی‌گرا هرگز قادر به فهم و تحلیل آن نیست. و همه این اوصاف را انسان در امام شهید می‌بیند، ای کاش در میانه جنگ نبودیم و فرصت داشتیم از خودمان می‌گفتیم و می‌سوختیم اما امروز تکلیف خونخواهی ما را مجبور می‌کند که درباره چگونگی آن صحبت کنیم.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸

شعار محوری و تابلوی حرکت اصحاب حضرت صاحب الزمان، ذکر مقدس «یا لثارات الحسین» است. این نشان می‌دهد که عقبه فکری و انگیزه اصلی یاران امام زمان، از کربلا سرچشمه می‌گیرد. موتور محرک جبهه مهدوی برای قلع و قمع ظالمان و اقامه قسط در جهان، همین خونخواهی سیدالشهداء است. آنان حرکت می‌کنند تا انتقام آن دستان بریده، آن حنجره بریده و آن چادرهای آتش گرفته را از جریان ستم در تاریخ بگیرند.

### ❦ چرا فرزندان قاتلان کربلا در زمان ظهور مجازات می‌شوند؟

حالا ممکن است در ذهن کسی یک سوال بزرگ شکل بگیرد؛ اینکه آیا ما امروز هم تکلیفی برای خونخواهی سیدالشهداء داریم؟ یا اینکه این پروژه یک امر کاملاً آینده‌نگرانه است و فقط باید منتظر ماند تا در زمان ظهور کلید بخورد؟ برای حل این سوال، باید به یک قاعده مهم قرآنی و روایی توجه کنیم.

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمودند: «إِذَا حَرَجَ الْقَائِمُ علیه السلام قَتَلَ ذُرَّارِيَّ قَتَلَةَ الْحُسَيْنِ علیه السلام بِفِعَالِ آبَائِهِمْ»؛ زمانی که قائم ما خروج کند، ذریه و فرزندان قاتلان سیدالشهداء را به خاطر کار پدرانشان به قتل می‌رساند! شخصی در زمان امام رضا علیه السلام به نام عبدالسلام بن صالح هروی این روایت را می‌شنود و دچار چالش می‌شود. او محضر امام رضا علیه السلام شرفیاب می‌شود تا حقیقت را جويا شود و درباره صحت این روایت از امام رضا علیه السلام سوال می‌کند:

«فَقَالَ علیه السلام: هُوَ كَذَلِك.»

امام رضا علیه السلام بدون هیچ درنگی فرمودند: همین‌گونه است و این حدیث کاملاً درست است.

«فَقُلْتُ: وَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» مَا مَعْنَاهُ؟»  
 راوی می گوید عرض کردم: پس معنای این سخن صریح خداوند  
 عزوجل در قرآن چیست که می فرماید: "و هیچ بردارنده ای، بار گناه دیگری  
 را بر نمی دارد"؟ چطور فرزند به خاطر جرم پدر مجازات می شود؟  
 «قَالَ: صَدَقَ اللَّهُ فِي جَمِيعِ أَقْوَالِهِ؛ وَلَكِنْ ذَرَارِيُّ قَتْلَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ  
 يَرْصُونَ بِأَفْعَالِ آبَائِهِمْ وَ يَفْتَخِرُونَ بِهَا»،  
 امام فرمودند: خداوند در تمام گفتارهایش راست گفته است؛ و لکن  
 فرزندانِ قاتلان حسین عَلَيْهِ به کردارِ جنایت بار پدرانشان راضی هستند و  
 حتی به آن افتخار می کنند؛

«وَمَنْ رَضِيَ شَيْئًا كَانَ كَمَنْ أَتَاهُ.»<sup>۱</sup>

و در سنت الهی، هر کس به کار و جریانی راضی و خشنود باشد،  
 مانند کسی است که آن کار را عملاً انجام داده است.  
 مطابق بیان امام رضا عَلَيْهِ ملاک نسل و ذریه ی کسی بودن، پایبندی به  
 آرمان ها و اندیشه های آنان است نه فقط هم خونی ژنتیکی. کسی که امروز  
 از جبهه استکبار، از خط اموی و از پایمال شدن حق مظلومان شادمان  
 است و همان ایده یزیدی را در سر دارد، در حقیقت ذریه و امتداد همان  
 شمر و خولی است؛ گرچه قرن ها با آن ها فاصله زمانی داشته باشد.

## ❦ جریان شناسی تبار اموی و مهدوی در داستان عبرت آموز

### سعد الخیر

مراد از ذریه قاتلان، لزوماً نسل نسبی و خونی آنان نیست، بلکه مراد کسانی  
 است که حامل ایده، فرهنگ و منش استکباری آن قاتلان هستند. تاریخ  
 برای این حقیقت، نمونه های جذابی دارد. ممکن است کسی از صلب

۱. عیون أخبار الرضا عَلَيْهِ، ج ۱، ص ۲۷۳

و نسل بنی امیه و مروانیان باشد، اما به برکت معرفت و تبری از ظلم، رشد کند و امام معصوم او را از خود بدانند! داستان «سعد الخیر» که از اصحاب خاص امام باقر (ع) است، سندی زنده بر این مدعاست. شیخ مفید به نقل ابوحزمه ثمالی این واقعه را در کتاب شریف اختصاص این گونه روایت می کند:

«عَنْ أَبِي حَمْرَةَ قَالَ: دَخَلَ سَعْدُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ - وَكَانَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) يُسَمِّيهِ سَعْدَ الْخَيْرِ وَهُوَ مِنْ وُلْدِ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مَرْوَانَ - عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ (ع) ابوحزمه گوید: سعد بن عبد الملک بر امام باقر (ع) وارد شد؛ او از فرزندان عبدالعزیز بن مروان و از خاندان اصلی بنی امیه بود، اما امام باقر (ع) وی را به خاطر پاکی، ایمان و اخلاصش "سعد خیر" می نامید.

«فَبَيْنَا يَنْشِجُ كَمَا تَنْشِجُ النِّسَاءُ قَالَ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) مَا يُبْكِيكَ يَا سَعْدُ؟»

پس ناگهان سعد در محضر امام شروع کرد به زار زار گریه کردن و هق هق زدن، آن گونه که زنان در مصیبت گریه می کنند. امام باقر (ع) با عطف و به او فرمود: ای سعد! چه چیز تو را این گونه به پهنای صورت به گریه انداخته است؟

«قَالَ وَكَيْفَ لَا أَبْكِي وَأَنَا مِنَ الشَّجَرَةِ الْمَلْعُونَةِ فِي الْقُرْآنِ؟»

سعد با دلی شکسته عرض کرد: آقا جان! و چگونه نگریم در حالی که من از ریشه و نسل همان "شجره ملعونه" (درخت لعنت شده بنی امیه) در قرآن هستم؟!

«فَقَالَ لَهُ لَسْتَ مِنْهُمْ أَنْتَ أَمْوِيٌّ مِّنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ،»

پس امام باقر (ع) او را آرام کرد و فرمود: تو از آنان نیستی! تو اگرچه از نظر نسب اموی هستی، اما از نظر روح و اندیشه از ما اهل بیت محسوب می شوی؛

«أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَحْكِي عَنْ إِبْرَاهِيمَ: «فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي»؟»<sup>۱</sup>

مگر این سخن خداوند عزوجل را در قرآن نشنیده‌ای که از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام حکایت کرده و می‌فرماید: "پس هر کس از من پیروی کند، بی‌تردید او از من و ملحق به من است؟"

بینید! چقدر این کلام امام آرامش بخش است. امروز ما هم با تبعیت از امام میتوانیم از نسل او باشیم، چه دل نشین اگر حضرت در وصف ما نیز بگوید اَنْتَ اِيرَانِيٌّ مِّنْ اَهْلِ الْبَيْتِ در مقابل، ممکن است کسی فرزند بلاواسطه امام معصوم باشد، اما به خاطر هم‌رنگ شدن با جریان باطل، بشود «جعفر کذاب» که فرزند امام هادی و عموی امام زمان بود اما به واسطه ادعای دروغین امامت مورد طرد و لعن امام زمان قرار گرفت. بنابراین، جریان حق و باطل در طول زمان امتداد دارد و ذریه، همان جریانی است که تابع و ادامه‌دهنده راه گذشته است.

امروز جلوه‌های این حقیقت را در صحنه بین‌المللی مشاهده می‌کنیم. خیزش بی‌سابقه دانشجویان و جوانان در قلب آمریکا و اروپا را ببینید. جوانانی که در بطن تمدن مادی غرب، در بستر همان «شجره خبیثه» نظام سرمایه‌داری و لیبرالیسم بزرگ شده‌اند، اما وقتی حقیقت ظلم و ستم صهیونیسم را می‌بینند، علیه حاکمان خود به پا می‌خیزند، شعار عدالت سر می‌دهند و از مردم مظلوم فلسطین و جبهه حق دفاع می‌کنند. این جوانان غربی که در بستر فرهنگی استکبار متولد شده‌اند، امروز با تبری از ظلم، به تمدن غربی و نظام جهانی بنا شده بر قانون جنگل پشت کرده‌اند؛ آن‌ها از شجره ملعونه مدرن جدا شده و به جریان حق طلبی مهدوی ملحق گشته‌اند. در نقطه مقابل، حاکمان برخی کشورهای اسلامی را می‌بینید

که نام اسلام را یک می‌کشند، شجره‌نامه‌شان به قبایل مسلمان می‌رسد، اما در پشت پرده با دشمنان خونی اسلام دست دوستی می‌دهند، به صهیونیست‌ها کمک اقتصادی می‌کنند و خنجر بر پیکر امت اسلامی می‌زنند. این‌ها همان جعفر کذاب‌های معاصر هستند. این مرزبندی اندیشه‌ای به ما یادآوری می‌کند که در فضای غبارآلود جنگ شناختی امروز، نباید فریب ظاهر، ملیت یا حتی نام افراد را خورد؛ بلکه باید دید عمل آن‌ها به نفع کدام جبهه خواهد بود.

### ❦، تکلیف امروز جامعه ایمانی در فرآیند خونخواهی و صیانت از بعثت مردم

اگر امروز امتداد آن جریانی که سیدالشهداء را به شهادت رسانده، در قالب نظام‌های استکباری و ستمگران بین‌المللی زنده است، یعنی جبهه خونخواهی نیز فعال و پا برجاست! خونخواهی سیدالشهداء یک حادثه تک‌مضربی در آینده نیست که بخواهد دفعتاً رقم بخورد؛ بلکه یک «فرآیند مستمر و جاری» است که غایت و نهایت آن در زمان ظهور محقق می‌شود. اما تا این فرآیند زمینه‌ساز طی نشود، آن نقطه پایانی رقم نخواهد خورد. پروژه خونخواهی امروز در جریان است، چون امروز هم یزیدیان هستند که حسین‌های زمان را به شهادت می‌رسانند و به شیعیان آل‌الله ظلم می‌کنند.

همین ضرورت حضور مردم را در عصر خودمان نیز به وضوح می‌بینیم؛ امام خمینی (ع) در سال ۱۳۲۳ (یعنی ۳۴ سال قبل از پیروزی انقلاب ۵۷) در نامه‌ای تاریخی، با استناد به آیه شریفه «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُم بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ»، دستور به قیام لله دادند، اما ۳۴ سال طول کشید و ایستادند تا خود مردم آگاه شوند و پای کار بیایند. این نامه که به دست خط خود امام در موزه وزیری یزد نگهداری می‌شود، به عنوان اولین سند مبارزاتی ایشان و

نخستین پیام امام در صحیفه نور ثبت شده است و تبیین می‌کند که علت تمام بدبختی ملت‌ها، «ترک قیام برای خدا» و روی آوردن به منافع شخصی است.

وظیفه امروز همه ما قیام برای خونخواهی است، ما امروز دقیقاً در میانه فرآیند خونخواهی سیدالشهداء هستیم و اگر در این زمینه دچار سستی و عافیت‌طلبی شویم، قطعاً در پیشگاه خدا و تاریخ مسئول خواهیم بود. این فرآیند باید آن قدر مقتدرانه پیش برود که وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه در کنار کعبه ظهور می‌کنند و خود را با نام و مصیبت سیدالشهداء معرفی می‌فرمایند، تمام مردم جهان پیش‌زمینه ذهنی داشته باشند و حسین ع را بشناسند. حماسه عظیم و جهانی اربعین در عصر حاضر، گویای همین حقیقت و تجلی بین‌المللی فرآیند خونخواهی است. قیام لله امروز، یعنی قیام برای خونخواهی با قلم، قدم و جهاد تبیین! ما باید از بیداری و «بعثت امروز مردم» صیانت کنیم؛ چرا که تا مردم مبعوث و آماده نشوند، ولی حاضر و معصوم، بسط ید پیدا نمی‌کند و اقامه قسط رخ نخواهد داد.

امروز جبهه باطل به خوبی درک کرده است که بیداری امت‌ها و صیانت از این بیداری، پایه‌های لرزان تمدن مادی آن‌ها را فرو خواهد ریخت. به همین دلیل، دشمن یک جنگ ترکیبی، رسانه‌ای و اقتصادی تمام‌عیار را علیه باورهای مردم، به ویژه نسل جوان ما به راه انداخته است. آن‌ها می‌خواهند با ابزار رسانه، جای جلاد و شهید را عوض کنند و ذهن‌ها را دچار تردید نمایند. صیانت از بعثت مردم یعنی اینکه ما در فضای مجازی و حقیقی، منفعل نباشیم و با جهاد تبیین به شبهات پاسخ دهیم. فرآیند خونخواهی سیدالشهداء امروز در جبهه‌های متعدد تعریف می‌شود؛ از تلاش برای رونق تولید و بی‌اثر کردن تحریم‌های ظالمانه گرفته تا تحریم هوشمندانه کالاهای شرکت‌های صهیونیستی و تقویت علمی جامعه

اسلامی. هر اقدامی که اقتدار امت اسلام را بالا ببرد، قطعه‌ای از پازل فرآیند خونخواهی است. حضور پرشور و مقتدرانه در حماسه اربعین حسینی، یکی از عینی‌ترین ابزارهای این صیانت است؛ اقیانوسی که در آن هویت شیعی و جهانی به نمایش گذاشته می‌شود و مستکبران را سر جای خود می‌نشانند. قیام‌الله امروز ما، حفظ استقلال، تقویت جبهه خودی و خسته نشدن در این مسیر پرفراز و نشیب است تا زمینه برای پیوند نهایی بیداری ملت‌ها به حکومت عدل مهدوی فراهم گردد.

### ❖ اتصال خونخواهی به فصلی نودر افق تمدنی ایران و منطقه

در شب‌های آینده عرض می‌کنیم که خونخواهی امام شهید زمان خود، عین خونخواهی سیدالشهداء (ع) است. این انگیزه الهی، همان موتور محرک و پیشران قوی ما برای رقم زدن فصل نوین ایران و جبهه مقاومت در منطقه است. ما معتقدیم جبهه مقابل امام حسین (ع) با همان کینه‌ها و حيله‌ها امروز در میدان است؛ لذا ما نیز تا آخرین قطره خون، علم خونخواهی را برافراشته نگاه خواهیم داشت. ان شاء الله در جلسات و شب‌های آینده، به صراحت شاخصه‌های جریان اموی زمانه و فرآیند دقیق عملیاتی کردن این خونخواهی را مطرح خواهیم کرد تا وظیفه فردی و اجتماعی خود را بهتر بشناسیم.

### ❖ روزه طفلان حضرت زینب (ع)

وقتی صحبت از هزینه و قربانی دادن در راه امام زمان خویش می‌شود، بی‌اختیار دل‌ها روانه خیمه‌گاه خواهر دلسوخته کربلا، حضرت زینب کبری (ع) می‌شود. امشب شب چهارم محرم، متعلق به دو برادر، دو دسته گل، دو مجاهد بلندهمت است؛ عون و محمد، فرزندان رشید حضرت زینب.

این مادرِ قهرمان، با دستان خودش لباس رزم به تن بچه‌هایش کرد، موهایشان را شانه زد و آن‌ها را مانند دو هدیه نفیس به پیشگاه برادر آورد. عرض کرد: «برادر جان! زینب از تو تمنایی دارد؛ اذن بده این دو جگرگوشه‌ام به میدان بروند.» اباعبدالله در نمی‌پذیرفت، می‌فرمود این‌ها یادگاران جعفر طیارند، اما زینب علیها السلام آن قدر اصرار کرد، آن قدر برادر را به جان مادرش زهرا قسم داد تا اذن حاصل شد.

بچه‌ها مردانه به میدان تاختند، رجز خواندند و تعدادی از دشمنان را به خاک هلاکت افکندند. اما دشمن دورشان را گرفت. شمشیرها بالا رفت... ناگهان دو بدن غرق در خون بر روی خاک گرم کربلا افتاد. صدای ناله‌شان بلند شد: «یا عمه! ادرکنا...» اباعبدالله چون عقاب شکاری خود را به پیکر این دو نوجوان رساند. همچون علی اکبر سر این دو جوان را به سینه چسباند و پیکر نازینشان را به سمت خیمه دارالحرب حرکت داد. مورخین نوشته‌اند در کربلا هر شهیدی را که می‌آوردند، زینب کبری اولین کسی بود که از خیمه می‌دوید، زیر بغل مادر شهید را می‌گرفت، دل‌داری می‌داد، ناله می‌زد... اما وقتی بدن‌های خونین عون و محمد را به خیمه آوردند، تمام زن‌ها دویدند، اما زینب از خیمه خارج نشد! در گوشه خیمه خودش ماند، زینب تنهاگریه کرد. چرا؟ مبادا برادرش حسین، با دیدن اشک‌های خواهر، احساس شرمندگی و خجالت نکند... اللعنة الله علی القوم الظالمین....

منزل پنجم

فرآیند خون خواهی

سیدالشهداء و لزوم

شناخت جریان

باطل امروز





عزاداری مادر ماه محرم، صرفاً یک سوگواری منفعلانه و گریستن بر یک حادثه تاریخی محصور در سال ۶۱ هجری نیست؛ بلکه عزاداری حقیقی، حرکتی فعال، پویا و جریان‌ساز است که در نهایت باید به خون‌خواهی حقیقی سیدالشهداء علیه السلام ختم شود. به همین دلیل ما هر سال در محرم باید طبق تعلیم امام باقر علیه السلام به یکدیگر این‌گونه تعزیت بگوییم:

«عَظَّمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُضَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

خداوند پاداش و اجر ما را در مصیبت فرورفتن در سوگ حسین علیه السلام

بزرگ گرداند؛

«وَجَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ بِنَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الإمامِ المَهْدِيِّ مِنْ آلِ

مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»

و ما و شما را از کسانی قرار دهد که به همراه ولی‌اش، امام مهدی از

خاندان محمد صلی الله علیه و آله، خواستار خون‌خواهی او هستند.

این عبارت به ما یادآوری می‌کند که وظیفه اصلی هر عزادار، قرار گرفتن در صف منتظران و مجاهدانی است که به دنبال گرفتن خون‌بهای امام حسین علیه السلام هستند. اما خون‌بهای سیدالشهداء چیست؟ عرض کردیم خون‌بهای آن حضرت، چیزی جز اقامه قسط، دادگری کامل و حاکمیت

مطلقاً احکام الهی در سرتاسر عالم نیست؛ امری که به دست مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه در عصر ظهور محقق خواهد شد.

نکته اساسی اینجاست که خون خواهی یک فرآیند مستمر و در جریان است و به زمان ظهور محدود نمی شود؛ زیرا ذریه فکری و عملی قاتلان سیدالشهداء امروز هم در جهان حضور دارند. یزیدیان زمانه امروز نیز با همان تفکر اموی در حال ریشه کن کردن دین و عدالت هستند. بنابراین، برای اینکه امروز بتوانیم وظیفه خون خواهی خود را به درستی انجام دهیم، اولین و حیاتی ترین گام، شناخت دقیق شاخه ها و ویژگی های جریان باطل، یعنی تفکر بنی امیه است. ما باید بدانیم که تفکر بنی امیه چه ویژگی هایی داشت و امروز این شاخه ها در قالب چه جریان هایی بازتولید شده است؟ باید از خود پرسیم که گام اول خون خواهی در عصر ما چه بوده است و ما اکنون در کجای این مسیر ایستاده ایم؟ بدون این شناخت، حرکت ما ابتر خواهد ماند.

## ❖ نامه نگاری معاویه و تلاش جریان باطل برای سوء استفاده از مفهوم خون خواهی

برای شناخت ماهیت جریان باطل و فهم روش های مکارانه آن ها، باید به تاریخ رجوع کنیم. در کتاب «الغارات»، نامه نگاری مهمی میان امیرالمؤمنین علیه السلام و معاویه نقل شده است. حضرت در نامه خود با استناد به میراث انبیاء و مقام وصایت رسول الله صلی الله علیه و آله، تبیین می کنند که حاکم جامعه اسلامی لزوماً باید امام منصوب از طرف خدا و ولی خدا باشد تا بتواند عدالت را اجرا کند. اما معاویه در پاسخ به حضرت، نامه ای می نویسد که اوج تزویر و تلاش باطل برای ایجاد یک «ثار شیطانی» و انحراف افکار عمومی را نشان می دهد. معاویه می نویسد:

فَكَتَبَ مُعَاوِيَةَ: «مَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ قَدْ أَنْتَهَى إِلَيَّ كِتَابُكَ، فَأَكْثَرْتَ فِيهِ ذِكْرَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَآدَمَ وَنُوحَ وَ النَّبِيِّينَ، وَ ذَكَرَ مُحَمَّدًا ﷺ وَ قَرَأْتَكُمْ مِنْهُ وَ مَنْزِلَتَكُمْ وَ حَقَّكَ، وَ لَمْ تَرْضَ بِقَرَأَتِكَ مِنْ مُحَمَّدٍ حَتَّى أَنْتَسَبْتَ إِلَيَّ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ.»

«پس معاویه [در پاسخ] چنین نوشت: از معاویه بن ابی سفیان به علی بن ابی طالب. نامه اش به دستم رسید؛ تو در آن بسیار از ابراهیم، اسماعیل، آدم، نوح و پیامبران یاد کرده ای، و نیز از محمد ﷺ، خویشاوندی و منزلت خودتان با او، و حق خودت سخن گفته ای؛ و به خویشاوندی ات با محمد بسنده نکرده ای تا جایی که خود را به همه پیامبران منتسب دانسته ای!»  
در واقع، معاویه با این کلمات می خواهد پیوند قدسی امامت با نبوت را انکار کند. او در ادامه می گوید:

«أَلَا وَ إِنَّمَا كَانَ مُحَمَّدٌ رَسُولًا مِنَ الرُّسُلِ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً، فَبَلَّغَ رِسَالَاتِ رَبِّهِ، لَا يَمْلِكُ شَيْئًا غَيْرَهُ.»

«آگاه باش که محمد تنها فرستاده ای از میان فرستادگان خدا به سوی همه مردم بود؛ او رسالت های پروردگارش را ابلاغ کرد و [پس از آن] مالک و صاحب اختیار چیز دیگری [مانند حکومت یا مقام فراتاریخی برای خاندانش] نبود.»

معاویه با این سخن، پیامبر را در حد یک مأمور ابلاغ صرف پایین می کشد تا بگوید دین رسول الله کاری به سیاست و حکومت بعد از او ندارد. او حتی حضرت را متهم به غلو می کند و می نویسد:

«أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ ذَكَرَ قَوْمًا جَعَلُوا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْجَنَّةِ نَسْبًا، وَ قَدْ خِفْتُ عَلَيْكَ أَنْ تُضَارِعَهُمْ.»

«بدان که خداوند از گروهی یاد کرده که میان او و جَنیان خویشاوندی قائل شدند، و من بر تو بیمناکم که شبیه به آنان شوی [که برای خود مقامات فوق العاده قائل می شوی]!»

سپس معاویه سفره مشروعیتِ ساختگیِ خود را پهن می‌کند و می‌گوید  
 ملاک، خلفای قبلی هستند که تو هم به آن‌ها تن دادی:  
 «أَلَا وَإِنَّمَا تَقْتَدِي بِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا مِنَ الْأَئِمَّةِ وَالْخُلَفَاءِ الَّذِينَ أَقْتَدَيْتَ  
 بِهِمْ فَكُنْتَ كَمَنْ اخْتَارَ وَرَضِيَ، وَلَسْنَا مِنْكُمْ.»

«بدان که ما تنها به پیشوایان و خلفای پیش از خود اقتدا می‌کنیم؛  
 همان کسانی که تو نیز [در ظاهر] به آنان اقتدا کردی و مانند کسی  
 بودی که آنان را برگزید و [به کارشان] راضی شد، در حالی که ما از شما  
 [خاندان] نیستیم.»

و در نهایت، برگ برنده و ابزارِ مظلوم‌نماییِ خود را که همان «پروژه  
 خون خواهی عثمان» است، رو می‌کند:

«قُتِلَ خَلِيفَتُنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانَ، وَقَالَ اللَّهُ: «وَمَنْ قُتِلَ  
 مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا»؛ فَتَحْنُ أَوْلَى بِعُثْمَانَ وَذُرِّيَّتِهِ، وَأَنْتُمْ  
 أَحَدٌ نُمُوهُ عَلَى رِضَى مِنْ أَنْفُسِكُمْ جَعَلْتُمُوهُ خَلِيفَةً وَسَمِعْتُمْ لَهُ وَأَطَعْتُمْ.»  
 «خلیفه ما، امیرالمؤمنین عثمان بن عفان، مظلومانه کشته شد و  
 خداوند فرموده است: "و هر کس مظلومانه کشته شود، قطعاً برای ولی  
 او تسلط و حق قصاص قرار داده ایم؛" پس ما به [خون خواهی] عثمان و  
 فرزندان‌ش سزاوارتریم؛ در حالی که شما [مردم] حکومت را با رضایت خود  
 به دست گرفتید و او (علی) را خلیفه کردید و از او شنیدید و اطاعت  
 کردید [اما خون عثمان را پایمال نمودید].»<sup>۱</sup>

بینید دشمن چگونه از یک آیه قرآن برای راه اندازی یک «نار شیطانی»  
 و بسیج باطل استفاده می‌کند تا در برابر امام حق بایستد!

۱. الغارات (ط - القدیمة)، ج ۱، ص ۱۲۱

## ۳. تحلیل سیاست مکارانه معاویه در ماجرای قتل عثمان برای رسیدن به حکومت

وقتی تاریخ را ورق می‌زنیم و رفتار سیاسی معاویه را در ماجرای قتل عثمان بررسی می‌کنیم، به عمق تزویر و نفاقِ تفکر اموی پی می‌بریم. عثمان در ایام محاصره خانه‌اش، بارها و بارها به صورت کتبی از معاویه که حاکم مقتدرِ شام بود، درخواست کمک فوری کرد. معاویه به دلیل نفوذ بالایی که در خاندان بنی امیه داشت و از امکانات نظامی وسیعی برخوردار بود، می‌توانست به راحتی محاصره را بشکند. او در پاسخ به یکی از این درخواست‌ها، پیکی فرستاد و دوازده هزار نیروی نظامی کارآموده را از دمشق خارج کرد؛ اما به فرمانده آنان دستور عجیبی داد! معاویه به سپاهیان‌ش توصیه کرد که در مرزهای شام و بیرون از شهر بمانند و منتظر فرمان بعدی باشند. این سپاه مجهز تا زمان کشته شدن عثمان، هیچ اقدام عملی برای نجات او انجام نداد و عملاً اجازه داد تا عثمان کشته شود.

سؤال اینجاست که چرا معاویه چنین رویکرد خائنانه‌ای را در پیش گرفت؟ تحلیل‌گران تاریخ سیاسی معتقدند که معاویه ترجیح می‌داد عثمان کشته شود تا او بتواند با بهانه و پیراهن خون‌خواهی عثمان، حکومت تمام ممالک اسلامی را قبضه کند. اگر معاویه عثمان را نجات می‌داد، عثمان همچنان خلیفه باقی می‌ماند و معاویه نیز تنها به عنوان یک استاندار و والی در شام محصور می‌شد. اما با مرگ عثمان، او می‌توانست احساسات مذهبی و قومی مردم را تحریک کند و خود را به عنوان «ولی دم» معرفی نماید. از سوی دیگر، معاویه با آینده‌نگری شیطانی خود نمی‌خواست به عنوان کسی شناخته شود که در برابر صحابه بزرگ پیامبر و معترضین مدینه ایستاده است؛ او منتظر ماند تا عثمان از پا درآید و آن‌گاه با دستی

باز، تمام مخالفان سیاسی خود، به ویژه امیرالمؤمنین علیه السلام را به عنوان قاتلان خلیفه معرفی کند و به اهداف پنهان حاکمیتی خود برسد.

این ادبیات معاویه چقدر شبیه به بیانیه‌ها و قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی و قدرت‌های استکباری در جهان امروز است! امروز نیز جبهه باطل برای ضربه زدن به نظام اسلامی و جبهه حق، از همین تکنیک «ثار شیطانی» یعنی مظلوم‌نمایی و استفاده ابزاری از حقوق انسان‌ها بهره می‌برد.

نگاه کنید که چگونه دولت‌های غربی که خود بزرگ‌ترین تولیدکنندگان سلاح‌های کشتار جمعی و بانیان جنگ‌های ویرانگر در خاورمیانه هستند، تحت عنوان حقوق بشر و دفاع از دموکراسی، ملت‌های مستقل را تحریم و محاصره اقتصادی می‌کنند. آن‌ها با برجسته کردن حوادث فرعی یا ساخته و پرداخته خودشان، پیراهن عثمانی جدید می‌دوزند تا افکار عمومی جهان را علیه کانون‌های مقاومت بسیج کنند دقیقاً مانند کاری که در هلوکاست کردند. این دقیقاً همان روش معاویه در تمسک به آیه قرآن برای توجیه جنگ صفین است. جبهه باطل امروز با همین مدل، جنایات آشکار خود در حق کودکان غزه را به عنوان «حق دفاع از خود» تئوریزه می‌کند، در حالی که مبارزه مشروع جوانان مجاهد برای آزادی و وطنشان را تروریسم می‌نامد.

آن‌ها با ایجاد یک نظام حقوقی بین‌المللی ساختگی، تلاش می‌کنند تا برای خود مشروعیت خریده و حرکت‌های اصیل ایمانی را به نام قانون شکنی سرکوب کنند.

## ﴿﴾ پاسخ قاطع امیرالمؤمنین علیه السلام به شبهات اموی در باره نفی

### امامت و حاکمیت دین

امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخی به نامه معاویه، خطِ بطلانی بر تمام شبهات، مغالطات و تفکرات انحرافی اموی کشیدند. حضرت در ابتدای

پاسخ خود، به سرزنش معاویه درباره یادکردن از پیامبران الهی این گونه پاسخ می دهند:

«أَمَّا الَّذِي عَيَّرْتَنِي بِهِ يَا مُعَاوِيَةَ مِنْ كِتَابِي وَكَثْرَةَ ذِكْرِ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ النَّبِيِّينَ، فَإِنَّهُ مَنْ أَحَبَّ آبَاءَهُ أَكْثَرَ ذِكْرَهُمْ، فَذَكَرَهُمْ حُبُّ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ، وَ أَنَا أُعَيِّرُكَ بِبُغْضِهِمْ فَإِنَّ بُغْضَهُمْ بُغْضُ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ، وَ أَنَا أُعَيِّرُكَ بِحُبِّكَ آبَاءَكَ وَ كَثْرَةَ ذِكْرِهِمْ فَإِنَّ حُبَّهُمْ كُفْرٌ.»

«اما ای معاویه! درباره اینکه مرا به خاطر نامه‌ام و زیاد یاد کردن از پدرانم ابراهیم، اسماعیل و پیامبران سرزنش کردی؛ [بدان که] هر کس پدرانش را دوست بدارد، فراوان از آنان یاد می‌کند؛ چرا که یاد کردن از آنان، همان دوستی خدا و رسول اوست. در مقابل، من تو را به خاطر بغض و کینه‌ای که از آنان داری سرزنش می‌کنم، چرا که دشمنی با آنان، دشمنی با خدا و رسول اوست؛ و تو را سرزنش می‌کنم به خاطر دوست داشتن پدران [مشرک] خودت و زیاد یاد کردن از آن‌ها، چرا که دوست داشتن آنان کفر است!»

سپس حضرت به صراحت، ریشه انکار مقامات اهل بیت توسط معاویه را کفر او معرفی می‌کنند:

«وَ أَمَّا الَّذِي أَنْكَرْتَ مِنْ نَسَبِي مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ قَرَابَتِي مِنْ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ فَضْلِي وَ حَقِّي وَ مُلْكِي وَ إِمَامَتِي، فَإِنَّكَ لَمْ تَزَلْ مُنْكَرًا لِدَلِكْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ قَلْبُكَ، أَلَا وَ إِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ كَذَلِكَ لَا يُحِبُّنَا كَافِرٌ وَ لَا يُبْغِضُنَا مُؤْمِنٌ.»

«و اما آنچه از پیوند نسبی من با ابراهیم و اسماعیل، و خویشاوندی ام با محمد ﷺ، و فضیلت، حق، حاکمیت و امامت من انکار کردی؛ تو همیشه منکر این حقایق بوده‌ای و هرگز قلبت به آن ایمان نداشته است!

آگاه باش که ما اهل بیت این گونه ایم که هیچ کافری ما را دوست نمی دارد و هیچ مؤمنی کینه ما را به دل نمی گیرد.»

امیرالمؤمنین علیه السلام در ادامه، به آیات قرآن استشهاد می کنند تا ثابت کنند حاکمیت و ملک عظیم، حق الهی خاندان پیامبر است:

«وَالَّذِي أَنْكَرْتُمْ مِنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» فَأَنْكَرْتُمْ أَنْ يَكُونَ فِينَا،»

«و اما اینکه سخن خداوند عزوجل را که می فرماید: "به یقین ما به خاندان ابراهیم، کتاب و حکمت دادیم و به آنان فرمانروایی بزرگی بخشیدیم" انکار کردی و نپذیرفتی که این مقام در میان ما [اهل بیت] باشد؛»

«فَقَدْ قَالَ اللَّهُ: «التَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» وَ نَحْنُ أَوْلَىٰ بِهِ.»

«[بدان که] خداوند [در آیه ای دیگر] فرموده است: "پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر (صاحب اختیارتر) است و همسران او مادران ایشانند، و خویشاوندان در کتاب خدا برخی از آنان به برخی دیگر سزاوارترند؛ و ما به پیامبر سزاوارتریم.»

در نهایت، امام علیه السلام مغالطه اصلی معاویه مبنی بر جدایی مقام رسالت

از حکومت را در هم می شکنند:

«وَالَّذِي أَنْكَرْتُمْ مِنْهُ مِنْ إِمَامَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زَعَمْتَ أَنَّهُ كَانَ رَسُولًا وَلَمْ يَكُنْ إِمَامًا؛ فَإِنَّ إِنْكَارَكَ ذَلِكَ عَلَىٰ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ الْأَيْمَةِ، وَ لَكِنَّا نَشْهَدُ أَنَّهُ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا إِمَامًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.»

«و اما آن مقدار که از امامت [حضرت] محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انکار کردی و گمان بردی که او تنها فرستاده و رسول بود و امام نبود، یعنی حکومت بر عهده او نبود؛ این انکار تو، در واقع انکار [مقامات] همه پیامبرانی است که دارای مقام امامت نیز بوده اند؛ ولی ما شهادت می دهیم که او هم رسول، هم نبی و هم امام بود.»

بنابراین، مبنای تفکر علوی این است که دین و سیاست از هم تفکیک ناپذیرند و حکومت، حَقِّ مشروع رسول خدا و جانشینانِ برحقِ اوست.

پاسخ‌های مبنایی، محکم و راهبردی امیرالمؤمنین علیه السلام به ما این درس بزرگ را می‌آموزد که در فضای پیچیده و پرشبهه امروز جامعه نیز هرگز نباید در برابر حجمه‌های فکری، عقیدتی و رسانه‌ای دشمن منفعل، ساکت و پنهان باشیم. امروز جریان روشنفکری بیمار، کانون‌های تفکر غربی و رسانه‌های معاند شبانه‌روز با پمپاژ شبهات گوناگون در فضای مجازی، اتاق‌های فکر کلاب‌هاوس، کانال‌های تلگرامی و شبکه‌های ماهواره‌ای تلاش می‌کنند تا مشروعیت الهی ولایت فقیه، نظام اسلامی و حاکمیت دینی را زیر سؤال ببرند. آن‌ها با همان ادبیات معاویه صفت، مدام ادعا می‌کنند که دین نباید در ساختارهای کلان اقتصادی، تصمیم‌گیری‌های سیاسی و مناسبات اجتماعی دخالت کند و جایگاه دین صرفاً امور شخصی است. فریضه قطعی و فوری «جهاد تبیین» که رهبر شهید انقلاب بارها بر آن تأکید کرده‌اند، دقیقاً از جنس همین پاسخ‌های روشنگرانه، مستدل و شجاعانه امیرالمؤمنین علیه السلام در برابر معاویه است.

## ❖ تفکر سکولار اموی و برجسب عدم کارآمدی به دین داران در اداره جامعه

اگر بخواهیم ریشه‌ای‌ترین تفکری که امام حسین علیه السلام را به مسلخ کربلا کشاند تحلیل کنیم، باید به اندیشه شیطانی «تفکیک دین از سیاست و منزوی کردن احکام الهی» اشاره کنیم. این همان ایده سکولار اموی بود که تبلیغ می‌کرد وظیفه امام و دین داران، صرفاً نماز خواندن، خطبه گفتن و مسائل عبادی محض است و دین نباید هیچ دخالتی در حاکمیت، سیاست و مسائل کلان جامعه داشته باشد و یک فرد دینی مانند

امام حسین نباید با رفتارهای حاکمی مثل یزید داشته باشد. شاخصه بسیار خطرناکِ دیگر این جریان باطل، عملیات روانی و منزوی کردنِ جبهه حق از طریق زدنِ برجسبِ «عدم کارآمدی و ناتوانی در اداره جامعه» به دین داران راستین و فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام بود. تاریخ شاهد است هنگامی که امام حسین علیه السلام در مکه حضور داشتند، نامه‌هایی را به بزرگان بصره فرستادند و آنان را به کتاب خدا، احیای سنت پیامبر و مبارزه با بدعت‌ها دعوت کردند. یکی از این افراد، أحنف بن قیس بود. او به جای اینکه لبیک بگوید، نامه امام را پنهان کرد و در نامه‌ای، امام را به صبر و سکوت دعوت نمود! فاجعه‌بارتر اینکه او در میان مردم شروع به تبلیغات منفی علیه خاندان علی علیه السلام کرد و گفت:

«قَدْ جَرَّئْنَا آلَ أَبِي الْحَسَنِ - أَيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فَلَمْ نَجِدْ عِنْدَهُمْ أَيْلَةَ لِلْمُلْكِ وَلَا جَمْعًا لِلْمَالِ وَلَا مَكِيدَةً فِي الْحَرْبِ»<sup>۱</sup>

«ما فرزندان ابوالحسن [یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام] را آزموده‌ایم؛ پس در نزد آنان نه توان تدبیر حکومت یافتیم، نه [هنر] ثروت‌اندوزی و نه مکر و خدعه‌ای در جنگ.»

بینید تفکر اموی چگونه در ذهن نخبگان جامعه رسوخ کرده بود! آن‌ها تقوا، عدالت، عدم غارت بیت‌المال و پایبندی امام به اخلاق در جنگ را به عنوان «عدم توانایی در تدبیر و حاکمیت» تعبیر می‌کردند. همین أحنف بن قیس با این تفکر انحرافی، بعدها با عبدالله بن زبیر جاه‌طلب همراه شد و در سرکوب و کشتن مختار ثقفی مشارکت کرد و سرانجام در سال ۶۷ هجری در ضلالت مرد. شاخصه اساسی جریان باطل در طول تاریخ این است که به مردم القا کند دین توانایی اداره جامعه را ندارد

۱. عیون الأخبار لابن قتیبة، ج ۱، ص ۲۱۱

و شیعیان علی علیه السلام در امر حاکمیت ناتوانند، تا از این طریق مردم را از گرد امام حق پراکنده کنند.

این ادعای تکراری و باطلِ احنف بن قیس که خاندان علی علیه السلام توانایی تدبیر حاکمیت، اقتصاد و هنر جنگ را ندارند، دقیقاً همان گزاره و دستاویزی است که امروز جریانات تکنوکرات، غرب زده ها و نفوذی های فکری در داخل و خارج کشور با بوق و کرنا تکرار می کنند! آن ها مدام در گوش جامعه زمزمه می کنند که تفکر انقلابی، نگاه جهادی و مدیریت دینی، هنر اداره کلان اقتصاد، تعامل سازنده بین المللی و توسعه مدرن را ندارد و برای چرخاندن چرخ زندگی مردم، چاره ای جز تسلیم در برابر هضم شدن در نظم جهانی غربی و پذیرش کدهای فکری آنان نداریم! دشمن امروزه با ضریب دادن به برخی ضعف های اجرایی، بزرگ نمایی مشکلات معیشتی و سوء مدیریت های احتمالی پاره ای از مسئولان، اصل کارآمدی تفکر اسلامی و ولایی را هدف گرفته است. خط تبلیغاتی و جنگ روانی بنی امیه امروز در قالب این گزاره فریبنده باز تولید شده که «دین داران مدیریت بلد نیستند»، در حالی که حقیقت آن است که تقوای سیاسی، طهارت اقتصادی و پایبندی جبهه حق به عدالت، مانع از باج دادن به بیگانگان، مکر و خدعه های کثیف دیپلماتیک و غارت اموال عمومی می شود، نه اینکه قدرت تدبیر، خلاقیت و مدیریت جامعه را نداشته باشند.

## 🔴 انقلاب اسلامی ایران به عنوان گامی عملی در مسیر خون خواهی سیدالشهداء

در دوران معاصر، تفکر استعماری و مدرن غرب، همان ایده سکولار بنی امیه یعنی جدایی دین از سیاست و ناتوانی دین داران در اداره جامعه را با شدتی بیشتر ترویج می کرد. اما در سال ۱۳۵۷، امام خمینی رحمته الله علیه محکم و استوار در

برابر این جریان باطل ایستاد و با تکیه بر مکتب عاشورا و تشکیل جمهوری اسلامی ایران، یکی از عینی‌ترین و بزرگ‌ترین مراحل فرآیند خون خواهی سیدالشهداء علیه السلام را رقم زد. انقلاب اسلامی به افسانه سکولاریسم پایان داد و به دنیا ثابت کرد که تفکر و حکومت علوی نه تنها می‌تواند کارآمد باشد، بلکه قادر است در برابر تمام ابرقدرت‌های شرق و غرب، با قدرت و اقتدار بایستد، طاغوت را سرنگون کند و ساختاری بر مبنای عدالت بنا کند.

انقلاب اسلامی با این هدف بنیادین شکل گرفت که تفکر انحرافی جدایی دین از سیاست را از بین ببرد و نشان دهد که اسلام برای هدایت تمام ابعاد زندگی انسان، برنامه‌ای جامع دارد. در همین راستا، حرکاتی مانند قیام ابا عبدالله الحسین علیه السلام نیز ماهیتی کاملاً سیاسی و فراتر از یک عزاداری صرف داشت که هدف آن، احیای امر دین، اصلاح امت جدشان و به خدمت گرفتن حاکمیت برای اداره صحیح امور مردم و عبور از ولایت طاغوت بود؛ همان‌طور که امام خمینی علیه السلام با احیای نظام ولایت فقیه، گره کور مدیریت جامعه در دوران غیبت را گشود تا کشور در چالش‌های چهل و پنج سال گذشته استوار بماند. در منظومه دین، سیاست و اداره دنیا از آخرت تفکیک ناپذیرند و به همین دلیل، امام صادق علیه السلام در مقبوله عمر بن حنظله صراحتاً مراجعه به حاکمان مادی و غیرالهی را نهی کرده و می‌فرماید: «مَنْ تَحَاكَمَ إِلَيْهِمْ، فِي حَقِّ أَوْ بَاطِلٍ، فَإِنَّمَا تَحَاكَمَ إِلَى الطَّاغُوتِ وَمَا يُحْكَمُ لَهُ، فَإِنَّمَا يَأْخُذُهُ سُخْتًا وَإِنْ كَانَ حَقًّا ثَابِتًا لَهُ»<sup>۱</sup> یعنی «هر کس در حق یا باطل به آنان مراجعه کند، در حقیقت به طاغوت مراجعه کرده است؛ و آنچه طاغوت به نفع او حکم کند، به حرام (سُخت) دریافت داشته است، هرچند آن حق، برای او ثابت و مسلم باشد.»

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۳

این پیوند ناگسستنی میان دین و ساختار سیاسی جامعه تا جایی اهمیت دارد که طبق احادیث، پذیرش ولایت الهی بر تمام اعمال فردی انسان سایه می‌اندازد؛ چنان‌که در «روایت قدسی» پروردگار متعال می‌فرماید: «لَأُعَذِّبَنَّ كُلَّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ أَطَاعَتْ إِمَامًا جَائِرًا لَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَإِنْ كَانَتْ الرِّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا بَرَّةً تَقِيَّةً وَأَعْفُونَ عَنْ كُلِّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ أَطَاعَتْ إِمَامًا هَادِيًا مِنَ اللَّهِ وَإِنْ كَانَتْ الرِّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا ظَالِمَةً مُسِيئَةً»<sup>۱</sup> به این معنا که «قطعاً عذاب خواهم کرد هر شهروندی در اسلام را که از پیشوای ستمگری که از جانب خدا نیست اطاعت کند، هرچند آن شهروند در کارهای خود نیکوکار و بانقوا باشد؛ و قطعاً می‌بخشم هر شهروندی در اسلام را که از پیشوای هدایتگری از جانب خدا اطاعت کند، هرچند آن شهروند در کارهای خود خطاکار و بدکار باشد.» این متون به روشنی اثبات می‌کنند که دین و دنیا در اسلام به هم تنیده‌اند و عبادات فردی منهای حرکت در مسیر ولایت الهی و رهبری برحق، نمی‌تواند سعادت جامعه را تضمین کند.

با تأمل بر آیات قرآن کریم نیز به روشنی آشکار می‌شود که تفکر تفکیک دین از حاکمیت و تدبیر جامعه، با روح وحی در تضاد است و می‌توان شواهد قرآنی را در چهار دسته صورت‌بندی کرد که بطلان این اندیشه را اثبات می‌کنند؛ دسته اول، آیاتی است که نشان می‌دهد انبیاء به صورت عام دارای مأموریت حکومتی و لزوم اطاعت سیاسی بوده‌اند، مانند آیه «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ» (نساء/۶۴) یا «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأُنزِلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» (بقره/۲۱۳)؛ دسته دوم، به حکومت‌های خاص برخی پیامبران اشاره دارد، نظیر متممکن شدن حضرت یوسف؛ «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا

لِيُؤسَفَ فِي الْأَرْضِ يَدَّبُّوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ» (یوسف / ۵۶) و یا ملک و پادشاهی حضرت داوود که قرآن می فرماید: «وَأَتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ» (بقره / ۲۵۱)؛ دسته سوم، به تشکیل حاکمیت شخص پیامبر اکرم ﷺ و فرمان صریح و مکرر به اطاعت محض و تنفیذ قضاوت های ایشان اختصاص دارد، آنجا که می فرماید: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء / ۵۹) یا «فَلَا وَرَيْكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (سوره نساء / آیه ۶۵)؛ و در نهایت دسته چهارم، آیاتی است که حاوی دستورهای صریح اجتماعی، نظیر قوانین قضایی، جهاد، زکات و اقامه امر به معروف است که اجرای آن ها بدون داشتن قدرت سیاسی ممکن نیست، مثل آیه «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» (مائده / ۳۸). این شواهد منسجم قرآنی، هرگونه نظریه مبنی بر جدایی ساحت اداره دنیا از مسیر هدایت انبیاء را به طور کامل رد می کند.

بر همین اساس است، طبق تعبیر امام شهیدمان، «جوهره اصلی» در مکتب امام ره، رابطه ناگسستنی دین و دنیا است؛<sup>۱</sup> چرا که تفکیک دین از دنیا به معنای خالی کردن زندگی از معنویت و نابود کردن عدالت در جامعه خواهد بود. این نگاه دقیق، همان حقیقت «اسلام ناب محمدی ﷺ» است که در کلام امام ﷺ در برابر «اسلام آمریکایی» قد علم می کند؛ اسلامی اصیل و در صحنه که با هویتی جامع، از یک سو با «اسلام سکولار» که دین را به زاویه مساجد و احوال شخصی محدود می داند مبارزه می کند، و از سوی دیگر با «اسلام متحجر» که با کج فهمی و جمود، مانع از حضور پویای احکام دین در عرصه مدیریت نظام و زندگی مردم می شود، در ستیز است و بدین ترتیب، مسیر حقیقی سعادت دنیا و آخرت را پیش پای جامعه می گشاید.

۱. بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام ﷺ، ۱۳۸۴/۰۳/۱۴

بنابراین، امام خمینی علیه السلام با زنده کردن مأموریت اصلی کربلا در قالب یک ساختار سیاسی و حکومتی، در زمره بزرگ‌ترین خون‌خواهان سیدالشهداء قرار گرفت. ملت بزرگ ایران نیز با ایثار و قیام خود، مصداق آیه ۵۴ سوره مائده شدند که می‌فرماید:

«فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»

«پس به زودی خداوند قومی را می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند؛»

«أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ»

«در برابر مؤمنان فروتن و خاکسارند و در برابر کافران، سرسخت و بااقتدار؛»

«يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»

«در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت و سرزنش هیچ ملامت‌گری نمی‌هراسند.» (مائده/۵۴)

این مردم مبعوث شده، چه در به ثمر رساندن انقلاب ۵۷، چه در دفاع مقدس و چه امروز، در مسیر این خون‌خواهی مقدس هیچ کوتاهی نکردند. با این حال، امروز فرآیند خون‌خواهی همچنان با قوت ادامه دارد؛ چرا که آن تفکر اموی مبنی بر «جدایی دین از حاکمیت» و آیه یأس «ما نمی‌توانیم»، هنوز در بخش‌هایی از جهان و حتی در لایه‌هایی از افکار برخی در داخل کشور وجود دارد. خلف صالح امام راحل و امام شهید، امام سید مجتبی خامنه‌ای به عنوان ولی دم علیه السلام این پرچم خون‌خواهی را برافراشته نگه داشته‌اند تا ان شاء الله این پروژه تمدنی به دست قوم سلمان به ثمر نهایی و به ظهور منتقم اصلی متصل شود.

امروز عینی‌ترین، بزرگ‌ترین و درخشان‌ترین شاهد این کارآمدی، پیشرفت‌های شگرف، خیره‌کننده و همه‌جانبه‌ی جمهوری اسلامی

ایران در سخت‌ترین عرصه‌های علمی، فناوری نانو، سلول‌های بنیادی، صنعت صلح‌آمیز هسته‌ای، دانش هوافضا و دستاوردهای موشکی و دفاعی است؛ دستاوردهایی که تمام معادلات ژئوپلیتیک استکبار را برهم زده است. اگر تفکر دینی و انقلابی کارآمد نبود، چطور کشوری که تحت شدیدترین، بی‌سابقه‌ترین و ظالمانه‌ترین تحریم‌های اقتصادی تاریخ قرار دارد، توانسته نه تنها سرپا بماند، بلکه به قدرت اول و تعیین‌کننده منطقه تبدیل شود و عمق راهبردی خود را تا سواحل مدیترانه توسعه دهد؟ ملت ایران با شکل دهی به «جبهه مقاومت» حماسه‌ای خلق کرده که امروز به کابوس اصلی رژیم صهیونیستی و آمریکا تبدیل شده است. چالش امروز ما در این فرآیند خون‌خواهی، مبارزه با جریان نفوذ، خودکم‌بینی و وادادگی است که تلاش می‌کند ملت را به سمت خستگی، ناامیدی و انصراف از آرمان‌ها سوق دهد؛ اما این ملت غیور با هدایت‌های حکیمانه، دوراندیشانه و تبیین‌های مستمر مقام معظم رهبری، از این پیچ تاریخی حساس نیز با افتخار عبور خواهد کرد.

### ❖ نتیجه‌گیری و افق آینده در تقابل همیشگی جریان حق و باطل

با تحلیل و واکاوی دقیق این متون تاریخی و سیاسی، روشن می‌شود که تقابل میان جبهه حق و باطل، یک جنگ تمام‌نشده و مستمر در طول تاریخ است و کربلا، قله و مظهر ابدی این تقابل است. امروز امتداد جریان مقابل سیدالشهداء با همان ابزارها، همان تزویرها و با همان برجسب‌های ناتوانی به دین‌داران، در میدان حضور دارد. از این رو، وظیفه ما به عنوان جان‌فدایان، فراتر از گریه بر مصائب، مجهز شدن به بصیرت، شناخت شاخصه‌های باطل و مجاهدت در مسیر فرآیند خون‌خواهی است. ما باید بدانیم در کدام جبهه ایستاده‌ایم و چگونه می‌توانیم با تقویت کارآمدی

حاکمیت دینی، تفکر سکولار اموی را شکست دهیم. ان شاء الله در جلسات آینده، ابعاد و شاخصه های دیگری از این جریان مقابل و وظایف خودمان را در فرآیند خون خواهی مطرح خواهیم کرد تا با معرفتی عمیق تر، قدم در راه نصرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه بگذاریم.

### 🔴 گریز به روضه حضرت عبدالله بن حسن علیه السلام

امشب، شب پنجم محرم، منسوب به یادگار مظلوم امام مجتبی، یعنی وجود مقدس حضرت عبدالله بن حسن علیه السلام است. وقتی از شجاعت تربیت یافتگان مکتب امام مجتبی علیه السلام سخن می‌گوییم، باید نگاهی به این کودک بیندازیم که چگونه دفاع از ولی خدا را در اوج غربت کربلا معنا کرد. وقتی امام حسین علیه السلام در میان گودال قتلگاه، تنها و بی‌یاور ماند و صدای «هل من ناصر» حضرت بلند شد، این کودک دلاور دیگر طاقت نیاورد. او در روی تل زینیه، دستش در دست عمه اش زینب علیه السلام بود. یک باره دست خود را از دست عمه رها کرد و فریاد زد: «والله لأفارق عمی»؛ به خدا قسم هرگز از عموم جدا نخواهم شد! دوان دوان، با همان قدم های کودک اش، خود را به گودال قتلگاه رساند. وقتی دید شمشیر ابجر بن کعب به سمت امام حسین علیه السلام فرود می‌آید، نه سپری داشت تا از عمو جاننش دفاع کند، نه شمشیر و نیزه ای داشت نه زره و خودی داشت.... دست نحیف خود را سپر جان عمو کرد... شمشیر فرود آمد و دست به پوست آویزان گشت... فریاد زد: «یا اُمّاه! یا عَمّاه!»... امام حسین علیه السلام او را به سینه چسبانید و فرمود: «ای فرزند برادرم! بر این مصیبت صبر کن...» در همین حال که عبدالله در آغوش عمو بود، حرمله بن کاهل اسدی، تیری به سوی این نازدانه رها کرد... او را در آغوش عمو غریبش به شهادت رساند... *اللعنة الله على القوم الظالمين.*



منزل ششم

عزاداری فعال،

موتور محرک بعثت

مردمی و خونخواهی

سیدالشهدا برای

برپایی عدالت





بسم الله الرحمن الرحيم. در روایات ما تاکید شده است که مؤمنان در این روزها وقتی به یکدیگر می‌رسند، مصیبت حضرت را این‌گونه به هم تسلیت بگویند؛ همان‌طور که امام باقر علیه السلام فرمودند این‌طور بگویند و ما ان شاء الله این‌طور به هم تعزیت می‌دهیم که

«عَظَّمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»

عرض کردیم عزای سیدالشهدا علیه السلام صرفاً محفلی برای فرو ریختن اشک‌های منفعلانه نیست. فعالانه، عزاداران را به خونخواهی سیدالشهداء و تحقق خون‌بهای ایشان می‌کشاند. ما در زیارت عاشورا از خداوند توفیق طلب‌نار را می‌خواهیم؛ این یعنی عزاداری ما باید جهت‌دار و تمدن‌ساز باشد. عرض کردیم تحقق این خون‌بها که همان اقامه قسط در عالم است، نیازمند یک بعثت مردمی است. تا آحاد مردم بیدار نشوند و بر علیه طواغیت قیام نکنند، عدالت جهانی محقق نمی‌شود. در این میان، خونخواهی سیدالشهداء موتور محرکی است که این بعثت را رقم می‌زند و آن را مستمر می‌گرداند. این حرارت عاشورا و عزای سیدالشهداء است که در طول تاریخ، ملت‌ها را از سستی و تن‌دادن به ظلم نجات داده و به حرکت واداشته است.

فرآیند خونخواهی سیدالشهداء در جریان است، چراکه امتداد جریان مقابل ایشان در سال ۶۱ هجری، امروز نیز هست. امروز هم جبهه باطل با تمام قوا در برابر حق صف‌آرایی کرده است. تمدن غرب امروز قطعاً و یقیناً امتداد آن جریان است. همان‌طور که در عصر عاشورا جریان اموی به دنبال حذف دین بود، امروز نیز تمدن استکباری غرب همان مسیر را دنبال می‌کند. آن جریان دم از جدایی دین از سیاست می‌زد و به دنبال گرفتن حکومت از ولی خدا بود تا دین را به یک امر فردی و بی‌خاصیت تبدیل کند؛ آن جریان به دنبال آزار شیعیان بود و امروز نیز امتداد آن جریان دقیقاً همین شعارها را دارد. امروز هم غرب با تمام ابزارهای رسانه‌ای، اقتصادی و نظامی خود به دنبال حذف حاکمیت دین، انزوای مومنان و تحت فشار قرار دادن جریان حق است. بنابراین، هر کس امروز در برابر تفکر استکباری غرب بایستد، در واقع در مسیر خونخواهی اباعبدالله الحسین علیه السلام گام برداشته است و منبر محرم، میدان تبیین همین نبرد مستمر و بیدارگر است.

## ❖ نقش رهبران انقلاب اسلامی در احیای حاکمیت دینی و شکستن انحصار تمدن غرب

در مسیر این بعثت بزرگ و فرآیند پیچیده خونخواهی، خداوند متعال مردانی الهی را مبعوث کرد تا مسیر حق را در عصر جاهلیت مدرن باز کنند. امام خمینی علیه السلام از بزرگ‌ترین خونخواهان سیدالشهداء بود. ایشان با تکیه بر فرهنگ عاشورا، هیمنه طواغیت را در هم شکست. ایشان حضور غرب را از حاکمیت ایران دور ریخت و حاکمیت الهی بنا نهاد؛ دقیقاً همان هدفی که سیدالشهداء در عالم به دنبال آن بودند! امام راحل اثبات کرد که اسلام انزواطلب نیست، بلکه دین حاکمیت و اداره جامعه است. پس از ایشان، پرچم این حرکت عظیم به دوش علمداری دیگر قرار گرفت. امام شهید علیه السلام نیز با تثبیت جمهوری اسلامی و شکل دهی به جبهه مقاومت

و توسعه آن به منطقه، گام بسیار مهمی را در پروژه خونخواهی سیدالشهداء برداشتند. ایشان توانست حلقه‌های مقاومت را از ایران تا شامات و یمن متصل کند. خون‌بهای سیدالشهداء، اقامه قسط و ازاله طاغوت در عالم بود و امام شهید با پیگیری این پروژه در منطقه، در حال زمینه‌سازی ظهور برای تحقق خون‌بهای سیدالشهداء بودند. ثمره این نگاه راهبردی را امروز در فروپاشی هیمنه نظامی و امنیتی جبهه استکبار می‌بینیم؛ جایی که سنگ‌های انتفاضه دیروز، امروز به موشک‌های نقطه‌زن و پهپادهای تهاجمی جبهه مقاومت تبدیل شده و عمق اراضی اشغالی را ناامن ساخته است. نابودی شجره خبیثه داعش که با سرمایه‌گذاری تریلیون دلاری سرویس‌های جاسوسی غربی برای بدنام کردن اسلام و به حاشیه راندن آرمان فلسطین ایجاد شده بود، یکی از بزرگ‌ترین گام‌های عملی در ازاله طاغوت منطقه‌ای بود.

از مهم‌ترین درگیری‌های امام شهید در طول عمر شریفشان، مبارزه با همان اندیشه‌ای بود که ادعای کرد حکومت دینی توان خلق جامعه قوی ندارد! جریان‌های غرب‌زده و رسانه‌های معاند دائم در جامعه ما پمپاژ می‌کردند که «شمانمی‌توانید!» و باید در برابر غرب تسلیم شوید؛ در مقابل، آن امام شهید دائماً در جلسات متعدد با دانشجویان، جوانان، نخبگان و عموم مردم از توانایی‌های ملت ایران صحبت به میان می‌آوردند و روح خودباوری را در کالبد جامعه می‌دمیدند. ثمره این اعتماد به خدا و توان داخلی چه شد؟ پیشرفت‌های کشور در نانو، موشکی، پزشکی، رشد علمی و... نشان‌دهنده توانایی حکومت دینی در خلق جامعه دارای رفاه و توانا است. ما با اتکا به همین تفکر توانستیم تحریم‌ها را بی‌اثر کنیم. امروز نیز جلوه‌های درخشان این توانمندی را در عملیات‌های مقتدرانه «وعده صادق» مشاهده کردیم. در شرایطی که پیشرفته‌ترین پدافندهای

چند لایه غربی و صهیونیستی (از گنبد آهنین تا فلاخن داوود) در آمادگی صد درصدی بودند، موشک‌های ساخت جوانان مومن و انقلابی این مرز و بوم، از لایه‌های ضخیم پدافندی دشمن عبور کردند و اهداف راهبردی را در هم کوبیدند. این دستاورد بزرگ نظامی، که در اوج تحریم‌های همه‌جانبه به دست آمد، اثبات کرد که تفکر انقلابی و دینی نه تنها بن‌بستی ندارد، بلکه قادر است موازنه قدرت جهانی را به نفع مستضعفان تغییر دهد؛ نمونه دیگر در ایام کرونا و بحران‌های اقتصادی غرب، دنیا شاهد غارت فروشگاه‌ها، دزدی ماسک بین کشورهای اروپایی و رها شدن سالمندان در خانه‌های سالمندان غربی بود، جامعه ایران با هدایت رهبری شهید و الگوی بسیج مردمی، حماسه‌ای از مواسات و همدلی را به نمایش گذاشت و جزو معدود کشورهای تولید کننده واکسن قرار گرفت.

## ❖ زنده بودن خون شهید و برانگیختگی جامعه برای رسالت بزرگ زمینه‌سازی ظهور

مجاهدت‌های این مردان الهی، لرزه بر اندام استکبار انداخت. تمام تلاش امام شهید، اخراج سخت‌افزاری و نرم‌افزاری این تمدن منحط (که امتداد بنی‌امیه است) از کشور و منطقه بوده است. او می‌خواست ریشه سلطه غرب را برکند.

در همین مسیر بود که جبهه باطل، کینه خود را آشکار کرد و خون امام شهید و خانواده ایشان، عاشوراگونه در این مسیر ریخته شد. اما دشمن احمق معنای شهادت را نمی‌فهمد. خون امام شهید در مسیر خونخواهی سیدالشهداء ریخته شد و خون ایشان نیز مانند حضرت، «ثار» شد؛ یعنی خونی الهی که بر زمین نمی‌ماند. خون به ناحق ریخته شده‌ای که هنوز خونخواهی نشده است و خونخواهی ایشان، دقیقاً خونخواهی سیدالشهداء است، چراکه ایشان در طول عمر شریف خود به دنبال این

هدف بودند. سنت پروردگار این است که خون اگر ثار باشد، بعثت رقم می‌زند؛ همان طور که بعد از سیدالشهداء قیام‌های متعددی شکل گرفت و شیعه را مبعوث گرداند و هنوز این برانگیختگی شیعیان ادامه دارد. دشمن خیال کرد با ترور، کار تمام می‌شود اما خون امام شهید بر زمین ریخته نشد، بلکه در رگ‌های مردم جاری شد و در میان مردم ما بعثت رقم زد؛ ایده رهبر و هدف او امروز در پیش روی مردم قرار دارد! او هرگز از میان ما نرفته است. آقا امروز زنده است و مصداق آیه شریفه است که:

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا» و هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند، ﴿بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ﴾  
 بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. (سوره آل عمران، آیه ۱۶۹)

بنابراین، ایشان زنده در میان مردم و در روح و جان آن‌ها حاضر است. شهادت او مایه تکان خوردن جهان اسلام شد. در پی شهادت ایشان مردم مبعوث شدند و در پی هر بعثتی، یک رسالتی است! نگاهی به تاریخ انبیا بیندازید؛ هر پیامبری که مبعوث می‌شد، رسالت پیدا می‌کرد و اکنون مردم مبعوث شده ما رسالت دارند؛ و آن رسالت، خونخواهی امام شهید است تا با آن، گام بزرگی در زمینه‌سازی ظهور بردارند! ما باید بدانیم که گوشه‌نشینی روا نیست. اقامه حق و ازاله باطل در منطقه، گام قبلی ظهور است تا در نهایت، در تمام عالم اقامه قسط رقم بخورد.

## 🔴 جریان‌شناسی قرآنی و روایی قومی که پیش از ظهور برای یاری خون امام حسین برمی‌خیزند

در روایات به بعثت مردم در پیش از ظهور اشاره شده است که این بعثت منجر به ظهور خواهد شد و زمین را برای حکومت عدل مهدوی آماده

می‌کند. یکی از روایات در این باره، تفسیر آیات سوره اسراء از زبان امام صادق علیه السلام است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ»

از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند متعال روایت شده است که: "و در کتاب [تورات] به بنی اسرائیل اعلام کردیم که قطعاً دو بار در زمین فساد خواهید کرد...؛ قَالَ: قَتَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَ طَعَنَ الْحَسَنَ عليه السلام. امام فرمودند: [مرتبۀ اول] به شهادت رساندن علی بن ابی طالب علیه السلام و [مرتبۀ دوم] خنجر زدن به [امام] حسن علیه السلام است. سپس آیه شریفه می‌فرماید: «وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا»

"و به سرکشی و طغیان بزرگی دست خواهید زد؛ قَالَ: قَتَلَ الْحُسَيْنَ عليه السلام. امام فرمودند: مقصود از این سرکشی بزرگ، به شهادت رساندن امام حسین علیه السلام است.

سنت الهی برای پاسخ به این ظلم بزرگ چیست؟ قرآن می‌فرماید:

«فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا»

"پس هنگامی که وعده [نخستین] آن دو فرارسد...؛ فَإِذَا جَاءَ نَصْرُ دَمِ الْحُسَيْنِ عليه السلام:"

که امام در تفسیر آن فرمودند: یعنی هنگامی که زمان یاری و خون خواهی خون حسین علیه السلام فرارسد: «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ»

"...بندگانمان از خود را که سخت نیرومند و جنگاورند بر ضد شما برمی‌انگیزیم، تا درون خانه‌ها را [به دنبال شما] جست‌وجو کنند [و شما را به سزا برسانند]"

این آیات تکان دهنده است! پیش از ظهور، «نصر دم الحسین» می‌آید که بعد از آن، یک قومی مبعوث می‌شوند. آنها کسانی هستند که آرامش را از چشم طواغیت می‌گیرند. رسالت این قوم مبعوث شده هم دقیقاً خونخواهی است! خونخواهی خون پایمال شده آل محمد که قرن‌هاست فریاد مظلومیتشان بلند است:

«قَوْمٌ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ ﷺ»

امام فرمودند: آنان گروهی هستند که خداوند پیش از قیام قائم ﷺ برمی‌انگیزد، فَلَا يَدْعُونَ وَتِرًا لِأَلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا قَتْلُوهُ.

پس هیچ خون پایمال شده‌ای (ظلمی) را نسبت به آل محمد رها نمی‌کنند، مگر آنکه [انتقامش را گرفته و عاملش را] به قتل می‌رسانند.

ان شاء الله ما مصداق این قوم هستیم. ما که امروز در برابر جبهه صهیونیسم و استکبار ایستاده‌ایم، همان مجاهدان سرسخت خدا هستیم. نصر دم الحسین با شهادت امام شهید رقم خورد، چون خونخواهی امام شهید در امتداد و در مسیر خونخواهی سیدالشهداء قرار دارد. این حرکت متوقف شدنی نیست. وقتی خونخواهی امام شهید رقم بخورد و خون‌بهای ایشان محقق شود، خروج حضرت رقم می‌خورد:

«وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا»

"و این وعده‌ای انجام شدنی است؛" خُرُوجُ الْقَائِمِ ﷺ.

امام فرمودند: مقصود از این وعده قطعی، خروج و ظهور قائم ﷺ است.

### ❖ تطبیق روایات بندگان سرسخت خدا بر مردم ایران و اهل قم

در روایات دیگری آمده است که مردم ایران مصداق این آیه شریفه هستند و حضرت سه مرتبه بر آن تأکید کردند. این نشان دهنده اصالت و عظمت حرکتی است که انقلاب اسلامی آغازگر آن بوده است. به این روایت توجه کنید:

وَرَوَى بَعْضُ أَصْحَابِنَا قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام جَالِسًا

برخی از اصحاب ما روایت کرده اند که گفتند: در محضر امام صادق عليه السلام

نشسته بودم إذْ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ:

که در این هنگام ایشان این آیه [از سوره اسراء] را قرائت فرمودند:

«فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا

خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا»

"پس هنگامی که وعده نخستین فرارسد، بندگان از خود را که

سخت نیرومند و جنگاورند بر ضد شما برمی انگیزیم، تا درون خانه ها را

جست و جو کنند و این وعده ای انجام شدنی است. "فَقُلْنَا: جُعِلْنَا فِدَاكَ،

مَنْ هُوَ لَاءٍ؟

پس عرض کردیم: فدایتان شویم، اینان [که با این صلابت توصیف

شده اند] چه کسانی هستند؟ فَقَالَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: «هُمْ وَاللَّهِ أَهْلُ قَمٍّ»<sup>۱</sup>

حضرت سه مرتبه [با قاطعیت و قسم] فرمودند: به خدا سوگند آنان اهل

قم (ایران) هستند.

تعبیر «اهل قم» در کلام معصوم، اشاره به کانون و پایتخت فکری تفکر

ولایی و جهادی در آخرالزمان دارد که همان ایران اسلامی است. تأکید

سه باره امام صادق عليه السلام با قسم جلاله، نشان دهنده قطعی بودن این نقش

تاریخی است. این افتخار بزرگی برای ملت ماست، اما هم زمان مسئولیت

سنگینی را نیز بر دوش ما می گذارد. ما همان قومی هستیم که نباید در برابر

تهدیدها و تحریم های تمدن غرب سست شویم. صلابت ایمان ما باید

خواب را از چشم دشمنان آل محمد عليه السلام برباید. این ایستادگی امروز ما در

مسیر حق، استمرار همان عهدی است که قرن ها پیش امام صادق عليه السلام

نوید آن را داده بود؛ تبار سلمان، تبار جمع کننده بساط طواغیت است.

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۵۷، ص ۲۱۶

یادر کلام دیگری از امام باقر علیه السلام به قیام پیش قرولان ظهور از مشرق زمین اشاره کرده و می‌فرمایند: «كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ فَتَلَاهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ» (الغيبة للنعمانی، ص ۲۷۳، ح ۵۰)؛ یعنی: «گویم قومی را می‌بینم که از مشرق زمین قیام کرده‌اند، آنان حق را مطالبه می‌کنند اما به ایشان داده نمی‌شود؛ مجدداً آن را می‌طلبند و باز هم پاسخ رد می‌شنوند. چون اوضاع را چنین می‌بینند، شمشیرهای خود را بر دوش می‌نهند؛ پس آنچه را می‌خواستند به آنان می‌دهند ولی این بار خودشان نمی‌پذیرند تا اینکه قیام می‌کنند و پرچم را جز به صاحب شما (امام زمان علیه السلام) تحویل نمی‌دهند. مقتولان آن‌ها شهید هستند؛ بدانید اگر من آن روزگار را درک می‌کردم، حتماً جانم را برای خدمت به صاحب این امر حفظ می‌کردم.» بزرگان دین این روایت شریف را بر مردم ایران و انقلاب اسلامی تطبیق داده‌اند که مبارزه پیوسته آنان مقدمه‌ای برای آن قیام بزرگ و جهانی خواهد بود.

در امتداد این مسیر، شواهد و پیش‌بینی‌های متعددی نشان می‌دهد که جبهه باطل و رژیم صهیونیستی به مرحله نابودی تمام عیار خود نزدیک شده‌اند و حوادث عالم روند فروپاشی آنان را جلو انداخته است؛ از جمله این نشانه‌ها، نامه «فتالی بنت» (نخست‌وزیر سابق رژیم) است که نسبت به فروپاشی اسرائیل به دلیل عدم اتحاد و جنگ داخلی هشدار داده و بر سنت تاریخی «ندیدن دهه هشتم» توسط حکومت‌های یهود صحه گذاشته است؛ موضوعی که در بیانات رهبر انقلاب در سال ۱۴۰۲ نیز بازتاب یافت و ایشان با اشاره به نگرانی سران صهیونیست فرمودند آن‌ها حق دارند که نگران ندیدن هشتاد سالگی این رژیم باشند. همچنین

پیش بینی شیخ احمد یاسین (بنیان گذار حماس) بر پایان اسرائیل، گواه دیگری بر این مدعاست. اگرچه تغییر در لوح محو و اثبات بر اساس عملکرد انسان ها ممکن است، اما شرارت های مداوم سران کفر و حاکمان ظلم، سرنوشت محتوم آنان را تسریع کرده است؛ چرا که بر اساس سنت های الهی در قرآن کریم (نظیر آیات سوره حشر)، سرنوشت حتمی قوم تبهکار، آوارگی و نابودی به دست خودشان و مؤمنان است: ﴿هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ... يُخْرِجُوكَ مِنْ دِيَارِهِمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ﴾ (حشر/۲)؛ حقیقتی که ضرورت بیداری، عبرت آموزی و ایستادگی جبهه حق را تا تحقق وعده نهایی آشکار می سازد.

امروز شواهد عینی این حقیقت را در تقابل پیچیده و چندلایه ایران اسلامی با کل جبهه کفر می بینیم. دشمنان با راه اندازی یک "جنگ ترکیبی" بی سابقه، شامل تحریم های شدید اقتصادی، محاصره بانکی، و از همه مهم تر "جنگ شناختی و رسانه ای" از طریق هزاران شبکه ماهواره ای و پلتفرم های مجازی، تلاش دارند تا ایمان، امید و هویت جوان ایرانی را نابود کنند. آن ها می خواهند با بزرگ نمایی مشکلات و پمپاژ یاس، این کانون جوشان مقاومت را از درون متلاشی کنند. اما ایستادگی این ملت و حضور پرشور مردم در میادین و خیابان ها، نشان داد که این پایگاه فکری شکست ناپذیر است و ملت ایران همچنان به عنوان عمود خیمه مقاومت، نقش تاریخی خود را در به زانو درآوردن نظام سلطه ایفا می کند.

## ❖ خلاصه مباحث و رسالت امروز ما در جبهه تمدن سازی

### مهدوی

به عنوان خلاصه و نتیجه این بحث باید بدانیم که ما در چه برهه حساسی از تاریخ ایستاده ایم. ما امروز مبعوث شده ایم برای خونخواهی سیدالشهداء،

و امروز این خونخواهی از مسیر خونخواهی امام شهید می‌گذرد! چراکه امام شهید پرچمدار مبارزه با استکبار و اقامه قسط در این عصر بود. نباید اجازه دهیم آرمان‌های او فراموش شود. تحقق خون‌بهای ایشان، همان «نصر دم الحسین» موعودی است که در آیات و روایات وعده داده شده است. هر قدمی که برای قوی شدن جامعه اسلامی، تحقق ایران قوی، تحکیم جبهه مقاومت و افشای چهره تمدن منحط غرب برمی‌داریم، گامی است در راستای نصرت دم الحسین علیه السلام.

ان شاء الله این پروژه بزرگ به دست قوم سلمان که مصداق این آیات هستند به ثمر خواهد رسید. دشمن با پمپاژ ناامیدی می‌خواهد ما را از این مسیر بازدارد، اما وعده خدا حق است. وظیفه امروز ما، حفظ آمادگی، بصیرت، تبعیت از ولایت و حضور فعال در میدان است. هر مجلس محرم باید تجدید عهدی باشد برای این رسالت بزرگ؛ رسالتی که ان شاء الله به ظهور مولایمان حضرت حجة بن الحسن علیه السلام متصل خواهد شد و قسط و عدل واقعی را بر جهان حاکم خواهد ساخت.

### ❦، روضه یادگار غریب مدینه حضرت قاسم بن الحسن

امشب شب ششم محرم است؛ دل‌ها را روانه کنیم به خیمه‌گاه غریب مدینه، امام حسن مجتبی علیه السلام. امشب، شب یادگار مظلومی است که در کربلا نه تنها مدافع عمو شد، بلکه با خون خود جای خالی پدر را در کربلا پر کرد. وقتی نوبت به جانبازی فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام رسید، خیمه‌گاه اباعبدالله غرق در شیون و عاطفه شد. حضرت قاسم بن الحسن علیه السلام، آن نوجوان سیزده‌ساله، محضر عمو آمد و اذن میدان خواست. اباعبدالله نگاهی به این یادگار برادر کرد، او را در آغوش کشید و هر دو چنان گریستند که غش کردند. عمو اجازه نمی‌داد، فرمود تو امانت برادرم هستی. اما قاسم اصرار کرد و جمله تاریخی اش را فرمود: «عمو جان،

مرگ در ذائقه من از عسل شیرین تر است؛ احلی من العسل».

بینید این تربیت حماسی امام حسن علیه السلام است! وقتی قاسم بن الحسن با آن پیکر نحیف و زرهی که برای قامتش بزرگ بود به میدان رفت، لشکر دشمن در شگفت شد. او ابهت دستان پدرش در جمل را زنده کرد. اما افسوس که کینه بدخواهان، این تازه گل امام مجتبی را نشانه گرفت. ملعون دهر، از پشت سر با شمشیر بر فرق مبارکش کوبید و قاسم از اسب بر زمین افتاد. فریاد زد: «یا عمّاه! علیک متی السلام». وقتی اباعبدالله مانند باز شکاری خود را به بالینش رساند، لشکر بی مروت کوفه بر پیکر او تاختند. حسین آمد و دید یادگار برادر در خون خود دست و پای می زند؛ دید سینه نحیف او زیر سم اسبان پامال شده است... حسین پیکر قاسم را به سینه چسبانید، خواست پیکر برادرزاده اش را به خیمه برگرداند.... اما پاهای قاسم بر زمین کشیده می شد... **اللعنة الله على القوم الظالمين.**

منزل هفتم

مقدمه و تبیین

هویت هیئت به

عنوان پادگان

خون خواهی





بسم الله الرحمن الرحيم. در ابتدای سخن، عرض تسلیت و تعزیت داریم به همه شما عزیزان و عزاداران حسینی؛ در این ایام غم و اندوه، امام باقر علیه السلام به ما آموختند که وقتی به هم می‌رسید، این‌گونه به یکدیگر تعزیت بگویید: «عَظَّمَ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» یعنی خداوند پاداش و اجر ما را در مصیبت حسین علیه السلام بزرگ گرداند، «وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ بِنَارِهِ» و ما و شما را از خون خواهان و طلب‌کنندگان خون او قرار دهد، «مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» در رکاب ولی‌اش امام مهدی از خاندان محمد صلی الله علیه و آله.

این بیان نورانی ما را متوجه می‌کند که مصیبت مادر عزای سیدالشهدا یک مصیبت فعال، پویا و حرکت‌آفرین است. این ماتم بزرگ، هرگز منجر به انزوا، گوشه‌گیری و افسردگی نمی‌شود؛ بلکه برعکس، مطابق نص صریح زیارت عاشورا، شیعه را مستقیماً به وسط صحنه خون‌خواهی سیدالشهداء می‌کشاند.

در شب‌های گذشته عرض کردیم که هیئت، صرفاً یک محفل عزاداری نیست، بلکه هیئت پادگان تربیت خون‌خواهان سیدالشهداء است. این مصیبت عظیمی که قرن‌هاست دل‌های ما را بی‌تاب کرده، ما را به

تماشاچی بودن در تاریخ دعوت نمی‌کند؛ بلکه ما را به وسط صحنه کارزار و خون خواهی می‌کشاند. ما باید بدانیم که خون بهای امام حسین علیه السلام، با چند قطره اشک محقق نمی‌شود؛ خون بهای حقیقی سیدالشهداء، اقامه قسط و عدل الهی و ازاله و نابودی کامل طاغوت در سراسر عالم است. این ایده بلند، همان مسیری است که انبیا و اولیا برای آن تلاش کردند. در عصر حاضر، امام خمینی علیه السلام و امام شهید ما با تحقق این هدف والاد در کشور و تلاش مجاهدانه برای گسترش آن در منطقه، از بزرگ‌ترین خون خواهان سیدالشهداء در تاریخ به شمار می‌روند. آن‌ها مسیر خمودگی را به مسیر قیام تبدیل کردند.

امروز ما در نقطه‌ای از تاریخ ایستاده‌ایم که وزش این نسیم الهی را با تمام وجود حس می‌کنیم. امروز ما همان قومی هستیم که ندای «نصر دم الحسین» یعنی یاری‌رسانی به خون حسین در جانمان طنین‌انداز شده و ما را مبعوث کرده است تا پرچم خون خواهی سیدالشهداء را به دوش بکشیم. چرا این وظیفه امروز بر دوش ماست؟ چون با گذشت زمان، دشمن از بین نرفته است؛ امروز ذریه و بازماندگان فکری قتله و قاتلان سیدالشهداء در قالب مستکبران عالم حضور دارند و آن تفکر اموی که اهل بیت را به شهادت رساند هنوز زنده و فعال است. بنابراین، ما نمی‌توانیم نسبت به حوادث روزگار خود بی‌تفاوت باشیم. این خون خواهی عصر حاضر، دقیقاً از مسیر استمرار راه و خون خواهی امام شهید می‌گذرد. ما برای اینکه بتوانیم این فرآیند عظیم خون خواهی را به صورت دقیق، تشکیلاتی و مؤثر شروع کنیم، نیازمند معرفت و بصیرت هستیم. گام اول در این مسیر این است که گروه‌ها و جریان‌هایی که در ریخته شدن این خون پاک مؤثر بودند را به دقت شناسایی کنیم تا بدانیم تیر انتقام و جهاد خود را باید به سمت کدام جبهه نشانه‌گیری کنیم.

## 🔴 معرفی چهار گروه عامل جنایت کر بلا در زیارت عاشورا

وقتی به متن مقدس و انسان ساز زیارت عاشورا مراجعه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که مکتب اهل بیت علیهم‌السلام جریان شناسی دقیقی از جبهه باطل به ما ارائه داده است. زیارت عاشورا ۴ دسته متمایز را به عنوان عوامل اصلی و دخیل در ریخته شدن خون سیدالشهداء معرفی می‌کند که جبهه حق موظف است از همه این دسته‌ها خون خواهی کند. این لایه بندی دشمن، به ما نشان می‌دهد که جنایت، یک شبه و توسط یک نفر رخ نمی‌دهد.

دسته اول، بنیان گذاران این جریان و فرهنگ هستند؛ زیارت عاشورا می‌فرماید: «فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً» (پس خدا لعنت کند امتی را که) «أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ» (پایه گذاری کردند اساس ستم و بیداد را) «عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ» (بر شما اهل بیت عصمت و طهارت). کسانی که ظلم به اهل بیت را پایه گذاری کردند، در واقع فرهنگ و تمدنی باطل ساختند که خروجی حتمی این تمدن تاریک، قتل سیدالشهداء در کربلا شد. این‌ها تئوریسین‌های ضلالت هستند. در تحلیل مصادیق امروز، این دسته اول همان معماران «نظم نوین جهانی»، اندیشکده‌های صهیونیستی و آمریکایی در واشنگتن و تل‌آویو هستند. دسته دوم، مجریان طرح کنار زدن اهل بیت از حاکمیت هستند؛ در زیارت عاشورا می‌خوانیم: «وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ» (و خدا لعنت کند امتی را که شما را از مقامتان کنار زدند) «وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ» (و شما را از مراتب و جایگاه‌هایتان دور کردند) «الَّتِي رَبَّيْكُمْ اللَّهُ فِيهَا» (آن مرتبه‌هایی که خداوند شما را در آن قرار داده بود). این دسته همان کسانی هستند که با ساختار سازی‌های باطل و غصب خلافت، اهل بیت را از حاکمیت سیاسی و اجتماعی جامعه کنار زدند و بستر انحراف امت را فراهم کردند.

دسته سوم، مباشران مستقیم جنایت هستند؛ «وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ» (و خدا لعنت کند امتی را که شما را کشتند و به شهادت رساندند). این‌ها همان کسانی هستند که در برابر اهل بیت به صورت علنی لشکرکشی کردند، در میدان جنگ صف کشی داشتند، سلاح کشیدند و مستقیماً دستشان به خون اولیای خدا آلوده شد.

اما دسته چهارم که هموارکننده مسیر هستند: «وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُؤْمِدِينَ لَهُمْ» (و خدا لعنت کند زمینه‌سازانی را که برای آن قاتلان) «بِالْتَّمِكِينَ مِنْ قِتَالِكُمْ» (با تمکین و قدرت دادن، راه جنگ با شما را هموار کردند). این‌ها دسته‌ای هستند که به عنوان عمله ظلم، کمک حال همه این مرتبه‌ها بودند و به آن‌ها برای تحقق جنایتشان کمک کردند.

### ❖ بررسی نقش ممه‌دین و زمینه‌سازان جنایت علیه جبهه حق

از دسته چهارم توضیح این گروه‌ها را شروع می‌کنیم، باید بدانیم ممه‌دین چه کسانی هستند و چطور باید از این‌ها انتقام گرفت، ممه‌دین کسانی هستند که شاید خودشان مستقیم ماشه را نچکانند، اما بستر را آماده می‌کنند. «ممه‌دین» یا همان زمینه‌سازان، کسانی هستند که کارهایی انجام دادند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم، کمک‌کننده به لشکرکشی و پیشروی دشمن بوده است؛ این جریان مصادیق متعدد و خطرناکی در جامعه امروز دارد. یکی از بارزترین مصادیق ممه‌دین، کسانی هستند که با قلم، زبان و رسانه خود، روحیه ناامیدی، ترس و خودکم‌بینی را در جامعه اسلامی پمپاژ می‌کنند تا اراده مقاومت را بشکنند. مصداق دیگر، آن دسته ظاهراً ایرانی‌های پلید، کثیف و وطن‌فروشی هستند که در قالب اپوزیسیون یا خائن‌ان داخلی، دشمن مستکبر را دعوت به حمله نظامی و تحریم علیه کشور خود کردند و با گرا دادن به دشمن، کار او را برای ضربه زدن به نظام اسلامی آسان ساختند. این‌ها همان ممه‌دین کربلا هستند.

حتی در ابعاد بین‌المللی، کسانی که با روابط اقتصادی و تجاری با جبهه استکبار، مالیاتی می‌دهند که خروجی آن به صورت بمب و موشک بر سر شیعیان و مظلومان عالم می‌ریزد، در جرم آن‌ها شریکند. امروز ممه‌دین این‌گونه عمل می‌کنند؛ حکام پلید، بزدل و کثیف برخی کشورهای عربی منطقه که حریم هوایی و پایگاه‌های نظامی خود را در اختیار دشمن صهیونیستی و آمریکایی قرار دادند تا دشمن بتواند از طریق آن پایگاه‌ها به ایران عزیز حمله کند و رهبر عزیز ما را به شهادت برساند، دقیقاً مصداق بارز ممه‌دین تمکین‌دهنده به کفر هستند و نباید از ضربه انتقام‌مصون بمانند.

اگر امروز بخواهیم ممه‌دین زمانه را با انگشت نشان دهیم، باید به شبکه‌های ماهواره‌ای خائن مانند ایران اینترنشنال و من‌وتو، و حساب‌های سایبری نفاق‌نگاه کنیم که در ایام فتنه‌ها و آشوب‌های داخلی با شایعه‌پراکنی و جنگ روانی، جامعه را دو قطبی کرده و به دشمن‌گرای ضعیف ملت ایران را دادند تا او را به اعمال تحریم‌های سنگین تر درویی و اقتصادی تشویق کنند. در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای، ممه‌دین همان دولت‌هایی هستند که شریان‌های اقتصادی و راه‌های پشتیبانی از رژیم صهیونیستی را در اوج جنگ غزه و لبنان فعال نگه داشتند. ممه‌دین آن حکام خائنی هستند که پایگاه‌های بزرگی چون «العدید» در قطر، «الظفره» در امارات و دیگر پایگاه‌ها در کشورهای منطقه را در اختیار ارتش تروریست آمریکا (ستکام) قرار داده‌اند تا هواپیماها و پهپادهای جاسوسی دشمن از باند فرودگاه‌های آنان بر خیزند و فرماندهان و رهبران مقاومت را رصد و ترور کنند. هر کسی که جاده صاف‌کن تسلط کفر بر مسلمین شود، بی‌تردید مشمول لعن ممه‌دین در زیارت عاشورا است.

### 🔴 بررسی نقش قتل و لزوم انتقام بازدارنده از مباشران جنایت

پس از تبیین لایه زمینه‌سازان، به دسته سوم یعنی «قتله» و مباشران

مستقیم جنگ می‌رسیم. دسته قتلہ کسانی هستند که به طور عینی لشکرکشی کردند و دست به ترور و جنایت زدند؛ که امروز در رأس این جبهه خباثت، آمریکای جهان‌خوار، رژیم سفاک صهیونیستی و تمام دولتمردان، استراتژیست‌ها و تصمیم‌گیران آن‌ها قرار دارند. در این لایه، تمام خلبانانی که بمب ریختند، نیروهای نظامی که عملیات کردند و فرماندهانی که دستور دادند، هدف مشروع خون‌خواهی هستند. همچنین بر اساس اسناد میدان، کشور امارات نیز مستقیماً در حمله به ایران و پشتیبانی از آن نقش داشته است؛ لذا این دولت از حد ممه‌دین خارج شده و رسماً جزو لشکرکشان و قتلہ است و تک‌تک امرای خائن امارات باید هدف مستقیم انتقام سخت ما باشند.

فلسفه انتقام در مکتب اسلام، صرفاً فرو نشانیدن خشم نیست، بلکه ایجاد امنیت پایدار است. ما باید هزینه شهادت رهبر و مقتدایمان را برای دشمن آن قدر بالا ببریم که هیچ کفر و نفاق‌ی در عالم دیگر جرئت تکرار چنین جنایت‌هایی را نداشته باشد. دشمنان جبهه حق باید با تمام وجود درک کنند و بدانند که از این پس دیگر زندگی آرام و بی‌دغدغه‌ای نخواهند داشت و در هیچ نقطه‌ای از جهان امنیت و آرامش نخواهند داشت. لیست دقیق تمامی افرادی که در این جنایات دخیل بوده‌اند باید آماده و پیش چشم باشد و همه مسلمین جهان خود را شرعاً و عقلاً موظف بدانند که در هر نقطه‌ای از عالم این قاتلان را یافتند، آن‌ها را به سزای اعمالشان برسانند؛ همان‌طور که حکم تاریخی امام در مورد سلمان رشدی خبیث این‌گونه کابوسی برای او ساخت که دیگر نتوانست یک روز زندگی عادی و آرام داشته باشد. باید بدانیم که نهضت‌های پس از عاشورا مثل قیام توابع و مختار، همگی فقط در همین مرتبه از قتلہ خون‌خواهی کردند و متأسفانه فرصت پیدا نکردند که کار را به مرتبه‌های بالاتر و ریشه‌کن کردن

مؤسسان ظلم بکشاند؛ اما ما باید خون خواهی هادر هر ۴ لایه ادامه دهیم. امروز در میدان واقعیت های معاصر، قتله آن خلبانان صهیونیست و آمریکایی هستند که بمب های سنگر شکن چند تنی اهدایی واشنگتن را بر روی مجتمع های مسکونی در تهران، اصفهان، ضاحیه بیروت و غزه رها کردند و مایه شهادت رهبر عزیز، مردم، فرماندهان، کودکان میناب، سید عزیز مقاومت و دیگر فرماندهان بزرگ شدند. قتله همان جوخه های ترور موساد و فرماندهان سنتکام هستند که خون پاک عزیزان ما را بر زمین ریختند. پاسخ بازدارنده به این جنایتکاران نباید صرفاً به مرزهای جغرافیایی محدود شود. همان طور که پس از فاجعه بمباران ها، موشک های بالستیک و پهپادهای انتحاری جبهه حق، عمق استراتژیک رژیم صهیونیستی و پایگاه های تروریست های آمریکایی را شخم زدند، باید این موازنه تهدید به گونه ای تثبیت شود که هر خلبان و فرمانده عملیاتی در ارتش کفر بداند که نامش در لیست سیاه و قطعی ترور مجاهدان اسلام قرار دارد و حتی پس از اتمام دوره خدمتش، در هیچ کجای دنیا، از هتل های اروپا تا سواحل آمریکا، خواب راحت و امنیت جانی نخواهد داشت.

## دیه، فرمان قرآنی و علوی برای قتال عینی با دشمن و شفای دل های مؤمنان

دستور صریح و قاطع خداوند متعال در این صحنه کارزار کاملاً واضح است. پروردگار عالم در سوره مبارکه توبه، آیه ۱۴ می فرماید:

﴿قَاتِلُوهُمْ﴾ (با آنان بجنگید) ﴿يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ﴾ (تا خداوند آنان را به دست شما عذاب کند) ﴿وَيُخْزِهِمْ﴾ (و رسوایشان سازد) ﴿وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ﴾ (و شما را بر آنان پیروز گرداند) ﴿وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ﴾ (و سینه های گروهی از مؤمنان را شفا و التیام بخشد).

این آیه شریفه صریح‌ترین و محکم‌ترین دستور خدا برای مبارزه، جهاد و قتال عینی و ملموس با دشمنان در میدان است. خداوند متعال ثمره‌ی این جهاد جانانه که با دست و سلاح خود مؤمنان صورت می‌گیرد «بِأَيْدِيكُمْ» را چهار چیز معرفی می‌کند: خواری و رسوایی دشمن، رسیدن نصرت خداوند، سربلندی جبهه حق، و در نهایت آرامش یافتن و شفا گرفتن دل‌های مجروح، داغ‌دیده و پراز اندوه مؤمنان «وَيُشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ»؛ این حقیقت، همان معنای عینی خون خواهی در مرتبه ممه‌دین و قتل‌ه است که تا محقق نشود، دل امت اسلام آرام نمی‌گیرد.

همچنین مولای متقیان امیرالمؤمنین علیه السلام در کلامی خط خمودگی و تفرقه را محکوم کرده و به مجاهدان می‌فرماید: «وَاللّٰهُ اِنَّكُمْ لَعَلٰى حَقٍّ» (به خدا سوگند، بی شک شما بر حق هستید) «وَ اِنَّهُمْ لَعَلٰى باطلٍ» (و آنان به یقین بر باطلند) «فَلَا يَكُونَنَّ الْقَوْمُ عَلٰى باطلِهِمْ اجْتَمَعُوا عَلَیْهِ» (پس مبدا آن قوم باطل بر باطل خود متحد و منسجم باشند) «وَ تَفَرَّقُونَ عَنْ حَقِّكُمْ» (و شما از حق صریح خود پراکنده و متفرق شوید) «حَتّٰى يَغْلِبَانَ باطلُهُمْ حَقُّكُمْ» (تا آنجا که باطل آنان بر حق شما چیره و غالب گردد). سپس حضرت همان فرمان قرآن را تکرار کرده و می‌فرماید: «قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللّٰهُ بِأَيْدِيكُمْ» (با آنان بجنگید تا خدا به دست شما عذابشان کند) «فَاِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا» (پس اگر شما به وظیفه خود عمل نکنید و نجنگید) «يُعَذِّبُهُمْ بِأَيْدِي غَيْرِكُمْ» (خداوند به دست قوم دیگری غیر از شما آنان را عذاب خواهد کرد). این کلام امام به ما می‌آموزد که این انتقام و خون خواهی نهایتاً در تاریخ گرفته خواهد شد، اما افتخار و فضیلت آن باید به دست ما و مایه شرف ما باشد.

## 🔴 هدف نهایی خون خواهی؛ اخراج کامل نظامی آمریکا از

### منطقه

مانمی توانیم کتمان کنیم که قلوب مؤمنان و امت اسلام از فاجعه عظمت بار شهادت رهبر شهیدمان و پرواز غریبانه کودکان معصوم میناب، در سوز و ماتم است؛ از این رو تحقق انتقام عینی برای ما حیاتی است. اما انتقام و تلافی های موضعی کافی نیست. خون خواهی و انتقام نهایی و راهبردی در مرتبه قتل و ممهیدین، علاوه بر محاکمه و مجازات تک تک مجریان و افراد دخیل در این لشکرکشی و تمهید، یک هدف کلان دارد و آن اخراج کامل و بی قید و شرط نظامیان تروریست آمریکا از کل منطقه غرب آسیا است.

این حضور نحس استکبار است که منشأ تمامی مفسده ها، ترورها و کودک کشی ها در این منطقه است. تا زمانی که تک تک افراد خائنی که دستشان به این جنایات آلوده بوده به درک واصل نشوند و تا روزی که آخرین سرباز آمریکایی بساط خود را جمع نکرده و از این منطقه اخراج نشود، فرآیند خون خواهی ما در این مرتبه با قدرت و بدون توقف ادامه خواهد داشت. این عهدی است که در پادگان هیئت با سیدالشهداء و رهبر شهیدمان می بندیم و تا آخرین قطره خون بر سر آن خواهیم ایستاد.

تجربه عینی سال های اخیر و حوادث غزه و لبنان و تهاجم به کشور عزیزمان به وضوح اثبات کرد که هر جا قدم نحس نظامیان آمریکایی باز شده، حاصلی جز ویرانی، غارت منابع و ایجاد غده های سرطانی مانند رژیم صهیونیستی نداشته است. شهادت پروانه های معصوم و کودکان بی گناه در جریان حملات تروریستی بر اثر چراغ سبز و تسلیحات غربی، به ما فهماند که زبان دیپلماسی التماسی با این مستکبران جواب نمی دهد. اخراج نظامی آمریکا از منطقه، امروز یک شعار یا آرزو نیست؛ بلکه یک روند آغاز شده و برگشت ناپذیر است. با ضربات پی در پی

جبهه مقاومت در عراق، لبنان، و ناامن شدن دریای سرخ برای ناوهای آمریکایی توسط انصارالله یمن و هم چنین تسلط سپاه پاسداران بر تنگه هرمز، ابهت پوشالی واشنگتن فرو ریخته است. این اخراج راهبردی، زمینه ساز سقوط نهایی صهیونیسم و همان آزادی قدس شریفی است که خون بهای اولیه شهدای والامقام ماست.

### ❖ روضه جانسوز باب الحوائج حضرت علی اصغر علیه السلام

امشب شب هفتم است؛ شب همان طفل غریبی است که سند مظلومیت کربلاست. وقتی از خون خواهی کودکان مظلوم میناب می گویم، دل ها روانه آن دشت بلا می شود. وقتی جبهه باطل کارش به جایی می رسد که به کودکان دبستانی هم رحم نمی کند، عمق خباثت اینها آشکار می شود. قلب همه عالم به درد می آید از این جنایت ها. اما دل ها بسوزد برای آن لحظه ای که امام حسین علیه السلام دیدند اهل حرم در خیمه ها از عطش بی تابند. بیشتر از همه شش ماهه بی تاب می کرد. امام به همراه طفل شیرخوارش به میدان آمد. فداقه علی اصغر را روی دست گرفت، در مقابل لشکر کفر ایستاد. فرمود: «یا قَوْم، اِنْ لَمْ تَرْحَمُوْنِيْ فَارْحَمُوْا هَذَا الطِّفْلَ»؛ اگر به من رحم نمی کنید، به این طفل شیرخواره رحم کنید. ببینید چطور از تشنگی مانند ماهی بیرون از آب افتاده دهانش باز و بسته می شود... اما جواب این نامردها چه بود؟ عمر سعد ملعون به حرمله نگاه می کرد، گفت: «قَطَعْتَ كَلَامَ الْحُسَيْنِ»؛ کلام حسین را قطع کن! کار را تمام کن! وای بر من... حرمله تیری را به کمان گذاشت که تیر سه شعبه بود؛ تیر سه شعبه برای مرد جنگی است، تیری که برای چشم ابا الفضل یا سینه حسین است، به سمت گلوی نازک علی اصغر رها کرد. «قَدْ بَحِ الطِّفْلُ مِنَ الْأَذْنِ إِلَى الْأَذْنِ...»؛ طفل در دست پدر گوش تا گوش سرش بریده شد... حسین ماند و گلوی چاک چاک علی... الا لعنه الله على القوم الظالمين.....

منزل هشتم

خونخواهی از  
چهار گروه عاملان  
عاشورا؛ معنای  
حقیقی هیئت





بسم الله الرحمن الرحيم در شب‌های گذشته عرض کردیم که مصیبت و عزاداری برای سیدالشهداء علیه السلام زمانی به کمال می‌رسد که از حالت انفعال خارج شده و به یک جریان فعال و حماسی تبدیل شود. عزاداری حقیقی آن است که به حرکت، قیام و خونخواهی منجر شود. با این نگاه، هیئت‌های عزاداری ما صرفاً مجلسی برای گریستن نیستند، بلکه کانون جمع شدن خونخواهان امام حسین علیه السلام در عصر حاضرند. ما باید بدانیم که خون‌بهای واقعی و نهایی سیدالشهداء، برپایی کامل قسط و عدل الهی و نابودی و ازاله هرگونه نظام طاغوتی در سراسر جهان است. معمار کبیر انقلاب، امام خمینی رهبر، سیدالشهدای انقلاب اسلامی شهید آیت الله خامنه‌ای و شهدای والامقام ما با تحقق حکومت اسلامی در ایران و گسترش جبهه مقاومت در منطقه، در زمره بزرگ‌ترین و حقیقی‌ترین خونخواهان امام حسین علیه السلام قرار دارند. امروز ما همان جامعه و امتی هستیم که پیام «نصر دم الحسین» یعنی یاری رساندن به خون پاک کربلا، ما را به قیام و حرکت مبعوث کرده است. جبهه کفر و باطل هنوز زنده است؛ چراکه اندیشه و تفکر پلیدی که اهل بیت را به شهادت رساند همچنان در جهان حکومت می‌کند و ذریه فکری و عملی قاتلان سیدالشهداء امروز در قالب استکبار

جهانی حضور دارند. بنابراین، مسیر خونخواهی امروز ما دقیقاً از مجرای ادامه دادن راه امام شهید و شهدای مقاومت می‌گذرد.

برای اینکه بتوانیم این فرآیند عظیم خونخواهی را به شکلی دقیق، منسجم و تمدنی آغاز کنیم، باید در گام اول مؤلفه‌ها و جبهه‌های متعددی را که در ریخته شدن خون مطهر امام حق مؤثر بودند، به دقت شناسایی کنیم. هنگامی که به متن شریف زیارت عاشورا مراجعه می‌کنیم، درمی‌یابیم که زیارت عاشورا چهار دسته ولایه مختلف را به عنوان دخیلان و مسببان اصلی جنایت کربلا معرفی می‌کند که امت اسلامی وظیفه دارد از تمامی این دسته‌ها انتقام و خونخواهی بگیرد. این چهار مرتبه و جریان در کلام معصوم این‌گونه تبیین شده است:

دسته اول: «فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً» (پس خدا لعنت کند امتی را که) «أَنَسَسَتْ أُنَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ» (پایه‌گذاری کردند بنیان و اساس ستم و بیداد را) «عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ» (بر شما اهل بیت رسول خدا). این دسته همان جریان تمدن ساز و فرهنگ سازی است که ریشه و اساس ظلم را بنا نهاد.

دسته دوم: «وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً» (و خدا لعنت کند امتی را که) «دَفَعْتُكُمْ عَن مَقَامِكُمْ» (شما را از مقام و جایگاه واقعی تان کنار زدند) «وَأَزَالْتُمْ عَن مَرَاتِبِكُمْ» (و شما را از مرتبه‌های حاکمیتی تان دور کردند) «الَّتِي رَبَّبَكُمُ اللَّهُ فِيهَا» (همان مرتبه‌هایی که خداوند شما را در آن قرار داده بود). این گروه با ساختار سازی باطل، اهل بیت را از مدیریت و حاکمیت جامعه محروم کردند.

دسته سوم: «وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ» (و خداوند لعنت کند امتی را که مستقیماً اقدام به قتل و شهادت شما کردند). این‌ها همان جریان نظامی و پیاده نظامی هستند که در میدان نبرد در برابر امام حق صف‌کشی و لشکرکشی کردند.

دسته چهارم: «وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ لَهْمُ» (و خدا لعنت کند زمینه سازانی را که برای آن قاتلان) «بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ قِتَالِكُمْ» (با اعطای قدرت و امکانات و پشتیبانی، زمینه جنگ با شما را فراهم آوردند). این دسته، جریان حامی و لجستیکی بودند که به تمام مرتبه های قبلی کمک مالی و تسلیحاتی رساندند.

### ❦ ریشه یابی جنایت کربلا؛ نقش خطرناک تمدن سازان و فرهنگ سازان باطل

در تحلیل ماجرای کربلا و شهادت امام عزیز، شاید ذهن بسیاری از مردم تنها به سمت دسته سوم و چهارم، یعنی پیاده نظام شمر و یزید یا مُمهدان و پشتیبانان مالی و تسلیحاتی آن ها برود؛ زیرا دخالت و جنایت مستقیم این دو گروه در ریخته شدن خون امام حق از همه آشکارتر و عیان تر است. اما نکته بسیار حیاتی و راهبردی این است که بدانیم دو دسته اول، یعنی تمدن سازان و ساختار سازان باطل، نقشی به مراتب خطرناک تر دارند؛ چرا که این دو لایه اولیه هستند که به صورت مداوم منجر به بازتولید لشکرکشان و زمینه سازان جنایت می شوند. اگر آن تفکر و تمدن اولیه اصلاح نشود، در هر عصری لشکری جدید برای تقابل با امام زمان آن عصر ساخته خواهد شد. دسته اول و مهم ترین جریان در میان کسانی که منجر به ریخته شدن خون تمام شهدای مظلوم عالم در طول تاریخ شدند، کسانی هستند که تمدن و فرهنگی را پایه گذاری کردند که این تمدن اساساً و ذاتاً خروجی اش ظلم به حق و حقیقت است. هنگامی که شالوده یک جامعه بر اساس اومانیسم، مادی گرایی و دوری از خدا بنا شود، خروجی قطعی و فehری چنین تمدنی، تقابل، جنگ و ظلم صریح به اهل بیت علیهم السلام خواهد بود؛ چرا که این تمدن دقیقاً در تضاد مطلق با عدالت مد نظر وحی است. یکی از مهم ترین شاخصه های این تمدن باطل و منحط، کوبیدن بر طبل جدایی دین از

سیاست و تلاش همه جانبه برای منزوی کردن دین و حذف آن از ساحت اداره جامعه و حکومت است. در حالی که بر اساس منطق وحی، دین اساساً برای هدایت همه جانبه، اداره امور دنیای مردم و حل اختلافات مادی و معنوی بشر نازل شده است. قرآن کریم در آیه ۲۱۳ سوره مبارکه بقره به زیبایی این حقیقت و انحراف پس از آن را تبیین کرده و می فرماید:

﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾ (در آغاز، مردم امتی یگانه و یکدست بودند)

﴿فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ﴾ (پس خداوند پیامبران را برانگیخت) ﴿مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ﴾ (در حالی که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند) ﴿وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ﴾ (و همراه آنان کتاب آسمانی را به حق نازل کرد) ﴿لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ﴾ (تا میان مردم داوری و حکومت کند) ﴿فِيمَا اختلفوا فيه﴾ (در آنچه که در آن اختلاف داشتند) ﴿وَمَا اختلف فيه إلا الذين أوتوه﴾ (و در آن کتاب اختلاف نکردند مگر همان کسانی که کتاب به آنان داده شده بود) ﴿مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ﴾ (آن هم پس از آنکه دلایل روشن و آشکار برایشان آمد) ﴿بَعِيًا بَيْنَهُمْ﴾ (این اختلاف تنها به خاطر حسادت، ستمگری و انحصارطلبی میان خودشان بود) ﴿فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ (پس خداوند کسانی را که ایمان آوردند هدایت کرد) ﴿لَمَّا اختلفوا فيه مِنَ الْحَقِّ يَأْذِنُهُ﴾ (به سوی آن حقیقتی که در آن اختلاف داشتند، به فرمان و اذن خویش) ﴿وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ﴾ (و خداوند هر کس را که بخواهد و شایسته بیند هدایت می کند) ﴿إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (به سوی راهی راست و استوار). دین برای حل اختلاف و حکم در میان مردم در این اختلاف ها نازل شد اما برخی با دنیاگرایی توانستند عدالت دینی را تاب بیاورند و اختلاف مجددی از روی بغی و سرکشی رقم زنند.

این تمدن باطل پایه گذارِ ظلم، مفصلاً روی این ایده باطل ایستاده و تبلیغ می کند که یک جامعه ایمانی و خدامحور، هرگز نمی تواند یک

دنیای پیشرفته، مدرن و دارای رفاه خلق کند. این همان تفکر اموی است که امروز هم ثمره‌ای جز برده‌داری نوین، استثمار ملت‌ها و به شهادت رساندن اولیای الهی ندارد.

در دنیای معاصر، ما با شدیدترین شکل از «جنگ شناختی» و ادراکی روبرو هستیم که ریشه در همین تفکر دسته اول دارد. بوق‌های تبلیغاتی غرب و اتاق‌های فکر استکبار، شبانه‌روز در حال پمپاژ این گزاره در ذهن جوانان ما هستند که «دین کارآمدی ندارد» و «حکومت دینی نمی‌تواند رفاه و توسعه بیافریند». آن‌ها می‌خواهند ملت ما را به این نتیجه برسانند که برای رسیدن به پیشرفت، باید تسلیم نظم نوین جهانی غربی شد و دست از آرمان‌های ایرانی اسلامی برداشت. این دقیقاً همان تئوری اموی است که می‌گفت دین عبادی محض باشد و کاری به کاخ سبز معاویه و یزید نداشته باشد. امروز تمدن غربی با تحمیل اسناد بین‌المللی و کنوانسیون‌های استعماری، به دنبال هویت‌زدایی از ملت‌های مسلمان است. سندهایی که در ظاهر نام آموزش و توسعه دارند، اما در باطن به دنبال حذف تفکر جهادی، حیا، غیرت و فرهنگ عاشورا از کتب درسی و اندیشه فرزندان ما هستند تا نسلی را تربیت کنند که در برابر هیمنه استکبار، هیچ حس خونخواهی و مقاومتی نداشته باشد.

## ❖ شباهت‌های تمدن بنی‌امیه و غرب؛ اصالت قدرت، ثروت و خفقان رسانه‌ای

جریان غرب شباهت بسیار زیادی با بنی‌امیه دارد، هر دو برای تثبیت قدرت خود دست به کارهای یکسانی زده‌اند، شاید ظاهر کارهای آن‌ها متفاوت باشد ولی در باطن یکی است. جریان بنی‌امیه برای تثبیت تمدن باطل خود، خلافت الهی و اسلامی را به یک سلطنت موروثی و پادشاهی کثیف تبدیل کردند و قدرت سیاسی را به شدت در مرکز حکومت متمرکز

ساختند. بنی امیه با استفاده آشکار از زور، شمشیر و کنترل شدید باورها از جمله جبرگرایی و تبلیغات، هرگونه صدای حق طلبانه و مخالفت مشروع را بی رحمانه در نطفه سرکوب می کردند. در حکمرانی بنی امیه، آنچه اصالت مطلق داشت «قدرت و بقای حکومت» بود و همه چیز، حتی احکام خدا و خون رسول الله ﷺ، فدای این قدرت طلبی می شد. امروز غرب مستکبر و کثیف نیز دقیقاً بر پایه همین منطق عمل می کند؛ تمدن مادی غرب تنها دوست دارد ابرقدرت باشد، در جهان آقایی کند و همه ملت ها در برابر او سر فرود آورند. این روحیه استکباری و قدرت محور، در هر دو تمدن منجر به توجیه زشت ترین اعمال از جمله خشونت های بی رحمانه، ترور، ظلم علنی و استثمار اقتصادی ملت های ضعیف می شود؛ اعمالی که در نظام های اخلاقی کاملاً غیر اخلاقی تلقی می شوند، اما در منطق غرب و امویان صرفاً به خاطر حفظ یا گسترش نفوذ و کنترل توده ها کاملاً موجه جلوه داده می شوند. این همان منطق پایدار حکمرانی قدرت محور باطل است. امویان پدیده ای به نام «الهیات توجیه گروضع موجود» و «اصالت قدرت مادی» را به عنوان بنیان های حکومت خود معرفی کردند. معاویه روی منبر شام گفت: «لولم یرنی الله اهلا لهذا الامر ما ترکنی و ایاه؛ اگر خداوند مرا شایسته این خلافت نمی دید، مرا با آن رها نمی کرد و این منصب را به من نمی داد.» و یاد در مورد خلافت یزید در پاسخ به مخالفت ها گفت: «إن أمر یزید قضاء من القضاء، و لیس للعباد الخیرة من أمرهم؛ همانا ولایتعهدی یزید، قضایی از قضا های الهی است و بندگان را در کار خود اختیاری نیست (که با آن مخالفت کنند).»

با تکیه بر عقایل باطل، ثروت های عمومی و بیت المال مسلمین را برای تجملات شخصی و ثروتمند کردن خواص خود غارت کردند؛ پدیده ای شوم که منجر به ایجاد تمایزات شدید طبقاتی، تبعیض و فقر مطلق مردم

جامعه شد. اگر امروز به جوامع غربی مدرن نگاه کنیم، می بینیم که آن ها نیز توسط اصول سرمایه داری و مصرف گرایی افراطی هدایت می شوند و دقیقاً همین وضعیت را بازتولید کرده اند؛ خروجی حتمی تمدن غرب، آشکار شدن شکاف های عمیق طبقاتی، کارتن خوابی میلیون ها انسان و فقر اکثریت در کنار ثروت های نجومی کارتل ها و شرکت های چند ملیتی بزرگ است. علاوه بر این، امویان برای توجیه ظلم خود به صورت فعالانه به جعل احادیث، سرکوب روایت های مخالف و استفاده استراتژیک از علمای درباری و دین فروشان همسو با دولت روی آوردند تا اطلاعات را کنترل کرده و به حکومت باطل خود مشروعیت مذهبی ببخشند. در دوران مدرن، این کنترل اطلاعات از طریق نفوذ گسترده و همه جانبه رسانه های جمعی، تکنیک های پیچیده تبلیغاتی، جنگ روانی و شکل دهی ساختگی به گفتمان عمومی برای خدمت به منافع سیاسی یا اقتصادی صهیونیسم و استکبار آشکار می شود. این تمدن پلید به دنبال استعمار جهان است و هر کس که شیفته این فرهنگ باشد، ناخودآگاه بازتولیدکننده همان لشکری خواهد بود که عزیزان و شهدای ما را به خاک و خون کشیدند.

امروز امپراتوری رسانه ای غرب دقیقاً همان جعل حدیث اموی را انجام می دهد. الگوریتم های شبکه های اجتماعی بزرگ مانند اینستاگرام، فیس بوک و ایکس به گونه ای تنظیم شده اند که اگر کسی تصویر یا نامی از رهبران شهید مقاومت مانند حاج قاسم، سید حسن نصرالله یا اسماعیل هنیه بیاورد، صفحه اش فوراً مسدود و حذف می شود! آن ها تحمل شنیدن حقیقت را ندارند و روایات را سانسور می کنند تا مظلوم را ظالم و ظالم را مدافع حقوق بشر جلوه دهند. این همان خفقان رسانه ای کوفه و شام است که در قالب مدرن و دیجیتال بازتولید شده است.

## ❖ خونخواهی نرم افزاری؛ رسالت مادران و جوانان در غلبه بر هیمنه استکبار

هنگامی که ابعاد تمدنی ظلم دسته اول یعنی پایه گذاران ظلم و جور را شناختیم، متوجه می شویم که مهم ترین، بالاترین و عمیق ترین مرتبه خونخواهی از دشمنان سیدالشهداء علیه السلام این است که این تمدن مادی، فرهنگ منحط و اندیشه های باطل آن را در سطح جامعه به طور کامل، منفور و بی اعتبار کنیم. هدف باید این باشد که تمام شئون این فرهنگ کثیف از کشور عزیز ما رخت بپندد. متأسفانه امروز فرهنگ، سیاست، اقتصاد و سبک زندگی مادر بخش های مختلفی بسیار درگیر و آلوده به این فرهنگ پوچ و باطل غربی شده است؛ پدیده های شومی مثل اقتصاد سرمایه داری، بنگاه داری های زالوصفتانه بانک ها، از بین رفتن نظام اصیل همسایگی اسلامی و حتی آسیب های اجتماعی نظیر ازدواج سفید، همگی خروجی نفوذ نرم افزاری این تمدن است. بنابراین، مهم ترین مرتبه انتقام سخت از دشمن، ازاله و ریشه کن کردن همه جانبه این فرهنگ و تمدن کثیف مادی است تا دیگر نتواند انسان هایی دین زده و دنیا طلب بازتولید کند که بخواهند در برابر امام حق و نایب او لشکرکشی نمایند. در این میدان و تقابل نرم افزاری، نقش بانوان مؤمنه و مادران دلسوز جامعه بسیار حیاتی، کلیدی است؛ چرا که این مادران هستند که باید نسلی غیور، باایمان و شجاع پرورش دهند که در برابر هیمنه غرب بایستند و مصداق عینی تحقق فرهنگ ناب اسلامی باشد. مادران، مجاهدان خط مقدمی هستند که باید سبک زندگی تمدن غربی را از متن زندگی خانواده ها کنده و بیرون بریزند. البته در این نقطه از خونخواهی، سیاستمداران، جوانان، نخبگان و عموم مردم نیز نقشی بسیار کلیدی دارند. رهبر معظم و حکیم انقلاب اسلامی در تبیین ابعاد شهادت حاج قاسم سلیمانی، دقیقاً همین نقطه

یعنی غلبه فکری و فرهنگی بر غرب را به عنوان «سیلی سخت تر» به آمریکا معرفی فرمودند: «البته آنچه در شهادت شهید سلیمانی اتفاق افتاد، اولین سیلی سختی بود که به آمریکا زده شد... لکن سیلی سخت تر عبارت است از غلبه‌ی نرم‌افزاری بر هیمنه‌ی پوچ استکبار؛ این سیلی سخت به آمریکا است که باید زده بشود. بایستی جوانان انقلابی ما و نخبگان مؤمن ما [با] همت، این هیمنه‌ی استکباری را بشکنند و این سیلی سخت را به آمریکا بزنند، این یک؛ یکی هم اخراج آمریکا از منطقه است که این همت ملت‌ها و سیاست‌های مقاومت را می‌طلبد که بایستی این کار را انجام بدهند؛ این، سیلی سخت است.»<sup>۱</sup>

## 🔗 تقابل تمدن حق و باطل در سنجش قرآن و کلام

### امیرالمؤمنین علیه السلام

فرهنگ و اعتقادات پایه‌ها و بنیان‌های یک تمدن هستند. قرآن کریم در مقایسه پایه‌ها و عاقبت این دو تمدن حق و باطل در آیه ۱۰۹ سوره مبارکه توبه می‌فرماید: ﴿أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ﴾ (آیا کسی که شالوده و پایه‌ی بنای کار خود را ساخت و استوار کرد) ﴿عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ﴾ (بر پایه تقوا و خدا ترسی از جانب خدا و جلب خشنودی او) ﴿خَيْرٍ﴾ (بهتر و پایدارتر است) ﴿أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ﴾ (یا کسی که پایه‌ی بنای فکری و عملی خود را بنا نهاد) ﴿عَلَىٰ شَفَا جُرْفٍ هَاٍ﴾ (بر لبه‌ی پرتگاهی سست و مشرف به فروریختن) ﴿فَأَنْهَارِهِ﴾ (پس آن بنا ناگهان سست شد و همراه با آن شخص فروریخت) ﴿فِي نَارٍ جَهَنَّمَ﴾ (در میان آتش سوزان دوزخ و جهنم؟). بنای تمدن حق بر اساس تقوا و امور الهی و بنای تمدن حق بر اساس تفکرات

۱. بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت سالگرد سپهبد شهید سردار سلیمانی،

پوچ و سست مادی گرایانه است. تنها کافی است پوچ و سست بودن تفکرات باطل غربی نظیر اومانیسیم و مادی گرایی برای مردم توضیح داده بشود تا پوچ بودن و سست بودن تمدن غربی بیش از پیش نمایان شود. در همین راستا و برای تبیین دقیق تر این تضاد تمدنی، روایتی بسیار عمیق و از صحابه خاص امیرالمؤمنین نقل شده است؛<sup>۱</sup> عَنْ حُبَيْشِ بْنِ الْمُعْتَمِرِ [حَنْشِ بْنِ الْمُعْتَمِرِ] قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي صَحْنِ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ فَقُلْتُ: كَيْفَ أَمْسَيْتَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ (از حنش بن معتمر روایت شده است که گفت: در صحن مصفای مسجد کوفه بر امیرالمؤمنین علی علیه السلام وارد شدم و به محضرش عرض کردم: ای امیر مؤمنان، روزگار را چگونه شب کردید و احوال شما در این زمانه چگونه است؟)

قَالَ: «أَمْسَيْتُ مُحِبًّا لِمُحِبِّيْنَا» (امام در پاسخ فرمود: روزگار را سپری کردم و شب کردم در حالی که دوستدار قطعی دوستانمان هستم) «وَأَمْسَيْتُ مُبْغِضًا لِمُبْغِضِيْنَا» (و بیزار و خشمگین و دشمن بر دشمنانمان هستم) «فَأَمْسَيْتُ مُحِبُّنًا مُغْتَبِطًا بِحُبِّيْنَا» (پس دوستدار حقیقی ما شب خود را در موقعیتی مورد غبطه، همراه با شوق و آرامش می گذرانم) «بِرَحْمَةِ مِنَ اللَّهِ يَنْتَظِرُهَا» (به سبب رحمت خاص و ویژه ای از جانب پروردگار که همواره در انتظار نزول آن است) «وَأَمْسَيْتُ عَدُوًّا يُؤْتِسِسُ بُنْيَانَهُ» (و در مقابل، دشمن ما شب را به صبح می رساند در حالی که پیوسته پایه های بنای فکری و عملی خود را می سازد) «عَلَى شَفَا جُرْفِ هَارٍ» (بر لبه ی پرتگاهی سست، لرزان و در حال سقوط) «فَكَانَ ذَلِكَ الشَّفَا قَدْ انْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ» (پس گویی آن لبه ی پرتگاه سست هم اکنون در زیر پای او فرو ریخته و او را در دل آتش دوزخ سرنگون کرده است) «وَكَانَ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ

۱. الغارات (ط - القديمة)، ج ۲، ص ۴۰۱

قَدْ فُتِحَتْ لِأَهْلِهَا» (و در طرف مقابل، گویی درهای بهشت برین بر روی اهل آن گشوده شده است) «فَهَيِّنَا لِأَهْلِ الرَّحْمَةِ رَحْمَتَهُمْ» (پس گوارا و نوش باد بر اهل رحمت و ولایت، آن رحمت بی کرانشان) «وَالْتَّعَسُ لِأَهْلِ النَّارِ» (و مرگ، سرنگونی و هلاکت ابدی باد بر اهل آتش و رذیلت).

«وَمَنْ سَرَّهُ أَنْ يَعْلَمَ» (و هر کس که دوست دارد و خوشحال می شود که به یقین بداند) «أَمْ حَبِئْنَا أَوْ مُبْغِضْنَا» (آیا واقعاً دوستدار ما اهل بیت است یا دشمن و کینه توز نسبت به ماست) «فَلْيَمْتَحِنْ قَلْبَهُ بِحُبِّنَا» (پس باید سریعاً قلب و درون خود را با میزان محبت واقعی ما بیازماید و بسنجد) «إِنَّهُ لَيْسَ عَبْدٌ يُحِبُّنَا» (چرا که هیچ بنده و انسانی نیست که ما را عمیقاً دوست بدارد) «إِلَّا مَنْ خَيَّرَهُ اللَّهُ عَلَى حُبِّنَا» (مگر آنکه خداوند متعال او را بر اساس انتخاب پاک، طهارت باطن و حق طلبی اش بر محبت ما برگزیده است) «وَلَيْسَ مِنْ عَبْدٍ يُبْغِضُنَا» (و هیچ بنده ای در عالم نیست که بغض و کینه ما را در دل داشته باشد) «إِلَّا مَنْ خَيَّرَهُ عَلَى بُغْضِنَا» (مگر آنکه بر اساس انتخاب باطل، لجاجت و خباثت درونی اش بر مسیر دشمنی ما رقم خورده است). «نَحْنُ التَّجَبَّاءُ» (ما نجیبان، پاکان و برگزیدگان پروردگاریم) «وَأَفْرَاطُنَا أَفْرَاطُ الْأَنْبِيَاءِ» (و پیشگامان، فرزندان و درگذشتگان پیش فرستاده ی ما در فضیلت همانند پیشگامان پیامبران عظام هستند) «وَأَنَا وَصِيُّ الْأَوْصِيَاءِ» (و من جانشین برحق تمامی جانشینان و اوصیای الهی هستم) «وَأَنَا مِنْ حِزْبِ اللَّهِ وَ حِزْبِ رَسُولِهِ» (و من با افتخار سرسلسله ی حزب حقیقی خدا و حزب رسول گرامی او هستم) «وَالْفَيْئَةُ الظَّالِمَةُ حِزْبُ الشَّيْطَانِ» (و آن گروه ستمکار، مستکبر و جبهه مقابل ما، همگی حزب گوش به فرمان شیطان هستند) «وَالشَّيْطَانُ مِنْهُمْ» (و اساساً خود شیطان نیز از جنس و سنخ خود آنان است).

## ❖ مبارزه با ساختارهای غیرمردمی؛ اصلاح نظام مدیریتی در لایه دوم خونخواهی

آیه شریفه و کلام نورانی امیرالمؤمنین علیه السلام به زیباترین شکل ممکن، تقابل مبنایی دو نوع «پی ریزی و بنیان‌گذاری و تأسیس تمدن» را به تصویر می‌کشند. یک تمدن بنیانش بر پایه تقوا، عدالت و رضوان الهی است که ثمره آن در عصر ما تمدن نوین اسلامی، تفکر جهادی و تحقق اقتصاد مقاومتی است. تمدن دیگر، بنیانش بر لبه‌پرتگاهی سست، مادی و رو به فروپاشی بنا شده که مظهر آن اقتصاد، فرهنگ و اندیشه لیبرال سرمایه‌داری غربی است. انتقام و خونخواهی در این لایه عمیق نرم‌افزاری، یعنی فروریختن جدی این بنیان سست طاغوتی در افکار مردم؛ اما این کار کافی نیست و ما را به مرتبه دیگر خونخواهی منتقل می‌کند که همان انتقام از دسته دوم معرفی شده در زیارت عاشورا است؛ یعنی جریانی که معصوم فرمود: «وَلَعَنَّ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ». این لایه، لایه ساختارسازی است. کسانی که متناسب با آن فرهنگ مادی غربی، اقدام به ساختارسازی‌های لیبرالی در بدنه جامعه اسلامی کردند، در واقع همان مسیر دفع اهل بیت از مقامشان را پنهانی طی می‌کنند. تمام ساختارهای اداری، اقتصادی و فرهنگی درون کشور که مردمی نیستند، مستکبرانه‌اند و با نیازهای مردم مستضعف فاصله دارند، باید در مسیر خونخواهی سیدالشهداء مورد تحول و انتقام واقع شوند. همین ساختارهای معیوب، بروکراسی‌های فلج‌کننده و تفکرات تکنوکراتی بودند که در طول این سال‌ها دخیل بودند در رقم نخوردن کامل اقتصاد مقاومتی، حل نشدن مشکلات معیشتی و در نتیجه، قوی تر نشدن ایران اسلامی اثرگذار بودند و عملاً بنیان‌کاستی‌ها و ضعف‌های وضع موجود هستند. این ساختارهای غیرمردمی و مادی با تضعیف نظام اسلامی، عملاً در پازل دشمن بازی می‌کنند؛ مجموعه‌ای

از نفوذها و ناکارآمدی‌ها که در نهایت جبهه حق را تضعیف کرده و منجر به ریخته شدن خون پاک امام شهید ما و مدافعان امنیت در میدان‌های مختلف شده است. بنابراین، اصلاح نظام مدیریتی و حذف ساختارهای غربی، گام دوم و اساسی ما در خونخواهی کربلاست.

### ❦ نتیجه‌گیری منبر؛ انزوای شیفتگان تمدن غرب و ریشه‌کنی جریان نفاق

در نهایت، انتهای مراتب خونخواهی تمدنی و نرم‌افزاری به این نقطه منتهی می‌شود که ما باید با تبیین دقیق، روشنگری مستمر و کار فرهنگی جهادی، این تمدن منحط مادی غربی و همچنین اقلیت مسخ‌شده، شیفته و وابسته‌ای را که در داخل کشور در حال بزک کردن چهره استکبار هستند، در افکار عمومی جامعه کاملاً منفور و منزوی کنیم. جامعه انقلابی و حسینی ما باید به آن سطح از رشد، بصیرت و آگاهی تمدنی برسد که جریان شیفته غرب دیگر نتواند با طناب پوسیده مادی‌گرایی، ملت را به سمت پرتگاه فروپاشی بکشانند. ما با منفور کردن این تفکر در لایه‌های مختلف تمدن‌سازی و ساختارسازی، می‌توانیم به توفیق الهی ریشه جریان نفاق و نفوذ رادار داخل کشور برای همیشه بخشکانیم و قطع کنیم. هیئتی که امروز به نام علی اکبر علیه السلام گریه می‌کند، باید خروجی اش جوانی باشد تمدن‌ساز، ساختار شکن در برابر باطل و مطیع محض امام حق، تا پرچم این انقلاب به دست صاحب اصلی اش، حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا فداه) سپرده شود.

### ❦ روضه شهادت پرچمدار جوان تمدن توحیدی، حضرت علی اکبر علیه السلام

حالا که از تقابل دو تمدن حق و باطل شنیدید، بگذارید این توسل و اشک را گره بزنیم به نام آن جوانی که خودش مظهر، آینه و پرچمدار تمدن ناب

محمدی علیه السلام در برابر سیاهی تمدن مادی اموی بود. حضرت علی اکبر علیه السلام «أَشْبَهُ النَّاسِ خُلُقًا وَ خُلُقًا وَ مَنْطِقًا بِرَسُولِ اللَّهِ» بود؛ یعنی جبهه باطل در کربلا، نه فقط با یک جوان، بلکه تصویر عینی و زنده پیامبر را به شهادت رساند. وقتی این جوان رشید اذن میدان گرفت، اباعبدالله الحسین علیه السلام نگاهی مأیوسانه به قامت او انداخت، محاسن شریفش را به سمت آسمان بلند کرد و فرمود: «اللَّهُمَّ اشْهَدْ فَقَدْ بَرَزَ إِلَيْهِمْ غُلَامٌ أَشْبَهُ النَّاسِ خُلُقًا وَ خُلُقًا وَ مَنْطِقًا بِرَسُولِكَ» (خدایا تو شاهد باش جوانی به سوی آنان به میدان رفت که در صورت و سیرت و گفتار، شبیه ترین مردم به پیامبرت است). این جوان مقابل چشمان پدر به میدان رفت؛ وقتی شروع به رجز خواندن کرد لشکر بی مروت کوفه که از اسم علی هم بیزار بودند گرد علی اکبر حسین حلقه زدند.

هیاهویی در لشکر افتاد... کاری با پیکر شبیه ترین به رسول الله کرد که زبان از گفتن آن شرمسار است. «فَقَطَّعُوهُ بِسُيُوفِهِمْ إِرْبَاءً إِرْبَاءً»؛ با تیغ‌ها و شمشیرهایشان بدن نازنین او را بندبند و قطعه قطعه کردند. وقتی امام حسین علیه السلام خودش را با کمر شکسته به بالین علی رساند، صورت به صورت گلگون و ارباً اربای جوانش گذاشت، غبار از پیشانی اش پاک کرد و بادلی سوخته صدا زد: «عَلَى الدُّنْيَا بَعْدَكَ الْعَفَاءُ»؛ بعد از تو خاک بر سر این دنیا علی جان... «قَتَلَ اللَّهُ قَوْمًا قَتَلُواكَ» (خداوند بکشد آن امتی را که تو را به شهادت رساندند)... الا لعنه الله على القوم الظالمين.

منزل نهم

خونخواهی امام

حسین علیه السلام؛ از نابودی

تمدن طاغوت تا

ساختن ایران قوی





بسم الله الرحمن الرحيم. تسلیت و تعزیت عرض می‌کنیم به همه عزیزان شب تاسوعای حسینی را، ان شاء الله که وجود نازنین ایشان تفضلاتی به ما بکنند، به بیان نورانی امام باقر علیه السلام که فرمودند در این روزها این گونه به یکدیگر تعزیت بگویید:

«عَظَّمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

خداوند اجرها و پاداش‌های ما را در مصیبت شهادت حسین علیه السلام

بزرگ گرداند،

«وَجَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ بِنَارِهِ مَعَ وَلِيَّةِ الإِمَامِ المَهْدِيِّ مِنْ آلِ

مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»

و ما و شما را از خونخواهان و طلب‌کنندگان خون او، در رکاب ولی‌اش امام مهدی از خاندان محمد علیه السلام قرار دهد. در شب‌های گذشته بیان کردیم که نهضت خونخواهی امام حسین علیه السلام یک حرکت سطحی و احساسی نیست، بلکه جریانی معرفتی و تمدن‌ساز است. گفتیم که این خونخواهی بزرگ، باید در چهار مرتبه و لایه شکل بگیرد و «ازاله طاغوت» و ریشه‌کن کردن مستکبران باید در هر چهار لایه ای که در شب‌های گذشته عرض کردیم صورت پذیرد؛ اما امشب، در شب نهم محرم، می‌خواهیم

از بعد ایجابی این حرکت بزرگ پرده برداریم. امشب می خواهیم درباره آن «ایران قوی» و آن کشوری که بر مبنای تمدن حق و الگوی مهدوی شکل گرفته باشد صحبت کنیم؛ چرا که این موضوع برای آینده جبهه حق بسیار حیاتی و مهم است.

ما نمی توانیم فقط بگوییم «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» اما برای فردای نابودی آن ها برنامه ای نداشته باشیم. اگر ما تمدن نجس غرب و نظام سلطه آمریکا را دور ریختیم، در فرآیند خونخواهی باید دقیقاً بدانیم چه الگوی نوین و چه تمدن جایگزینی را می خواهیم در کنار آن اقامه کنیم. نمی شود نظامات مادی را نفی کرد اما تشکیلات جایگزین نداشت. اگر دشمن یک تشکیلات مجهز چهار مرتبه ای برای ضربه زدن به جبهه حق و تضعیف ایمان مردم دارد، ما نیز دقیقاً باید همین تشکیلات منسجم را در جبهه حق برای اقامه قسط و عدل شکل دهیم. بعد ایجابی خونخواهی به ما می گوید که حسین ابن علی علیه السلام شهید نشد که ما فقط گریه کنیم و منفعل بمانیم؛ بلکه او خون داد تا غبار از چهره اسلام ناب بردارد و به ما بیاموزد که برای تحقق حکومت الهی، باید ساختار قدرت، اقتصاد، فرهنگ و سیاست جامعه را بر اساس وحی بازسازی کنیم. امشب در محضر علمدار کربلا، درس قوی شدن در همه ابعاد را مرور می کنیم تا بدانیم یک جامعه حسینی، جامعه ای منزوی و ضعیف نیست، بلکه جامعه ای مقتدر، پیشرو و پناه مظلومان جهان است.

## ❦ چرا حکومت اسلامی باید هم زمان در پی قدرت بازدارنده و رفاه اقتصادی باشد؟

برای اینکه تمدن حق بتواند در برابر تمدن های شیطانی قد علم کند، ما شدیداً نیاز داریم به یک ایران قوی که در لایه های نظامی، علمی و اقتصادی

به یک قدرت بلامنازع و فرادست تبدیل شود تا دیگر هیچ دشمن مستکبری جرات و توان هجمه به آن را نداشته باشد. این یک دستور صریح قرآنی است که هدایتگر مسیر ماست. آیه شریفه کتاب خدا به زیبایی می فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ﴾ (و در برابر آن ها آماده کنید) ﴿مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾ (هر چه در توان دارید از نیرو و پیشرفت و ابزار قدرت) ﴿وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ﴾ (و از اسب های ورزیده و تجهیزات جنگی آماده) ﴿تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾ (تا با آن، دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید و از هجوم بازدارید). (سوره انفال، آیه ۶۰)

ما باید قوی شویم، بسیار قوی؛ و این حقیقتِ روشن را بدانیم که اسلام ناب، حقیقتِ جمع بین قدرت مادی، رفاه عمومی و سعادت آخرت است. اصلاً این موارد از هم جدا نیستند و تفکیک دنیا از آخرت، خطای بزرگ فکری است. ما در ادامه ی منبر درباره ویژگی های این ایران قوی صحبت ها خواهیم کرد، اما در گام نخست باید این اصل مبنایی را تثبیت کنیم که ما مکلفیم یک «ایران قوی دارای رفاه» بسازیم که در آن معیشت مردم عزیز هم تامین شود. چرا این را می گویم؟ چون جریان نفاق دائم تبلیغ می کند که دین داری مساوی با فقر و عقب ماندگی است! اگر مردم و توده های جامعه فکر کنند که در کنار پرچم حق، رفاه، آسایش و پیشرفت مادی نیست، بتدریج عقب می نشینند و جبهه را خالی می کنند؛ همان طور که در صدر اسلام، مردم از دورِ مولا علی علیه السلام کنار رفتند؛ چرا که تحت تاثیر تبلیغات، فکر می کردند علی علیه السلام فقط زهد و آخرت دارد و نمی تواند یک دنیای آباد، مرفه و پرپیشرفت برای آنان بسازد. در حالی که دستان توانمند امیرالمؤمنین، چاه ها می گند و نخلستان ها آباد می کرد تا به جامعه رونق ببخشد، اما بوق های تبلیغاتی، چهره ای دیگر از امیرالمؤمنین ساخته بودند.

## ❖ گواهی تاریخی حضرت زهرا علیها السلام بر مهارت جامع امیرالمؤمنین در اداره دین و دنیای مردم

برای اثبات این مدعا که امام حق، هم دین را آباد می‌کند و هم دنیای مردم را به بهترین رفاه می‌رساند، هیچ سندی محکم‌تر از کلمات نورانی حضرت صدیقه طاهره علیها السلام نیست. خطبه حضرت زهرا علیها السلام در جمع زنان مهاجر و انصار در این زمینه بسیار مهم است. در آن لحظاتی که مردم ولایت را رها کرده بودند، حضرت می‌خواهند به جامعه بفهمانند که با کنار زدن علی علیه السلام چه خسارت مادی و معنوی بزرگی خوردند. حضرت می‌خواهند بگویند علی علیه السلام نه تنها راه آسمان را بلد است، بلکه دقیقاً همان کسی است که می‌تواند دنیای دارای رفاه، عادلانه و پربرکتی برای شما بسازد. ایشان خطاب به آن زنان فرمودند:

«وَيَحْتُمُّهُمْ» (وای بر آنان!) «أَنْتِي زَحَزَحُوهَا عَنْ رِوَاسِي الرِّسَالَةِ» (چگونه خلافت و رهبری جامعه را از کوه‌های استوار رسالت دور کردند؟) «وَقَوَاعِدِ التُّبُؤَةِ وَمَهَبِطِ الْوُحْيِ الْأَمِينِ» (و از پایه‌های محکم نبوت و محل فرود وحی جبرئیل امین فاصله‌اش دادند؟) «وَالطَّيِّبِينَ بِأَمْرِ الدُّنْيَا وَالدِّينِ» (و از کسی که به امور دنیا و دین، دانا، ماهر و مسلط بود گرفتند؟) «أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْحُشْرَانُ الْمُبِينُ» (آگاه باشید که این کار، همان زیان آشکار و جبران‌ناپذیر است).

بینید خانم فاطمه زهرا علیها السلام چگونه استدلال می‌کنند! حضرت زهرا علیها السلام صراحتاً علی علیه السلام را به عنوان «الطَّيِّبِينَ» یعنی پزشک دانا و فرمانروای مسلط بر امر دنیا و دین معرفی می‌کند. یعنی چه؟ یعنی اگر علی علیه السلام بر کرسی حاکمیت تکیه می‌زد، دنیای شما را هم طبابت و آباد می‌کرد. دین از

دنیا جدا نیست؛ تمدن اسلامی زمانی محقق می‌شود که معنویت در کنار معیشتِ عزتمندانه قرار گیرد. متأسفانه جامعه آن روز این حقیقت را درک نکرد و فریبِ شعارهای مادی و کاذب جریان نفاق را خورد. آنان گمان کردند که برای چشیدن طعم رفاه باید به سراغ دیگران بروند و نتیجه‌ی این انتخاب غلط، قرن‌ها خفقان، بی‌عدالتی و فقر ساختاری برای امت اسلام شد. ما باید از این تاریخ درس بگیریم و بدانیم که تمدن نوین اسلامی، تمدنی جامع‌الاطراف است که رفاه مادی را در سایه سارهدایت الهی به مردم هدیه می‌دهد.

امروز در دنیای مدرن و در بستر فضای مجازی، امپراتوری رسانه‌ای غرب و شبکه‌های صهیونیستی به صورت شبانه‌روزی تلاش می‌کنند تا الگوی حاکمیت دینی را ناکارآمد، منجمد و مایه عقب‌ماندگی جلوه دهند. آن‌ها با پمپاژ سیستماتیک یاس، ناامیدی و خودکم‌بینی در دل جوانان، به ویژه دختران و زنان آگاه ما، می‌خواهند این‌گونه وانمود کنند که دین و احکام الهی توانایی اداره جامعه پیشرفته را ندارد. در این خطبه تاریخی، حضرت زهرا علیها السلام مستقیماً زنان را به عنوان مخاطب اصلی برمی‌گزیند؛ چرا که آن حضرت به خوبی می‌دانست که اگر مادران و همسران یک جامعه نسبت به کارآمدی و توانایی نظام حق دچار تردید و بدبینی شوند، پشتوانه اراده جمعی و مردمی حکومت سست می‌شود. امروز بانوان جامعه ما با جهاد تبیین، با افشای ماهیت پوشالی فرهنگ غرب و با حضور مقتدرانه و درخشان خود در عرصه‌های علمی، دانشگاهی، فناوری و تربیتی، باید این توطئه رسانه‌ای را خنثی کنند و به جهان نشان دهند که الگوی سوم زن مسلمان، نه تنها مظهر عفت و معنویت است، بلکه پیشران اصلی توسعه، پیشرفت علمی و رفاه تمدنی کشور به شمار می‌رود.

## ❖ ریشه‌شناسی کینه دشمنان از عدالت علی علیه السلام و ترسیم جامعه آرمانی و پربرکت او

حال ممکن است این سوال پیش بیاید که اگر علی علیه السلام مایه آبادانی دنیا و آخرت بود، چرا جامعه او را یاری نکرد؟ حضرت زهرا علیها السلام در ادامه همان خطبه، علت واقعی را با شجاعت بیان کرده و می‌فرماید:

«وَمَا نَقَمُوا مِنْ أَبِي حَسَنِ؟» (و به خدا سوگند، آنان از ابوالحسن چه عیب و ایرادی گرفتند و چرا با او دشمنی کردند؟) «نَقَمُوا وَاللَّهِ مِنْهُ نَكِيرٌ سَيْفِيهِ» (کینه‌ی آنان به خدا سوگند تنها به خاطر شمشیر بُرنده و بی‌گذشت او در برابر باطل بود) «وَسِدَّةٌ وَطَأْتِيهِ وَنَكَالٌ وَفَعْتِيهِ» (و به خاطر گام‌های استوار و کوبنده‌اش و ضربات عبرت‌آموزش بر پیکر کفر) «وَتَتَمَّرُهُ فِي ذَاتِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ» (و خشم و قاطعیت بدون سازش او در راه رضای خداوند عزوجل بود). سپس حضرت، تصویری بی‌نظیر از حکومت مقتدر و مرفه علی علیه السلام در صورت یاری مردم ترسیم کرده و می‌فرماید:

«وَاللَّهِ لَوْ تَكَافَأُوا عَنْ زِمَامٍ» (به خدا سوگند، اگر مردم دست از مهارِ حاکمیتی که پیامبر به او سپرده بود برنمی‌داشتند) «نَبَذَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَأَعْتَلَقَهُ» (و می‌گذاشتند علی آن زمام را به دست بگیرد) «وَلَسَارِ بِهِمْ سَيْرًا سُجْحًا» (هرآینه آنان را به نرمی، آرامش و سلامت در مسیر پیشرفت راه می‌برد) «لَا يَكُلُّمُ خِشَاشُهُ وَلَا يُتَعَتَعُ رَاكِبُهُ» (چنان‌که نه مهارِ این مرکب به بینی جامعه آسیب می‌زد و نه سوارکارِ آن دچار خستگی و لرزش می‌شد) «وَلَأَوْرَدُهُمْ مِنْهَلًا نَمِيرًا فَضْفَاضًا تَظْفَحُ ضِقَّتَاهُ» (و قطعاً آنان را به چشمه‌ای زلال، گوارا، فراوان و لبریز وارد می‌کرد که آب از دو سوی آن سرریز می‌شد) «وَلَأَوْدِرُهُمْ بِطَانًا قَدْ تَخَيَّرَ لَهُمُ الرِّيِّ» (و آنان را کاملاً سیراب و خشنود بازمی‌گرداند در حالی که بهترین سیرابی را برایشان برگزیده بود) «غَيْرَ مُتَحَلِّ مِنْهُ بِطَائِلٍ إِلَّا بِالْعَمْرِ الْمَاءِ» (در حالی که خود او از این دنیا

بهره‌ای بر نمی‌داشت جز به اندازه رفع تشنگی) «وَرَدَّعِهِ سَوْرَةَ السَّاعِبِ» (و به اندازه فرونشاندن سوز گرسنگی اش) «وَلَفُتِحَتْ عَلَيْهِمْ بَرَكَاتُ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (و در نتیجه این عدالت و حاکمیت حق، درهای برکات آسمان و زمین به روی آنان گشوده می‌شد).

دقیقاً همین کینه تاریخی و تمدنی را امروز مستکبران و زرسالاران جهان از نظام اسلامی ایران دارند. چرا چهل و چند سال است که با این ملت دشمنی می‌کنند؟ آیا واقعاً مشکل آن‌ها مسئله هسته‌ای، موشکی یا حقوق بشر دروغین خودشان است؟ خیر؛ کینه عمیق آن‌ها به خاطر شمشیر قاطع و مواضع بدون سازش جمهوری اسلامی ایران در برابر پروژه‌های غارتگرانه و استعماری آن‌ها در منطقه است. آن‌ها از خشم و قاطعیت این ملت مقتدر در دفاع از مظلومان غزه، لبنان، یمن و عراق به شدت عصبانی هستند. آن‌ها از این عصبانی هستند که ایران رد به سینه نظم نوین جهانی مدنظر مادی‌گرایان زده است. امروز اگر ما مسیر استقلال اقتصادی، تقویت تولید ملی و خودکفایی زیرساختی را محکم ادامه دهیم و برکات پنهان این سرزمین را با تکیه بر مغزهای متفکر جوانان جوان و نخبه خود استخراج کنیم، قطعاً به همان وعده شکوهمند زهرایی می‌رسیم؛ یعنی گشایش برکات زمین و آسمان. دستیابی به امنیت غذایی، خودکفایی در کالاهای اساسی و مدیریت بهینه منابع ملی، مصداق عینی ورود به همان چشمه زلال و پربرکتی است که صدیقه طاهره (ع) فرمود و امروز مستکبران با ابزار تحریم می‌خواهند ملت ما را از چشیدن طعم آن محروم سازند.

## **چگونه ضرورت دستیابی به اقتدار علمی و برتری زیرساختی برای به زانو درآوردن مستکبران جهان**

ایران قوی در عصر حاضر و در مسیر خونخواهی سیدالشهدا، باید شکوهمند، پیشرفته و مقتدر باشد؛ درست مانند حکومت الهی و

بی نظیر حضرت سلیمان علیه السلام. حکومت حق نباید در موضع ضعف علمی یا تکنولوژیک قرار گیرد، بلکه باید چنان جلوه‌ای از توانمندی را به نمایش بگذارد که چشم ناظران جهانی را خیره کند. قرآن کریم داستان مواجهه ملکه سبا با جلوه‌ای از پیشرفت تکنولوژیک حکومت سلیمان را این گونه روایت می‌کند:

«قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ» (به او یعنی ملکه سبا گفته شد: به ساحت قصر و تالار بزرگ وارد شو) «فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً» (پس چون آن تالار را دید، از شدت صفا و صیقلی بودن، گمان کرد حوضی عمیق از آب روان است) «وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِيهَا» (و برای عبور از آن، جامه اش را از ساق هایش بالا زد) «قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ» (سلیمان گفت: این حوض نیست، بلکه قصری است صاف و صیقلی که از آبگینه‌ها و بلورهای پیشرفته ساخته شده است) «قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي» (ملکه که آن شکوه علمی و مادی را دید، خاضع شد و گفت: پروردگارا، من با شرک ورزی بر خویشتم ستم کردم) «وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (و اینک همراه و همگام با سلیمان، تسلیم خداوند پروردگار جهانیان شدم). (سوره نمل، آیه ۴۴)

عزیران من، این آیه به ما درس تمدن سازی می‌دهد. باید کشور اسلام چنان قوی، پیشرفته و مقتدر شود که مستکبران و کافران با دیدن شکوه اقتصادی، علمی و تکنولوژی آن، فرود بیایند و خاضع بشوند. امروز در جغرافیای سیاسی جهان، صیانت مقتدرانه از شاهراه عظیمی مثل تنگه هرمز، دقیقاً مسیر عینی رسیدن به این ایران قوی است؛ صیانت از تنگه هرمز، گذرگاه استراتژیک ما به سمت تحقق اقتصاد پویا، بی‌اثر کردن تحریم‌ها و تبدیل شدن به یک بلوک بزرگ قدرت در جهان است. ما چاره‌ای نداریم جز اینکه در فناوری، در صنعت، در هوا فضا و در اقتصاد، به قله‌ها برسیم تا تمدن اسلام، مایه فخر و جاذبه برای مستضعفان جهان باشد.

امروز اگر ایران اسلامی به عنوان ام القرای جبهه مقاومت بخواهد فرآیند مقدس خون خواهی را تا نابودی کامل غده سرطانی صهیونیسم و سقوط طاغوت های مدرن پیش ببرد، باید در اوج اقتدار سخت افزاری، نظامی و علمی باشد. تطبیق و معنای امروزی این حرف چیست؟ معنایش این است که هر موشک نقطه زن که ساخته می شود، هر پیشرفت چشمگیر هسته ای و فضایی که به دست می آید، هر توافق کلان تجاری ضد دلار که ابهت مادی غرب را می شکند و هر مدال علمی که جوانان نخبه ی ما کسب می کنند، یک سیلی سخت و محکم در مسیر ایجابی خونخواهی سیدالشهدا است. دشمن کینه توز به شدت از دسترسی جوانان مؤمن ما به تجهیزات پیشرفته ی بازدارنده و علم روز دنیا وحشت دارد. کسی که امروز در سنگر دانشگاه، کارخانه یا پادگان برای قوی شدن ایران در ابعاد نظامی، علمی و زیرساختی مجاهدت می کند، در واقع در حال برافراشتن همان پرچم منور علمدار کربلاست تا خیمه ی ولایت در امنیت و آرامش بماند. دقیقاً به همین دلیل است که دشمن تحریم های فلج کننده و سنگینی را علیه ملت ما وضع کرده است تا مانع رسیدن ما به این قله های رفیع قدرت شود. اما ما وقتی افق روشن تمدنی این چنینی در پیش روی خود داریم و وقتی خود را خونخواه حسین علیه السلام می دانیم، به هیچ وجه به هیچ تطمیع، تهدید از سوی دشمن تن نمی دهیم! دشمن وقتی می بیند جبهه حق به قدرت بازدارندگی رسیده، با مکر و تزویر جلو می آید، دست به تطمیع می زند و می گوید: «بیایید سازش کنید تا تحریم ها را برداریم؛ سلاح خود را زمین بگذارید تا شما را به رسمیت بشناسیم!» اما ملت حسینی ما، با اقتدا به قمر بنی هاشم علیه السلام، محکم و قاطع بر دهان این ایده و امان نامه های تزویر می زند و تا آخر پای خیمه ولایت می ایستد.

## ♦ امان‌نامه‌های مدرن؛ آزمون بصیرت و عقلانیت سیاسی

### امت مبعوث

ملت بزرگ و مبعوث ایران با گذر از چالش‌ها و چشیدن سرد و گرم روزگار، به یک «بلوغ و رشد عقلی» عمیق دست یافته است و دیگر فریب پیشنهادهای صلح ظاهری، لبخندهای دیپلماتیک و امان‌نامه‌های مدرن استکبار را نمی‌خورد؛ چراکه این خطای فاحش، نزد عقلای عالم مردود است. تجربه عینی و ملموس تاریخی به ما ثابت کرده که برای دشمن، چیزی به نام اخلاق سیاسی و تعهد حقوقی وجود ندارد؛ آن‌ها سازمان‌های بین‌المللی را تنها برای منافع خود تاسیس کرده‌اند و هر جا مصلحت مادی‌شان اقتضا نکند، توافقات را به آسانی پاره و احکام دادگاه لاهه را تحریم می‌کنند. قرآن کریم نیز با افشای ماهیت این تجاوزکاران می‌فرماید: «لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا أَوْلِيَاءَ وَلَا ذِمَّةً وَأُولِيَاءُ هُمُ الْمُعْتَدُونَ» (توبه/۱۰). بر این اساس، تمایل ظاهری دشمن به صلح و سازش، یک مکر سیاسی برای خریدن زمان، فرار از مخمصه شکست و گریز از دست بلند انتقام و بازدارندگی ماست؛ دقیقاً مانند قرآن بر سر نیزه کردن معاویه در صفین که نه برای حکمیت قرآن، بلکه نیرنگی برای نجات از نابودی و تجدید قوا بود.

استراتژی کلان و کینه‌توزانه جبهه کفر با امتیازات موشکی و هسته‌ای حل نخواهد شد، بلکه هدف نهایی آن‌ها تسلیم مطلق، بی‌اختیار کردن جامعه و مسخ کامل هویت اسلامی و استقلال خواهانه ماست؛ چنان‌که پروردگار در آیه ۱۲۰ سوره بقره هشدار می‌دهد که یهود و نصاری هرگز از تو راضی نمی‌شوند مگر آنکه از آیین آن‌ها پیروی کنی. ذات این دست‌های چدنی با دستکش‌های مخملی در آیه ۲ سوره ممتحنه برملا شده است: «إِنْ يَتَفَقَّوْكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتُهُمُ بِالسُّوءِ»؛ یعنی لبخند امروز آن‌ها از سر ناچاری و کوتاهی دست‌شان است، وگرنه همین

دستان اتوکشیده پشت میز مذاکره، همان تروریست‌های خائن فرودگاه بغداد و عاملان شهادت حاج قاسم سلیمانی هستند که اگر جرات و فرصت بیابند، ما را به خاک و خون می‌کشند. از این رو، مقابله با چنین دشمنی عین واقع‌گرایی است تا چرخه ذلت بارِ «آسیب زدن دشمن، پیشنهاد صلح دروغین، ساده‌لوحی ما و حمله مجدد و قوی‌تر او» شکسته شود. فرمان قاطع قرآن برای پایان دادن به این چرخه، صریح و بی‌تعارف است: «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ يَنْتَهُوْنَ» (توبه/۱۲)؛ چرا که مستکبر جز زبان زور، زبان دیگری نمی‌فهمد.

در منطق اسلام، مؤمن هیچ‌گاه شروع‌کننده جنگ نیست، اما اگر دشمن بدعهد جنگ را تحمیل کرد، سست شدن در میدان و دادن پالس مذاکره، طمع او را چند برابر می‌کند. خداوند در سوره محمد (آیه ۳۵) به وضوح نهی می‌فرماید: «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ». شرط واقعی هرگونه آتش‌بس و صلح، خلع سلاح شدن و اخراج کامل و بی‌قید و شرط نظامی آمریکا از منطقه است؛ در غیر این صورت، توافق با متجاوزِ اسلحه‌به‌دست، پاداش دادن به جنایت و پذیرش خنجر پنهان در آستین اوست. ما بر اساس خط قرمز عاشورا و کلام حماسی اباعبدالله الحسین علیه السلام که فرمود: «هَيْهَاتَ مِنَّا الذِّلَّةُ»، هرگز زانو زدن ذلیلانه را نخواهیم پذیرفت و مانند قمر بنی‌الاعظم علیه السلام در شب تاسوعا، با بصیرت و قاطعیت، امان‌نامه‌های مدرن را پس می‌زنیم. امروز امان‌نامه‌های مدرن استکبار جهانی در قالب قطعنامه‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، کنوانسیون‌های استعماری غربی، معاهدات ذلت‌بار مالی و پیشنهادهای پشت پرده شیاطین بزرگ به ما عرضه می‌شود. دشمن با زبان دیپلماسی اما با باطن مکر می‌گوید: «حق غنی‌سازی خود را محدود کنید، برد موشک‌های راهبردی‌تان را کاهش دهید، دست از حمایت از بازوهای مقتدر محور

مقاومت در منطقه بردارید تا ما هم بخشی از دارایی های بلوکه شده شما را آزاد کنیم و به شما امان نامه اقتصادی بدهیم! این پیشنهادها، دقیقاً همان امان نامه تزویرآلود شمر ملعون در عصر حاضر است که ریشه استقلال ما را هدف گرفته است. اما دستگاه دیپلماسی عزتمند ما، نیروهای مسلح غیور ما و توده های بصیر این ملت با الهام از مکتب عاشورا و غرش تاسوعایی عباس علیه السلام، این امان نامه های فریبکارانه را پاره کرده و زیر پا انداخته اند. حضور فعال و راهبردی ایران در سازمان های بزرگ بین المللی مانند بریکس و پیمان شنهای، در کنار فعال سازی معاهدات پولی دو جانبه و چند جانبه با قدرت های بزرگ اقتصادی جهان برای حذف کامل دلار از مبادلات، گام های عملی و کوبنده مادر در این امان نامه ها و شکستن ستون فقرات نظام تحریم هاست. ملت حسین به تمدن رو به افول غرب هرگز باج نخواهد داد.

ملت ما با باور به کلام امیرالمؤمنین علیه السلام که حیات حقیقی را در سایه مرگ قاهرانه و پیروزمندانه می داند، به سوی میدان حق پرواز می کند؛ چراکه خون خواهی رهبر شهید و سرداران مقاوم مان به ما آموخته است که هزینه سازش، بسیار ویرانگرتر از مقاومت است و نصرت خدا با کسانی است که تا آخر در میدان می مانند.

### ❖ روضه حضرت قمر بنی هاشم ابوالفضل العباس علیه السلام

امشب شبِ علمدارِ باوفای حسین است؛ همان قامتی که خیمه کفر را به لرزه درآورد اما در برابر امرِ امام خویش، سراپا تسلیم و ادب بود. شب نهم، شبِ وفاداری و رد کردن امان نامه های ابلیس است. نوشته اند در عصر تاسوعا، شمر ملعون با امان نامه وارد شد؛ فریاد زد: «أَئِنَّ بُنُوْا حُتَيْبًا؟» خواهرزادگان ما کجایند؟ عباس و برادرانش کجایند؟ برای شما از عمر بن سعد امان آورده ام! شما در امانید، خودتان را به کشتن ندهید! اما

غیرت الله، قمر بنی هاشم، چنان فریادی بر سر او زد که زمین زیر پای آن ملعون لرزید. فرمود: «لَعَنَكَ اللَّهُ وَ لَعَنَ أُمَّانَكَ!» خدا تو و امان نامهات را لعنت کند! تو به ما امان می دهی در حالی که پسرِ دخترِ رسول خدا در امان نیست؟! ما به امانِ کفر تن نمی دهیم، امانِ ما امانِ خداست.

این علمدارِ باصلابت، روز عاشورا وقتی بی تابی کودکان را دید، آمد و از امام اذن میدان رفتن خواست. سید الشهدا به عباس ماموریت داد تا کمی آب برای خیمه ها بیاورد. ابالفضل العباس مشک به دوش گرفت و به سمت فرات تاخت. چهار هزار سرباز نگهبانِ آب را پراکنده کرد، وارد شریعه فرات شد. اسب را داخل آب برد؛ «فَلَمَّا رَأَى عِظَمَ بَرْدِ الْمَاءِ» وقتی خنکای آب فرات را دید، کف آبی بالا آورد تا بنوشد؛ اما ناگهان به یاد لب های تشنه حسین و صدای العطشِ کودکان افتاد... آب را روی آب ریخت و فرمود: «يَا نَفْسُ مِنْ بَعْدِ الْحُسَيْنِ هُونِي...» ای نفس! بعد از حسین، زندگی تو خواری و پستی است! حسین تشنه باشد و تو آب بنوشی؟

مشک را پر کرد، از شریعه خارج شد؛ اما باران تیر دشمن از کمین گاه ها بر سرش بارید... ابتدا دست راستش را قطع کردند؛ مشک را به دست چپ داد. دست چپ را قطع کردند؛ مشک را به دندان گرفت... تیر به مشک آمد، آب هاروی خاک ریخت... دیگر عباس امیدی برای بازگشت به خیمه نداشت... ناگهان عمود آهنین بر فرق سرش فرود آمد. از روی اسب به روی زمین افتاد، اما چون دست در بدن نداشت، با صورت به زمین خورد... فریاد زد: «يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيكَ مِئِي السَّلَامُ»... وقتی اباعبدالله بالین برادر رسید، دید دست ها قطع شده، فرق شکافته... خم شد، سرِ عباس را به دامن گرفت، نگاهی به آن پیکر پاره پاره کرد و ناله زد: «الآنْ أَنْكَسَرَ ظَهْرِي وَ قَلَّتْ حِيلَتِي»... الآن کمرم شکست و دیگر بیچاره شدم... أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ.



منزل دهم

چرا تمدن قوی اسلامی

فقط با ابزار و تکنولوژی

ساخته نمی شود؟

سوره فجر و حقیقت

نفس مطمئنه





بسم الله الرحمن الرحيم. عزاداری ما در ماه محرم، صرفاً یک سوگواری منفعلانه و گریستن بر یک حادثه تاریخی محصور در سال ۶۱ هجری نیست؛ بلکه عزاداری حقیقی، حرکتی فعال، پویا و جریان ساز است که در نهایت باید به خون خواهی حقیقی سیدالشهداء علیه السلام ختم شود. به همین دلیل ما هر سال در محرم باید طبق تعلیم امام باقر علیه السلام به یکدیگر این گونه تعزیت بگوییم:

«عَظَّمَ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

خداوند پاداش و اجر ما را در مصیبت فرورفتن در سوگ حسین علیه السلام

بزرگ گرداند؛

«وَجَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الظَّالِمِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الإِمَامِ المَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»

و ما و شما را از کسانی قرار دهد که به همراه ولی‌اش، امام مهدی از خاندان محمد علیه السلام، خواستار خون خواهی او هستند.

در شب‌های گذشته به تفضیل گفتیم که یک مرحله از خون بهای امام شهید ما علاوه بر به قصاص رساندن قاتلین، اخراج آمریکا از منطقه که در شب‌های قبل عرض کردیم، اقامه قسط و ساخت یک «ایران امام» است؛

یعنی یک ایران قوی که مأموریت بزرگش برپایی عدالت و ایستادگی در برابر ظالمان منطقه و جهان است. ما این اقتدار را در لایه قدرت سخت، ابزار مادی و پیشرفت های تکنولوژیک توصیف کردیم. اما امشب، در شب عاشورا، می خواهیم یک سوال حیاتی بپرسیم: آیا شاخصه اساسی یک ایران قوی و تمدن مهدوی، صرفاً همین ابزار و تکنولوژی است؟ آیا قرار است ما به یک «ژاپن اسلامی» تبدیل شویم که غرق در آهن و فناوری است اما از روح تهی است؟ یا اینکه صحنه و حقیقت دیگری در کار است؟ مؤلفه اصلی و بنیادین ایران قوی، قدرت سخت نیست، بلکه لایه نرم افزاری آن یعنی حیات طیبه است.

خداوند متعال در قرآن کریم، سرنوشت امت هایی را برای ما روایت می کند که غرق در قدرت مادی و تکنولوژی شدند اما چون بندگی را فراموش کردند، سقوط کردند. برای فهم این حقیقت باید به سراغ سوره فجر برویم؛ سوره ای که در روایات ما به نام سوره ی سید الشهداء علیه السلام شناخته می شود. امام صادق علیه السلام در روایتی می فرمایند:

«اقْرَأُوا سُورَةَ الْفَجْرِ فِي فَرَائِضِكُمْ وَ نَوَافِلِكُمْ» (سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحب خود بخوانید) «فَإِنَّهَا سُورَةُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ» (چرا که این سوره، سوره ی حسین بن علی علیه السلام است) «وَ ارْعَبُوا فِيهَا رَحِمَكُمُ اللَّهُ» (و به خواندن آن رغبت نشان دهید، خداوند شما را رحمت کند).

در ادامه ی این روایت آمده است که ابواسامه در مجلس حاضر بود و از امام پرسید: «كَيْفَ صَارَتْ هَذِهِ السُّورَةُ لِلْحُسَيْنِ خَاصَّةً؟» (چگونه این سوره به صورت خاص متعلق به امام حسین شده است؟) حضرت در پاسخ فرمودند: آیا کلام خدا را نشنیده ای که می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً \* فَادْخُلِي فِي عِبَادِي؛ وَادْخُلِي جَنَّاتٍ﴾ (ای نفس مطمئن و آرام یافته! به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که تو از او خشنودی و او از تو خشنود است پس در زمره بندگان خاص من درآی و در بهشت من وارد شو).

سپس امام صادق علیه السلام رمزگشایی کرده و فرمودند: «إِنَّمَا يَعْني الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام، فَهُوَ ذُو النَّفْسِ الْمُطْمَئِنَّةِ الرَّاضِيَةِ الْمَرْضِيَّةِ» یعنی مقصود خداوند از نفس مطمئنه، وجود نازنین حسین بن علی علیه السلام است؛ چرا که او صاحب نفس آرام یافته، راضی و پسندیده است. امام در پایان فرمودند: «وَهَذِهِ السُّورَةُ فِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَشَيْعَتِهِ... مَنْ أَدَمَّنَ قِرَاءَةَ الْفَجْرِ كَانَ مَعَ الْحُسَيْنِ فِي دَرَجَتِهِ فِي الْجَنَّةِ» یعنی این سوره درباره امام حسین و شیعیان آل محمد است و هر کس بر آن مداومت کند، در بهشت هم درجه با سیدالشهدا خواهد بود. لذا سعی کنیم در این ایام محرم و صفر با این سوره انس بگیریم و در آن تدبر کنیم که ان شاء الله در معیت امام حسین علیه السلام قرار بگیریم.

پس اگر می‌خواهیم ایران قوی را بسازیم، باید بدانیم نرم‌افزار این تمدن، رسیدن به آرامش حقیقی و نفس مطمئنه در سایه بندگی خداست، نه فقط انباشت آهن و تکنولوژی منهای معنویت.

جلوه عینی این نفس مطمئنه را امروزه مادر ایستادگی خانواده‌های معظم شهدا، مادران صبور شهدای امنیت و دانشمندان هسته‌ای خود می‌بینیم که در اوج تهدید و ترور دشمن، خم به ابرو نمی‌آورند. دشمن می‌خواهد با ترور و تحریم، لرزه بر اندام جامعه بیندازد، اما تربیت یافتگان مکتب فجر و مکتب عاشورا، در میدان ملت‌هت معاصر، مصداق بارز ثبات قدم و سکینه الهی هستند. ایران قوی یعنی تشکیل جامعه‌ای که آدم‌هایش هویتی نفوذناپذیر در برابر شیخون فرهنگی غرب دارند.

## ❦ عاقبت دردناک کشورهای پیشرفته اما بدون خدا در سوره فجر؛ تکنولوژی بدون اخلاق مایه طغیان است

بیا بیدنگاهی به تاریخ بیندازیم؛ به همان امت‌هایی که در اوج تکنولوژی مادی بودند اما سقوط کردند. خداوند در سوره فجر به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلْتَ رَبُّكَ بِعَادٍ﴾ (آیا ندیدی که پروردگارت با قوم عاد چه کرد؟)

اما قوم عاد چه کسانی بودند؟ خدا آن‌ها را این‌گونه توصیف می‌کند: ﴿إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ﴾ (همان شهر ارم که دارای ستون‌های برافراشته و عظیم بود) ﴿الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ﴾ (شهری که لنگه و مانند آن در هیچ سرزمین دیگری ساخته نشده بود).

خداوند می‌فرماید این تمدن شهری ساخت که نظیرش در جهان خلق نشده بود! این یک ادعای بزرگ از سوی خالق جهان است. این نظریه که علم و تمدن همیشه به صورت خطی پیشرفت کرده، کاملاً غلط است؛ در گذشته تمدن‌هایی بودند که مهندسی و تکنولوژی‌های فوق پیشرفته‌ای داشتند که بشر امروز هنوز رمز و راز آن را نمی‌داند. این توصیف دقیقاً منطبق بر خود برترین مادی مستکبران امروز جهان است. تمدن غربی و صهیونیسم بین‌الملل امروز با تکیه بر غول‌های سیلیکون ولی، هوش مصنوعی، اینترنت اشیاء و بمب‌های هدایت‌شونده، همان ادعای قوم عاد را تکرار می‌کنند که «کیست که از ما قدرتمندتر باشد؟» آن‌ها ساختارهای عظیم اقتصادی و معماری‌های مدرن نیویورک، لندن و تل‌آویو را نشانه جاودانگی خود می‌دانند، دقیقاً مثل همان ستون‌های برافراشته شهر ارم سپس آیه بعد می‌فرماید:

﴿وَتَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ﴾ (و قوم ثمود که صخره‌های عظیم را در دره‌ها می‌بریدند و می‌تراشیدند).

امروز تونل زدن در دل کوه با این همه ابزار مدرن، کار هر کشوری نیست و تخصص ویژه‌ای می‌خواهد. اما قوم ثمود کوه‌ها را می‌تراشیدند و در دل صخره‌ها، کاخ‌ها و عمارت‌های عظیم بنا می‌کردند؛ یعنی آن‌ها در لبه مرز تکنولوژی و مهندسی زمان خود بودند. در ادامه خداوند تمدن سوم را مثال می‌زند:

﴿وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ﴾ (و فرعونی که صاحب اوتاد و میخ‌های استوار بود). بعضی مفسران گفته‌اند «اوتاد» یعنی فرعون دشمنانش را به میخ می‌کشید، اما نظر دقیق‌تر مفسران بزرگ این است که اوتاد اشاره به اهرام ثلاثه مصر دارد؛ ساختمان‌های عظیم و مقتدری که مثل میخ بر زمین کوبیده شده‌اند. مهندسی اهرام مصر هنوز هم برای دانشمندان مدرن یک معماست.

خداوند سه تمدن به شدت توسعه‌یافته مادی را مثال می‌زند، اما بلافاصله پاشنه آشیل و علت نابودی آن‌ها را بیان می‌کند:

﴿الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبِلَادِ﴾ (همان کسانی که در شهرها و سرزمین‌ها دست به طغیان و سرکشی زدند) ﴿فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ﴾ (و در آن کشورها، فساد و تباهی بسیاری به بار آوردند).

ریشه نابودی این تمدن‌های قدرتمند چه بود؟ طغیان و فساد. این‌ها فکر کردند چون تکنولوژی بالایی دارند و دست برتر علمی را دارند، دیگر کسی زورش به آن‌ها نمی‌رسد؛ پس مست قدرت شدند و به ستمگری روی آوردند. امروز مصداق عینی این طغیان و فساد در لبه تکنولوژی را کجا می‌بینیم؟ در کشورمان و غزه و لبنان ببینید؛ رژیم سفاک صهیونیستی با استفاده از سیستم‌های هوش مصنوعی پیشرفته مانند سامانه «حبسورا» یا

«انجیل» بانک اهداف ترور تولید می‌کند، با جنگنده‌های مدرن اف-۳۵ بمب‌های چندتنی سنگرشکن را روی سر کودکان می‌ریزد و با تکنولوژی سایبری پیچرها را منفجر می‌کند. این همان طغیان فرعون‌ی به پشتوانه تکنولوژی است! آن‌ها چون در فناوری دست برتر را دارند، فکر می‌کنند مجازند دست به نسل‌کشی بزنند، بیمارستان‌ها را محاصره کنند و مزارع را بسوزانند. فساد اخلاقی تمدن مدرن غربی، نابودی نهاد خانواده، رواج انحرافات جنسی تحت حمایت قانون و استعمار نوین ملت‌ها از طریق شبکه‌های مالی بین‌المللی، دقیقاً همان «فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ» است. در نتیجه سنت الهی رقم خورد:

﴿قَصَبَ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ﴾ (پس پروردگارت تازیانه عذاب را بر آنان فروریخت) ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾ (چرا که مسلماً پروردگار تو در کمینگاه است).

بنابراین، اگر تکنولوژی و قدرت مادی خالی از یک لایه نرم‌افزاری الهی، اخلاقی و انسانی باشد، قطعاً به طغیان، استکبار و فروپاشی منجر می‌شود. «ایران قوی» به فناوری مدرن نیاز دارد، اما فراتر از آن، به روحی نیاز دارد که مانع از طغیان شود.

## ❖ تفاوت زندگی مادی و پیر از استرس غربی با زندگی پاک و

### همدلانه اسلامی

خداوند متعال حقیقت توسعه منهای خدا را در یک جمله کوتاه خلاصه کرده است؛ خروجی تمدن غربی و مادی چیزی جز «معیشت ضَنَک» نیست. خداوند در سوره طه آیه ۱۲۴ می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي﴾ (و هر کس از یاد من روی برگرداند و اعراض کند) ﴿فَارْتَلَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾ (پس بی‌گمان برای او زندگی تنگ، سخت و پرفشاری خواهد بود).

باید دقیق شد؛ خداوند نمی‌فرماید کسی که از یاد من رو بگرداند فقیر می‌شود یا به تکنولوژی نمی‌رسد، بلکه می‌فرماید زندگی‌اش در فشار و تنگنا قرار می‌گیرد. یعنی طرف غرق در پول و رفاه مادی است، در برج‌های هوشمند زندگی می‌کند، اما شب‌ها بدون قرص آرام‌بخش خوابش نمی‌برد؛ دائماً در استرس، تنهایی و پوچی است. چرا؟ چون تمدن مادی، انسان را در این دنیا خلاصه می‌کند و حس بی‌نهایت طلبی انسان را به سمت مادیات سوق می‌دهد. امروز در عربستان طرحی را رونمایی کرده‌اند که می‌خواهند روی سقف یک آسمان‌خراش چند صد متری استادیوم فوتبال بسازند! این همان معیشت ضنک است؛ یعنی دویدن بی‌انتهای دنبال لذت مادی، بدون ذره‌ای آرامش روحی. گزارش‌های رسمی سازمان‌های بهداشتی غرب را بخوانید؛ امروز در ایالات متحده و اروپا از «اپیدمی تنهایی» صحبت می‌کنند. وزیر بهداشت آمریکا رسماً اعلام می‌کند که ضرر تنهایی و انزوای روانی در جامعه مدرن غربی، معادل کشیدن روزانه ۱۵ نخ سیگار است! چرا جامعه‌ای که بالاترین درآمد سرانه و پیشرفته‌ترین ابزارهای ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی را دارد، به این نقطه از پوچی و خودکشی می‌رسد؟ پاسخ روشن است: اعراض از یاد خدا و اصالت دادن به گزینه و مصرف‌گرایی.

در مقابل این بن‌بست مادی، اسلام طرح «حیات طیبه» را ارائه می‌دهد؛ حیات طیبه یعنی تربیت انسان جدیدی که آرامش خود را در بندگی خدا و خدمت به خلق می‌بیند، نه در اصالت مصرف و مادی‌گرایی. در ایران قوی، ملاک اصلی تکثیر نفس‌های مطمئنه و روابط مؤمنانه است.

بیاید یک مقایسه عینی بکنیم تا تفاوت این دو نگاه را متوجه شویم. در غرب روزی به نام «بلک فرایدی» یا جمعه سیاه وجود دارد. فیلم‌هایش را دیده‌اید؛ وقتی در فروشگاه‌ها باز می‌شود، مردم مانند گرگ به جان هم

می‌افتند، همدیگر را لگدمال می‌کنند و کتک می‌زنند تا یک تلویزیون یا کالای تخفیف خورده را زودتر تصاحب کنند! این یعنی وحشی‌گری مدرن در بستر معیشت ضنک؛ جایی که انسان اسیر مادیات است و آرامش ندارد. اما حیات طیبه چه شکلی است؟ به این داستان جبهه گوش کنید. آقای حبیب جعفری از راویان دفاع مقدس تعریف می‌کرد: در سن ۱۴ سالگی در جبهه بودم و یک شب شدیداً مریض شدم. آن شب تدارکات بعد از روزها سختی، کمپوت گیلاس تگرگی آورده بود که در آن گرما خیلی می‌چسبید. یکی از رزمنده‌ها به مسئول تدارکات گفت: یک کمپوت اضافه برای این نوجوان مریض بده. مسئول گفت: تعداد دقیقاً به اندازه بچه‌هاست، مگر اینکه کسی از سهم خودش بگذرد. راوی می‌گوید: نیمه‌شب بیدار شدم تا بروم سهم خودم را از جعبه بردارم؛ وقتی در جعبه را باز کردم، دیدم هر ۴۸ کمپوت دست نخورده سر جایش است! یعنی تمام ۴۸ رزمنده آن گردان، مخفیانه سهم خود را نخورده و باقی گذاشته بودند تا به آن نوجوان مریض برسد. حیات طیبه یعنی این ایثار و گذشت! در دوران کرونا تمدن غرب به جایی رسید که در فرودگاه‌ها ماسک‌های یکدیگر را می‌زدیدند، اما در ایران ما، مردم کارگاه‌های خانگی تولید ماسک راه انداختند و صاحب‌خانه‌ها اجاره‌ها را بخشیدند. این روابط انسانی مؤمنانه، شاخصه اصلی حیات طیبه است. امروز جلوه درخشان‌تر این حیات طیبه را در پویش ملی «ایران همدل» و «همدلی طلایی» دیدیم. کجای جهان مدرن سراغ دارید که در شرایط سخت اقتصادی و تورم، هزاران زن ایرانی، طلاها و جواهرات پس‌انداز عمر خود را، حلقه‌های ازدواج و یادگاری‌های عزیز خود را به صورت خودجوش صف بکشند و برای کمک به آوارگان غزه و لبنان هدیه کنند؟ این رفتار با هیچ متر و معیار مادی و لیبرالیستی قابل فهم نیست. غرب سرمایه‌داری انسان را

گرگ انسان تربیت می‌کند، اما حیات طیبه عاشورایی، انسان را فدایی هم‌نوع خود بار می‌آورد. شاخصه اصلی ایران قوی همین طلای همدلی است، نه دلارهای نفتی.

## ❖ تا مردم ظلم را با تمام وجود درک نکنند، امام زمان ظهور نمی‌کند؛ لزوم ساختن یک الگوی موفق قبل از ظهور

حیات طیبه‌ای که خداوند وعده داده، در کنار تکنولوژی برتر، نیازمند روابط انسانی عادلانه است. در این جامعه الگو، باید عدالت موج بزند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایت معروف خود درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌فرماید: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي...» (مهدی از فرزندان من است...) «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا» (او زمین را پر از عدل و داد می‌کند) «كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا» (همان‌گونه که از ستم و بی‌داد پر شده است).

تحقق این عدالت، همان خون‌بهای سیدالشهدا علیه السلام است. اما رفقا، ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه منوط به یک شرط اساسی است و آن «ادراک ظلم» توسط مردم جهان است. تا زمانی که بشر نفهمد سیستم فعلی جهان ظالمانه است و کلاه سرش می‌رود، منجی را طلب نخواهد کرد. بزرگ‌ترین ظلم عالم در سقیفه اتفاق افتاد و بالاترین جنایت در حق سیدالشهدا در کربلا رخ داد، اما چرا مردم آن زمان امام را یاری نکردند؟ چون مردم آن روز ادراک ظلم نداشتند؛ فکر می‌کردند وضع موجود طبیعی است و ستم حاکمان را به عنوان واقعیت زندگی پذیرفته بودند! امروز وظیفه ما قبل از ظهور، ساختن یک جامعه الگو در ایران قوی است؛ ما باید به دنیا نشان دهیم که می‌توان هم پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌ها را داشت و هم روابط انسانی، اخلاقی و عادلانه برقرار کرد. تمدن غرب امروز بوی تعفن می‌دهد و

وظیفه ما دورریختن این فرهنگ مادی است. اگر کسی از بیرون به جامعه ما نگاه کند، باید با دیدن این الگو بگوید: «ای کاش من هم در جامعه شما زندگی می‌کردم؛ چرا که شما هم علم دارید و هم انسانیت و آرامش.» آیا در کشوری مثل ژاپن که نهایت توسعه منهای خداست، حیات طیبه وجود دارد؟ در ژاپن پدیده‌ای به نام «کودوکوشی» یا مرگ در تنهایی وجود دارد؛ سالمندان در خانه‌های خود غریبانه می‌میزند و تازه بعد از ماه‌ها که حساب بانکی‌شان خالی می‌شود و قسط‌هایشان عقب می‌افتد، دولت می‌فهمد که آن‌ها مرده‌اند! تنها در یک بازه سه ماهه، ۲۰ هزار نفر در ژاپن این‌گونه جان باختند! این تمدنی است که ما می‌خواهیم به آن برسیم؟ هرگز! ما امروز ادراک ظلم را در شهادت کودکان غزه، در بیداری دانشگاه‌های غرب و در مظلومیت امام شهیدمان می‌بینیم. عالم دارد بیدار می‌شود و تشنه منجی است، و ما باید با ساختن ایران قوی، ویترن و الگوی این حیات طیبه را به جهان عرضه کنیم.

## ❖ جامعه مهدوی چگونه است؟ ویژگی‌های روابط انسانی در

### بهشت و عصر ظهور

قوام و استواری حیات طیبه به پاکی دل‌ها و طهارت روابط انسانی است. اگر می‌خواهید بدانید جامعه مهدوی و حیات طیبه آرمانی چه شکلی است، باید به سراغ آیات توصیف‌کننده بهشت در قرآن برویم؛ چرا که حقیقت آخرت و بهشت، باطن همین دنیایی است که در عصر ظهور به دست امام زمان عجل الله تعالی فرجه اصلاح می‌شود. مهم‌ترین و زیباترین ویژگی بهشت چیست؟ این است که سینه‌ها از کینه، حسد و دشمنی پاک می‌شود. دقیقاً همین اتفاق در عصر ظهور برای اهل زمین رخ می‌دهد. خداوند متعال در سوره حجر آیه ۴۷ درباره بهشتیان می‌فرماید:

﴿وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍ﴾ (و آنچه در دل های آنان از کینه و حسد بود را برکنديم و بيرون کشيديم) ﴿إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ﴾ (تا در صفا و صميميت، برادرانه بر تخت هايي روبروي يکديگر بنشينند).

امروز یکی از خطرناک ترین پروژه های سایبری دشمن در فضای مجازی جامعه ما، ایجاد «تروریسم کلامی»، نفرت پراکنی، قطب بندی های کاذب و دشمن تراشی های اجتماعی است. آن ها با ارتش های سایبری و ربات ها، در توییترو اینستاگرام، مدام کینه و بدبینی را میان آحاد ملت پمپاژ می کنند تا برادر را علیه برادر، و مذهبی را علیه غیرمذهبی بشورانند. این دقیقاً نقطه مقابل هندسه بهشت و حیات طیبه است. جامعه ای که اسیر غل و غش و کینه رسانه ای شود، نمی تواند تمدن ساز باشد.

در جامعه موعود مهدوی، انسان ها دیگر برای منافع مادی به جان هم نمی افتند؛ بلکه دل ها سرشار از محبت می شود. مؤمنان حقیقی کسانی هستند که حتی امروز هم در جامعه ایمانی برای پاکی دل هایشان دعا می کنند، همان طور که خداوند در سوره حشر آیه ۱۰ می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ﴾ (و کسانی که پس از آنان آمدند سر به دعا برداشته و می گویند): ﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ﴾ (پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند بیامرز) ﴿وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾ (و در دل های ما هیچ گونه کینه، حسد و عداوتی نسبت به مؤمنان قرار مده) ﴿رَبَّنَا إِنَّكَ رءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ (پروردگارا! همانا تو بسیار رئوف و مهربانی).

شاخصه دیگر این حیات طیبه، امنیت کلامی و روانی جامعه است. در جامعه ای که بر اساس بندگی شکل گرفته، فضیلت حاکم است نه رذیلت. در سوره واقعه آیات ۲۵ و ۲۶ درباره فضای حاکم بر این زندگی پاک می فرماید:

﴿لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيًا﴾ (در آنجا نه سخن لغو و بیهوده‌ای می‌شنوند و نه کلام گناه‌آلودی) ﴿الْأَقِيلًا سَلَامًا سَلَامًا﴾ (بلکه تنها چیزی که می‌شنوند، سخنی است که سراسر سلام، سلامت و آرامش است).

در جامعه مهدوی و ایران قوی، روابط انسانی به سمتی می‌رود که تهمت، دروغ، غیبت و زخم زبان رخت می‌بندد و جایش را آرامش و صلح می‌گیرد. این همان تمدنی است که حسین بن علی علیه السلام برای تحقق آن، جان مبارکش را فدا کرد. امروز وظیفه من و شما در مراودات روزمره، در بستر خانواده و در صفحات مجازی مان این است که کلامان مصداق «سَلَامًا سَلَامًا» باشد؛ کلامی امنیت‌آفرین، وحدت‌بخش و امیدآفرین، تا بوی حیات طیبه از سبک زندگی ما استشمام شود.

### ❖ روضه شب عاشورا

امشب، شب دهم است؛ شب به ثمر نشستن حیات طیبه و اوج تجلی نفس مطمئنه در کربلا. امشب همان شبی است که اصحاب اباعبدالله از همه بندهای دنیایی رها شده بودند. کینه‌ها کاملاً از سینه یاران حسین علیه السلام پاک شده بود؛ همه برادرانه، عاشقانه و جان‌برکف دور خیمه اباعبدالله حلقه زده بودند. امام زمان ما ارواحنا فداه می‌فرماید: وقتی جد غریب حسین در شب عاشورا خطبه خواند و بیعت را برداشت، یارانش یکی یکی بلند شدند؛ یکی گفت اگر هزار بار کشته شوم و خاکسترم را به باد دهند دست از تو بر نمی‌دارم... زهیر بلند شد، بریر بلند شد، عباس بلند شد... آنجا بود که سیدالشهدا نگاهی به این دل‌های پاک و مطمئن کرد و فرمود: من یارانی بهتر و باوفا تر از یاران خودم سراغ ندارم. اما بمیرم... امشب در خیمه‌ها چه گذشت و فردا شب چه خواهد شد؟ امشب صدای مناجات و تلاوت قرآن یاران مثل زمزمه زنبور عسل از خیمه‌ها بلند است؛ زینب دل‌آرام است چون

سایه عباس را بالای سر خیمه‌ها می‌بیند؛ علی اکبر و قاسم زنده‌اند... اما فردا شب همین ساعت... *اللعنة الله على القوم الظالمين*... فردا شب دیگر نه حسینی باقی مانده، نه عباسی، نه علی اکبری... فردا شب خیمه‌ها سوخته، بچه‌ها آواره بیابانند و سر مقدس ابا عبد الله بالای نیزه‌هاست... امشب دل‌ها آرام است، چون نفس مطمئنه هنوز در میان خیمه‌ها نفس می‌کشد؛ اما فردا عصر، وقتی که «شمر جالش علی صدره»... وقتی که خواهرش زینب بالای گودال قتلگاه آمد، دید بدن برادرش قطعه قطعه روی زمین افتاده؛ نگاهی به آسمان کرد: «*اللهم تقبل منا هذا القربان*...» خداوندا این قربانی را از آل محمد قبول کن... *اللعنة الله على القوم الظالمين*...

...کدام

نیروی مستحکم

و اراده‌ی پولادین بود که

از سحرگاه دهم اسفند ۱۴۰۴ ملت

ایران را آن چنان مبعوث کرد و به میدان

آورد که با انگیزه‌ای والا باگذشت بیش از سه

ماه کماکان پر حرارت به خونخواهی رهبر شهید

خود و سایر شهیدان به خون خفته و به پاسداشت

حریم نظام اسلامی و وطن عزیزشان در میدان حاضر

هستند و صفوف چند ده میلیونی جان فدايان را برای

تحقق آرمان رهبر شهید و اقامه‌ی حق و قیام‌لله

مستحکم کرده‌اند؟

پیام رهبر انقلاب، آیت‌الله سید مجتبی‌خامنه‌ای

به مناسبت عید غدیر و ۱۴ خرداد ۱۴۰۵



مجمع‌التحقیق و پژوهش‌های اسلامی  
Mehketi Seminary Complex



پنجمین جلسه هیئت عالی رهبری



مرکز اقامه فتح